

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه

یافته‌های علوم قرآنی

سال چهارم ❁ شماره هفتم ❁ بهار و تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سرمدیر: دکتر سید آقاحسن حسینی

دبیر تخصصی و ویراستار: زکریا فصیحی

طراح جلد و صفحه‌آرا: سید مهدی موسوی

هیئت تحریریه: احمد ذبیح افشاگر، احمد فکور افشاگر، سرور حسینی، سید عبدالله حسینی، سید عزت الله

احمدی، سید محمد داود علوی، عبدالعلی عادلی، محمد کریم امیری، محمدنبی امینی

دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی»، آماده دریافت و نشر مقالات صاحب‌نظران و نویسندگان است.

محتوای مقالات، بازتاب آرای نویسندگان بوده و لزوماً بیانگر رویکرد دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی» نیست.

دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی»، پس از دریافت مقالات، برای رد، پذیرش و ویرایش آن‌ها آزاد است.

آدرس: کابل، دهبوری، چهارراهی شهید، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، آمریت نشرات

تلفن: ۰۷۸۹۰۱۷۸۱۵

آدرس سامانه: <http://qs.miu.edu.af>

ایمیل: qs.chiefeditor@miu.edu.af

قیمت: ۱۵۰ افغانی

شیوه‌نامه تنظیم و راهنمای ارسال مقاله علمی

ویژگی‌های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع‌دهی، نتیجه‌گیری و منابع معتبر است.
۲. مقاله علمی باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word» ارائه گردد و حجم آن کمتر از ۶۵۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۵۰۰ کلمه نباشد.
۴. افیلیشن مقاله در پاورقی صفحه اول شامل: عنوان وظیفه نویسنده، وابستگی سازمانی، ایمیل آدرس. اگر مقاله دو نویسنده یا بیشتر دارد: عنوان وظیفه نویسنده دوم، وابستگی سازمانی، ایمیل آدرس.

راهنمای تنظیم ساختار مقاله علمی

۱. چکیده: عنوان چکیده با فونت BNazanin11 پررنگ. متن چکیده بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه و با فونت BNazanin11 معمولی. در چکیده باید به تبیین موضوع، بیان هدف پژوهش، روش تحقیق، سؤال اصلی تحقیق، روش گردآوری داده‌ها و بیان مهم‌ترین یافته‌های تحقیق با اختصار اشاره شود. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص ماضی معلوم استفاده شود. از علائم اختصاری و نقل قول مستقیم و ذکر عناوین فرعی پرهیز شود.
۲. کلیدواژه‌ها: حداقل ۴ و حداکثر ۷ واژه که با کامه از هم جدا شده باشد و در یک خط نوشته شود.
۳. مقدمه: در مقدمه به ترتیب به بیان مسئله، سؤال‌ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، پرداخته شود.
۴. بدنه مقاله: باید دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی [و فرعی‌تر] و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می‌شوند.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری متنی است که به دستاوردهای تحقیق که عبارت است از پاسخ به سؤال‌های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یا رد شده، به‌صورت مختصر آورده می‌شود.
۶. ارجاع‌دهی به‌صورت درون‌متنی به شیوه APA باشد. مثال منابع تک‌جلدی: (محسنی «حکمت»، ۱۳۹۰: ۵۴۶)؛ منابع چندجلدی: (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۴۰۲)
۷. منابع و مآخذ در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند. مثال: محسنی «حکمت»، محمد آصف، (۱۳۹۰)، زنان در افغانستان (فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، قم: انتشارات المصطفی^(ص))

ارسال و پیگیری مقاله

۱. مقاله باید از طریق سامانه نشریات به این آدرس ارسال شود: <http://qs.miu.edu.af>
۲. مراحل ارسال مقاله: ورد به سامانه نشریات از طریق آدرس فوق، انتخاب نشریه موردنظر، ثبت نام و ایجاد صفحه اختصاصی، ورود به صفحه اختصاصی با استفاده از یوزر-پسوردی که سامانه می‌دهد و اقدام به ارسال مقاله طبق راهنمایی سامانه.
۳. پیگیری مقاله: آگاهی از روند دریافت، پذیرش اولیه، داوری، ارجاع برای اصلاح، پذیرش نهایی، ویراستاری، صفحه‌آرایی، انتشار الکترونیکی، از طریق همان صفحه اختصاصی، از سوی نویسنده قابل پیگیری است.

فهرست

- پیام ریاست نمایندگی جامعه المصطفی (ص) العالمیه در افغانستان..... ۱
- سخن نخست..... ۳
- بررسی رابطه تواتر واژگان قرآن با عدم تواتر قرائات آن..... ۵
محمدحسین اکرمی | عوض علی میرزایی
- آسیب‌های آخرالزمان از منظر آیات و روایات..... ۲۷
صدیقه مرادی | سید عزت‌الله احمدی
- تأملی بر الگوی تعلیم و تربیت در قرآن (با تأکید بر داستان حضرت موسی و خضر)..... ۴۵
مهدی طاهری | سید جاوید ایوبی
- ویژگی‌های خانواده صالح از دیدگاه قرآن و حدیث..... ۶۷
سید خلیل‌الله روحانی | امان‌الله الهی
- بررسی مفهوم بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی با تأکید بر آیه ۲۰۰..... ۸۳
لیلا بابایی | احمد مرادخانی | علیرضا عسگری
- دسته‌بندی نموداری درون‌مایه سوره‌های قرآن از فاتحه تا توبه..... ۱۰۷
سید خلیل کوهی

پیام ریاست نمایندگی جامعه المصطفی (ص) العالمیه در افغانستان

پیشرفت بشر در زمینه‌های علم، فرهنگ، اخلاق و معنویت، مرهون تلاش‌ها و پژوهش‌های خستگی‌ناپذیر عالمان، اندیشمندان و نویسندگانی است که عمر پربرکت خود را وقف پژوهش و کشف رازهای هستی نموده‌اند؛ همان‌ها که ارزش والای حقیقت‌جویی و گوهر تقوا و فضیلت را هرگز به متاع و مقام زودگذر دنیا نفروخته‌اند. به همین جهت است که عالمان و اصحاب قلم در مکتب اسلام، ارج و منزلتی ویژه دارند و از دانشمندان و صاحبان اندیشه، با بهترین تجلیل‌ها و تمجیدها یاد می‌شود. در باب اهمیت قلم و اندیشه همین بس که در آموزه‌های اسلامی، مداد علما برتر از خون شهیدان و تکریم اندیشمندان، به‌عنوان وارثان انبیای الهی، در حکم احترام گذاشتن به خداوند و پیامبر قلمداد شده است؛ زیرا حیات برتر انسانی در تفکر اسلامی، درگرو اندیشه و ایمان است. لذا فرزاندگانی که با اندیشه و قلم خود مشعل دانش و معرفت را فرا راه انسان‌ها برمی‌افروزند، حق عظیمی بر عهده بشریت دارند و شایسته‌ترین ستایش‌ها و قدردانی‌ها هستند.

بدون تردید گسترش علم از زمره اساسی‌ترین عوامل رشد، انکشاف و ترقی جامعه است و رشد علمی از طریق آموزش و پژوهش به دست می‌آید. آموزش و پژوهش به‌مثابه بال‌های ترقی و اوج‌گیری یک جامعه است که با بهره‌گیری از آن دو، می‌توان به تعالی و شکوفایی مادی و معنوی رسید. جامعه علمی و آکادمیک افغانستان در سال‌های اخیر گام‌های نسبتاً خوبی در عرصه‌های آموزش برداشته است؛ اما به نظر می‌رسد که پژوهش هنوز در این کشور جایگاه مناسبش را نیافته و کمتر مورد اقبال بوده است. این در حالی است که رسیدن به پیشرفت مادی و معنوی، درگرو «آموزش و پژوهش» توأمان است.

امروزه یکی از ابزارهای مؤثر برای توسعه آموزش پژوهش‌محور، انتشار مجلات علمی است. به همین دلیل نشریات دانشگاهی به‌بخش جدایی‌ناپذیری از ساختار دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلاتی عالی تبدیل شده است. گروه‌های علمی دانشگاهی برای پیشبرد مقاصد آموزشی و پژوهشی خود و به‌منظور توسعه

دانش بشری، نشریه‌های علمی پژوهشی را تأسیس کرده و یافته‌های پژوهشی با گزارش‌های آموزشی اعضای هیئت علمی خود را در آن منتشر می‌کنند تا به دست دیگر دانش‌دوستان نیز برسد.

نماینده‌ی جامعة المصطفی (ص) در افغانستان همواره نسبت به توسعه علم و پژوهش همراه با معنویت، اهتمام داشته است. این دانشگاه با هدف تولید و ترویج علوم مرتبط با حوزه‌های علوم اسلامی و انسانی و به منظور ارتقای ظرفیت‌های علمی-پژوهشی اعضای گروه‌های آموزشی، بهبود مهارت‌های پژوهشی اساتید و دانشجویان، تقویت مبادله یافته‌های علمی و تحقیقاتی بین مراکز آکادمیک، ایجاد وحدت رویه در فرایند چاپ و نشر مجلات علمی، واحد نشریات را در مرکز پژوهشی دانشگاه ایجاد کرده است. با توجه به اهمیت و ضرورت پژوهش و با عنایت به این که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های هر نهاد آموزشی و دانشگاهی، اهتمام به تحقیقات بنیادی و پژوهش‌های کاربردی است، گسترش کمی و کیفی فعالیت‌های پژوهشی و نشراتی، به‌ویژه در حوزه مجلات علمی، مدنظر قرار گرفت. پس از فراهم شدن زیرساخت‌های لازم، مانند خرید سامانه جامع مدیریت نشریات علمی «سیناوب»، دوازده مجله علمی تخصصی ایجاد شد که مرتب به‌صورت دو فصلنامه در قالب چاپ فیزیکی و الکترونیکی منتشر می‌شود. سامانه مدیریت نشریات علمی «سیناوب» برای نظم بخشیدن و تسهیل چرخش مقاله و اطلاعات پیرامون آن در سامانه تولید نشریات علمی و دانشگاهی طراحی شده است و در نقش یک منشی پیگیر و فعال، تمامی امور مربوط به فرایند انتشار نشریات علمی را انجام می‌دهد و این امکان را فراهم می‌کند که نظریات و آثار علمی نویسندگان افغانستانی در سطح جهان در دسترس علاقه‌مندان و اصحاب علم و اندیشه قرار بگیرد.

لازم می‌دانم از تمام همکاران و نویسندگانی که زمینه تحقق این مهم را فراهم کرده و بستر بسط معارف را گسترانده‌اند، قدردانی کنم و برای همه عزیزان توفیقات روزافزون الهی، استدعا نمایم.

سخن نخست

مسیر معنوی قرآنی

قرآن کریم کتاب جامعی است که برای تمام زوایای زندگی بشر مخصوصاً آنچه مربوط به بخش‌های معنوی و دینی زندگی می‌شود، رهنمود ارائه کرده تا هیچ بهانه‌ای برای کمال نیافتن، بشر باقی نماند. بر همین اساس است که این کتاب آسمانی، به «کتاب زندگی» هم شهرت دارد؛ زیرا مسیر و آداب یک نوع زندگی خاص را ترسیم و به مشتاقان و پیروان خود معرفی کرده است. واژگان مثل علم و تعلیم و تعقل، تفکر، تدبر، بصیرت (آگاهی و هوشیاری)، ایقاض (بیداری و آگاهی) و معرفت در نمودهای گوناگون، از واژگان پربسامد در قرآن کریم است. بسامد این واژگان با معانی ظریف و دقیقی که در کاربردهای قرآنی دارند، اهمیت معانی و مصادیق آن‌ها را از نظر قرآن نشان می‌دهد. این یعنی انتخاب نوع زندگی و آداب و شیوه آن، در اختیار انسان است. هر چند بخشی از پیامدهای اخروی زندگی که قرآن معرفی کرده، در حیطه درک و عقل انسان نیست؛ اما انتخاب همان مقدار که در حیطه درک و فهم انسان است، کاملاً اختیاری است.

آزاد گذاشتن انسان برای انتخاب راه زندگی، یکی از ویژگی‌های خاص دین مبین اسلام است که در قرآن کریم تبلور یافته و از این خاص‌تر اینکه قرآن کریم، متعلق انتخاب و سرانجام هر نوع انتخاب را هم به خوبی معرفی کرده است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». (انسان: ۳) این شیوه قرآن، برای آگاهان و عاقلان، بسیار ارزنده و عقلانی و منطقی است. نوع انسان از نظر قرآن، اشرف و افضل آفریدگان خداوند و دارای کرامت خاص است. چنانکه فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم... و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری دادیم». (اسراء: ۷۰) هر چند بسیاری از صاحب‌نظران، «کرامت» انسان را ذاتی می‌دانند، ولی «اشرفیت» و «افضلیت» او، ثبات ندارد یا اگر اشرفیتش مربوط به نوع انسان می‌شود، افراد انسان نباید دلگرم این اشرفیت نوعی باشند؛ زیرا بقا و فنای این اشرفیت، درگرو انتخاب و اختیار خود افراد است. لذا این افراد می‌توانند با حفظ آن مقام نوعی، اشرف بمانند و گل سرسبد عالم آفرینش باشند و می‌توانند با نوع انتخاب

خود یا افتادن در وادی غفلت و تغافل، نه تنها این اشرفیت را از دست بدهند، بلکه حتی از صف چهارپایان هم بیفتند و در زمره آن‌ها هم قابل قبول نباشند. (ر.ک. اعراف: ۱۷۹) آنان که در روز قیامت آرزوی نیستی یا حتی آرزوی خاک بودن «وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» (نبا: ۴۰) می‌کنند، همان‌هایی هستند که در زندگی دنیوی، گوش به فرمان خدا و قرآن نبودند و بر طبق میل و توان خود، زندگی می‌کردند.

زندگی که قرآن برای بشر معرفی کرده، بر مدار «انتخاب و ایمان و عمل»، می‌چرخد. انتخاب بر اساس تعقل و فهم و معرفت شکل می‌گیرد و ممکن است همان متعلق فهم و تعقلش، متعلق ایمان نیز واقع شود و سپس وارد چرخه عمل به اقتضای آن ایمان گردد. چه اینکه ایمان را به نحوی، آمیزه‌ای از معرفت و اعتراف و عمل دانسته‌اند: «وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ، فَقَالَ^(۱): الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ و چون او را از معنای ایمان پرسیدند، فرمود: ایمان شناخت است به دل، اقرار است به زبان و عمل است به اعضا». (نهج البلاغه، ح ۲۷۷) متصدیان دوفصلنامه علمی تخصصی «یافته‌های علوم قرآنی»، با هدف گسترش آموزه‌ها و معارف ناب قرآنی، افتخار دارند که جویندگان راه قرآن را یاری رسانند و ضمناً در راستای گسترش فرهنگ پژوهش در کشور نیز تلاش کنند. باشد که زمینه انتشار نتایج تحقیقات اساتید و دانشجویان علوم قرآنی و پژوهشگران علوم اسلامی را از طریق نسخه چاپی نشریه فراهم کرده باشند. درحالی که زمینه استفاده از این تحقیقات برای تمام مخاطبان معارف قرآنی در سراسر جهان، از طریق انتشار نسخه دیجیتال نشریه در صفحه نشریات دانشگاه المصطفی نیز فراهم است.

دست اندرکاران نشریه بر خود لازم می‌دانند از تمام نویسندگان و همکاران علمی که در این شماره همکاری کرده‌اند، تشکر و قدردانی داشته باشند و از خداوند منان برایشان توفیق افزون‌تر بخواهند. قابل ذکر اینکه این نشریه با رویکرد قرآنی در حوزه علوم قرآن و آموزه‌های معنوی قرآنی، پذیرای مقالات همه نویسندگان محترم در شماره‌های بعدی خود است. بنابراین محققان ارجمند با استفاده از صفحه راهنمای تدوین و ارسال مقاله، می‌توانند مقالات خود را از طریق سامانه اختصاصی این نشریه، ارسال نمایند و در گسترش آموزه‌های قرآنی در جوامع مخاطب، سهم بگیرند.

بررسی رابطه تواتر واژگان قرآن با عدم تواتر قرائات آن

محمدحسین اکرمی^۱ | عوض علی میرزایی^۲

چکیده

یکی از مبانی و پیش‌فرض‌های اساسی در مورد قرآن کریم، تواتر الفاظ و کلمات آن است؛ بدین معنا که الفاظ و واژگان موجود در مصحف کنونی، همان الفاظ و واژگان وحیانی است که از جانب خداوند متعال بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. در این تحقیق که با روش تحلیلی و توصیفی تهیه شده، این مسئله بررسی شده که پیامبر اکرم (ص) الفاظ وحیانی را با همان یک قرائت برای مردم خوانده و سپس متن آن با سفارش و نظارت پیامبر (ص) توسط صحابه ثبت شده است. بعد از دوران صحابه توسط دیگر مسلمان هم مکتوب و هم در سینه‌ها حفظ شده است؛ یعنی نسل به نسل از این دو طریق برای ما نقل شده است و به نقل متواتر لفظی به دست ما رسیده است. طبق یافته‌های این تحقیق، اختلاف قرائات در مورد برخی از الفاظ و کلمات قرآن، به تدریج در زمان پیامبر (ص) و بعد از آن پیدا شده و به‌جز یک قرائت، سایر قرائات ریشه در وحی ندارد و متواتر از پیامبر (ص) نیست. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، در پی یافتن پاسخ این سؤال است که ملازمه تواتر قرآن با تواتر قرائات چگونه بوده و ادله تواتر قرآن و عدم تواتر قرائات چیست؟

کلیدواژه‌ها: تواتر قرآن، قرائات، حفظ قرآن، ضرورت دین، اجماع

۱. دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

ایمیل: hosainakrami@yahoo.com

۲. دکتری جریان‌های کلامی معاصر، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

ایمیل: mirzaeiewazali@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم بر اساس گواهی خود، کتاب عربی است. چنانکه فرمود: «ما قرآن را عربی نازل کردیم تا در آن اندیشه نمایید». (زخرف: ۳) پیامبری که این قرآن بر او نازل شده نیز عربی است؛ به دلیل این که فرمود: «به تحقیق ما می دانیم که آنان می گویند: او را بشری تعلیم می دهد، زبان کسی که به او نسبت می دهند، عجمی است و این زبان عربی آشکار است». (نحل: ۳) محل نزول آن هم محیط عربی است؛ چنانکه خود بدان اشاره می کند: «بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی». (شوری: ۷) زبان و اسلوب آن نیز عربی است؛ چنانکه خود بر آن تصریح کرده: «زبان قرآن زبان عربی مبین است». (شعراء: ۱۹۵)

وقتی زبان قرآن عربی باشد، به طور طبیعی بافت ظاهری آن را الفاظ و کلمات عربی تشکیل می دهد. یکی از پرسش های اساسی در زمینه الفاظ و واژگان قرآنی، این است که آیا واژگان قرآنی متواترند؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا تواتر آن می تواند تواتر قرائات آن را به دنبال داشته باشد؟ به تعبیر دیگر آیا بین آن دو ملازمه عقلیه وجود دارد؟ تواتر قرآن چه نسبتی با تواتر قرائات دارد؟ در پاسخ به سؤال اول به طور اجمال می توان گفت که ماده قرآن متواتر است، ولی قرائات متواتر نیست؛ زیرا قرائات به تدریج بعد از نزول آیات و در اثر قرائت مسلمانان به وجود آمده نه این قرائت های مختلف از سوی خداوند نازل شده باشد. در عین حال که این مسئله در بین مشهور مفسران و عالمان علوم قرآنی شیعه و سنی مسلم و پذیرفته شده است؛ اما برخی با توجه به روایات نزول قرآن بر هفت حرف و تفسیر نمودن هفت حرف را به هفت قرائت، قائل به تواتر قرائات شده است؛ مانند احمد بن محمد خراط، معاون آموزش دانشکده مطالعات قرآنی ملک فهد در عربستان سعودی که کتابی با عنوان: «الإعجاز البياني في ضوء القرائات القرآنية المتواترة» نوشته است. از مباحث مطرح شده در این کتاب، بحث انواع اعجاز قرآن (اعجاز بیانی، اعجاز غیبی، اعجاز تشریعی و اعجاز علمی) است. در بررسی اعجاز بیانی، ۸۱ آیه از آیات قرآن را بررسی



کرده و سپس این نکته را مطرح کرده که علمای گذشته و حال، جوانب بلاغی آیات را از خلال علوم معانی، بیان و بدیع بررسی کرده‌اند؛ اما بررسی اعجاز از منظر اختلاف حروف، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است متن گفتار او در این زمینه، چنین است: «بید أن جلّ جهودهم فی هذا المضممار کانت تدور حول ما تلتقی علیه القرائات، ومن النادر أن تتوجّه الأنظار نحو القرائات المتواترة؛ لاستجلاء جوانب الإعجاز من جرّاء اختلاف حروفها وأنماطها التعبيرية، وهو فی رأینا موضوع ثرّ ذو آفاق واسعة». (خرائط، ۱۴۲۶: ۳۶) مگر اینکه بخش اعظم تلاش آنان در این زمینه، اطراف چیزی دور می‌زده که قرائات آن را القا می‌کند و کم‌تر نظراتشان متوجه قرائات متواتر شده تا جوانب اعجاز بیانی را از خلال اختلاف حروف و گونه‌های بیانی، آشکار سازد که این موضوع به نظر ما غنی و با افق گسترده است.

برخلاف نظر مشهور، برخی قائل به تواتر قرائات هستند که پذیرش آن می‌تواند تبعات منفی زیادی مانند وجود تناقض در قرآن، تحریف به زیاده و نقیصه در قرآن و... را در پی داشته باشد. لذا بررسی این مسئله لازم به نظر می‌رسد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، در نظر دارد که مسئله تواتر قرآن را و ادله آن را و همین‌طور ادله قرائات را بررسی نماید و در نهایت به این سؤال پاسخ دهد که آیا بین تواتر قرآن و تواتر قرائات ملازمه وجود دارد؟

پیشینه بحث از تواتر قرآن را می‌توان در لابلای آثار بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، علامه طبرسی، زرکشی در البرهان، سیوطی در الاتقان، خویی در البیان، معرفت در التمهید و... جستجو کرد؛ اما در بین آن یکی از آثاری که مستقلاً به این مسئله پرداخته، کتاب ارزشمند شیخ حرّ عاملی به نام «تواتر القرآن» است که به اثبات مسئله تواتر قرآن پرداخته و وجوه متعددی را در زمینه اثبات آن ذکر کرده، در نهایت به این نتیجه رسیده که قرآن متواتر است و از این طریق می‌توان قطع به مصونیت آن از تحریف حاصل کرد.

نسبت به اختلاف قرائات هم آثار متعددی به رشته تحریر درآمده که به عنوان نمونه می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. الحجة فی القرائات السبع تألیف حسین بن احمد بن خالویه بن حمدان معروف به امام ابن خالویه، این کتاب پیرامون یکی از موضوعات علوم قرآن؛ یعنی مسئله قرائت‌های مختلف نوشته شده است. مؤلف که از دانشمندان اسلامی قرن چهارم هجری است و دارای تألیفات متعددی است، در این کتاب بحث اختلاف قرائت‌ها را در آیات قرآنی مطرح نموده است.

۲. معانی القرائات اثر محمد بن احمد ازهری (متوفای ۳۷۰ ق)، کتابی است پیرامون معانی قرائت‌های معروف قرآن کریم که در بردارنده معانی قرائات سوره‌های قرآن کریم، از سوره حمد تا سوره ناس است. نویسنده در هر مورد، پس از ذکر آیه موردنظر، ابتدا قرائت‌های مختلف مذکور پیرامون هر یک که به دلیل اختلاف در اعراب، ترکیب و... است را ذکر نموده و سپس، به قائلین به آن قرائت، اشاره نموده است. از جمله ویژگی‌های این کتاب، علاوه بر ذکر قرائت‌های مختلف و اشاره به قائلین آن قرائات، می‌توان به تخصص نویسنده در بررسی معانی لغات و مباحث وی پیرامون ریشه کلمات و معانی مختلفی را که هر قرائت به دنبال دارد، اشاره نمود.

۳. التیسیر فی القرائات السبع نوشته ابو عمرو عثمان بن سعید الدانی که به زبان عربی است. این کتاب به دو قسمت تقسیم می‌شود: در بخش اول کتاب به یادکرد نام قراء سبعه، راویان، انساب، زادگاه، کنیه‌ها و تاریخ وفات آن‌ها، ذکر سندی که منتهی به قرائت هریک از این قراء می‌شود و نیز اختلاف دیدگاه‌های هریک از قراء پرداخته شده است. در بخش دوم به «فرش الحروف» و اختلاف قراء در این زمینه پرداخته شده و «فرش الحروف» سور قرآن از سوره بقره تا آخر قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. ارشاد المبتدی و تذکرة المنتهی فی القرائات العشر، تألیف محمد بن حسین بن بندار واسطی قلانسی (متوفی ۵۲۱ ق)، به زبان عربی است. این کتاب، به ترتیبی همانند سایر کتب علوم قرائات تدوین شده است: ابتدا اسامی قراء ده‌گانه ذکر شده، پس از آن مباحث مرتبط با علم قرائت در ضمن ابواب یا فصولی بیان و در آخر نیز «فرش الحروف» به ترتیب سوره‌های قرآن کریم ارائه شده است.

۵. ابراز المعانی من حرز الامانی القرائات السبع نوشته امام عبدالرحمن بن اسماعیل بن



ابراهیم معروف به ابو شامه دمشقی که به زبان عربی است و در موضوع قرائت هفتگانه قرآن کریم نگاشته شده است. این کتاب شرحی است بر قصیده معروف شاطبیه، سروده ابوالقاسم بن فیره بن خلف بن احمد الشاطبی الاندلسی الرعینی الضریر متوفای ۵۹۰ هجری.

۶. النشر فی القرائات العشر تألیف حافظ ابی الخیر محمد بن محمد الدمشقی معروف به ابن الجزری، این کتاب پیرامون یکی از موضوعات مهم علوم قرآنی، یعنی مسئله قرائات نوشته شده است. مؤلف که یکی از دانشمندان اسلامی در قرن نهم هجری است، در این کتاب مسئله قرائات ده گانه (قاریان ده گانه) را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است. از آنجاکه بحث های انجام شده به صورت گسترده است و طبق تصریح مؤلف که حدود هزار طریق را در این کتاب مورد بررسی قرار داده و میزان اعتبار قرائت های قاریان ده گانه را تجزیه و تحلیل نموده است، به این کتاب ارزش و جایگاه خاصی داده است.

۷. لطایف الإشارات لفنون القرائات نوشته احمد بن محمد قسطلانی (۸۵۱-۹۲۳ ق)، کتابی است به زبان عربی و با موضوع علوم قرآنی. نویسنده در این اثر به بیان برخی احکام تجوید قرآن پرداخته و اصول و فرش قرائات (یا فروع قرائات به معنای موارد جزئی از اختلاف قرائات در کلمات قرآنی است که ضابطه مند نیستند) را بررسی می نماید.

۸. اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعة عشر اثر شهاب الدین احمد بن محمد بن عبدالغنی الدمیاطی پیرامون مسئله قرائات نوشته شده است. مؤلف که از دانشمندان اسلامی قرن دوازدهم است، در این کتاب برخی از مسائل مربوط به علم تجوید را بیان نموده است. وی در ابتدا اسامی قاریان چهارده گانه را همراه با طریق نقل آنان ذکر و سپس به بررسی و توضیح موضوعاتی همچون: ادغام، حکم نون ساکن، حدّ و قصر و وقف بر آخر کلمه پرداخته است. وی بیشترین قسمت کتاب را به بررسی اختلاف قرائات درباره کلمات اختصاص داده که در این زمینه تمام سوره ها را ذکر و موارد اختلافی را بیان و سبب آن ها را نیز شرح می دهد.



۹. القرائات القرآنیة تاریخ و تعریف نوشته دکتر عبدالهادی الفضلی است. این کتاب پیرامون موضوع قرائت‌های مختلف (و قاریان آن‌ها) نوشته شده است. مؤلف که از قرآن‌پژوهان معاصر است در این کتاب با روشی جدید و با استفاده از روایات مختلف موضوع اختلاف قرائت‌ها را بررسی نموده است.

در این آثار همان‌طوری که مشاهده نمودید به مسئله تواتر قرائات پرداخته نشده و رابطه آن با تواتر قرآن بررسی نشده است. این پژوهش در پی بررسی اثبات این مسئله است که قرآن متواتر است و قرائات متواتر نیست. این دو مسئله مستقل از هم هستند و هیچ ملازمه بین تواتر قرآن و تواتر قرائات وجود ندارد.

۱. مفهوم شناسی تواتر

۱-۱. تواتر در لغت

تواتر در لغت از ریشه «وتر»، به معنای «تفرّد و تنها بودن» است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸: ۱۳۲؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۳: ۱۹) به همین جهت اعداد فرد، پرده بینی، کسی که به خاطر تنهایی نمی‌تواند انتقام یا خون‌بهای کشته شده‌اش را بگیرد و... از مصادیق اصلی آن محسوب شده است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۳: ۲۱) لغویان در توضیح بیشتر معنای آن، امور ذیل را دخیل دانسته‌اند: «در پی هم بودن، به صورت فردی انجام شدن و نقل نمودن فرد خبری را از فرد دیگر». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ۲: ۶۴۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴: ۲۲۴) برخی وجود فاصله در بین اشیای متواتر را لازم دانسته‌اند. (ازهری، ۱۴۲۱، ۱۴: ۲۲۲؛ موسی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۶۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳: ۵۰۸)

۱-۲. تواتر در اصطلاح

در تعریف شیخ مفید از خبر متواتر این‌گونه آمده: «خبر متواتر عبارت است از خبری که نقل کنندگان از نظر کثرت و پراکندی در حدی اند که معمولاً توافق آنان به‌طور همگانی بر کذب محال و ممتنع است». (مفید، ۱۴۱۳: ۴۵۱) در تعریف دیگری این‌گونه آمده: «در اصطلاح متشرعه متواتر عبارت است از خبر دادن گروهی که



خود آن مفید علم است». (طباطبایی، ۱۲۷۰: ۴۲۸) در تعریف جرجانی از خبر متواتر چنین آمده: «خبر متواتر عبارت است از خبری که راویان آن در تمام طبقات، از نظر کثرت در حدی است که عادتاً توافق آنان بر کذب محال است». (جرجانی، ۱۴۲۸: ۱) عده دیگری گفته‌اند: «المتواتر، هو خبر جماعة یفید بنفسه القطع بصدقه؛ متواتر، خبر جماعتی است که به خودی خود و بدون کمک قرائین، یقین به صدق آن را افاده می‌دهد». «(بروجردی، ۱۴۱۰: ۲، ۲۵۰؛ صدر، ۱۳۵۱: ۹۷؛ سبجانی، ۱۳۸۰: ۱۶۴) مرحوم مظفر می‌گوید: «متواترات عبارتند از قضایای شخصی آرامش دهنده به نفس انسان که موجب به وجود آمدن قطع می‌شوند. این قطع‌آوری در اثر خبر دادن جماعتی است که توافقتشان بر کذب و همین‌طور اشتباهشان در فهم حادثه، به‌صورت همگانی محال و ممتنع است؛ مانند علم مسلمانان به نزول قرآن بر پیامبر^(ص) و هم چنین علم انسان‌ها به شهرهای دوری که آن را ندیده‌اند». (مظفر، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

از ژرف‌نگری در معنای لغوی و اصطلاحی تواتر، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تواتر در بین علما و دانشمندان اسلامی اعم از اصولیان، محدثین، متکلمان و منطقیان، تقریباً از تعریف یکسانی برخوردار بوده و آن را به خبری تعریف کرده‌اند که ناقلین آن از نظر کثرت در حدی است که به‌طور معمول تبانی آنان بر کذب، محال و ممتنع است و مفید علم و یقین است. به عبارت دیگر کثرت عددی راویان، نقطه مشترک تمام تعریف‌های مذکور است که راویان، به‌صورت فردی و پشت سر هم، در طول اعصار و قرون متمادی، به گزارش واقعه‌ای پرداخته‌اند.

۲. مفهوم شناسی قرائات

قرائات جمع «قراءة»، از ریشه «قرء» است که در لغت به معنای خواندن است، چنانکه راغب می‌گوید: «قراءة به معنای به هم پیوستن برخی حروف و کلمات است با برخی دیگر در خواندن آشکار». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۹) در اصطلاح عبارت است از «ادای کلمات آن به قسمی که بر پیامبر^(ص) نازل شده است». (طاهری،



۱۳۷۷: ۳۶۰) به تعبیر روشن‌تر، «هرگاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که از نصّ وحی الهی حکایت کند و برحسب اجتهاد یکی از قراء معروف بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده است، استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است». (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۴۰)

۳. متواتر بودن قرآن کریم (تبیین مبنا)

یکی از پیش فرض‌های اساسی و مبانی واژگانی قرآن کریم تواتر واژگان آن است؛ به این معنا که تمام الفاظ قرآن در قالب آیه‌ها و سوره‌ها، طبق آن ترتیبی که اکنون در مصحف موجود است، از دو طریق کتابت در اوراق و مصاحف و حفظ در سینه‌ها، توسط افراد زیادی از مسلمانان، اعم از کتاب، قراء، حفاظ و... نسل به نسل، بدون هیچ‌گونه زیادی و کاستی به گونه‌ای به دست ما رسیده که موجب قطع به قرآن بودن آن می‌گردد.

به تعبیر دیگر، قرآن کریم چون اساس دین و وسیله دعوت پیغمبر^(ص) بود، مسلمانان از همان آغاز وحی به حفظ و نگه‌دار آن اهتمام ورزیدند. لذا به محض نزول آیات، رسول خدا^(ص) آن را برای مسلمانان قرائت می‌کرد و عده‌ای از مسلمانان آن را می‌نوشتند و از بر می‌نمودند. به همین دلیل، عده‌ای به کاتبان وحی معروف شدند. هرچه بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شد، اهتمامشان بر حفظ و فراگیری قرآن شدت می‌یافت. به گواهی تاریخ بسیار از آنان تمام قرآن را از برداشتند و هرازگاهی آن را بر پیغمبر^(ص) تلاوت می‌کردند. (طیب، ۱۳۷۸، ۱: ۱۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۳) مانند حضرت علی^(ع)، معاذ بن جبل، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، ابوایوب انصاری، زید بن ثابت، ابو الدرداء، سعد بن عبیید، عبادة بن صامت و... (حریری، ۱۳۸۴: ۳۰۸) به‌ویژه حضرت علی^(ع) که هم عالم به شأن نزول، تفسیر و تأویل قرآن بود و هم از روز اول بعثت تا رحلت حضرت محمد^(ص) در سفر و حضر ملازم آن حضرت بود. (معرفت، ۱۳۷۹، ۱: ۱۹۹)

از طرف دیگر، رسول خدا^(ص) پیوسته مسلمانان را به تلاوت قرآن و عمل کردن



به دستورات آن سفارش می‌کرد. مسلمانان نیز تلاوت و حفظ قرآن را شعار اسلام و نشانه ایمان و وسیله تهذیب نفس و مایه سعادت خود می‌دانستند. ازاین جهت در حفظ و ضبط آن تلاش زیادی می‌کردند. علاوه بر این، نزول وحی در زمان حیات رسول خدا^(ص) ادامه داشت و مسلمانان هر لحظه منتظر نزول آن بودند. لذا قرآن در مصحف واحدی جمع نشده بود. بعد از رحلت رسول خدا^(ص) و قطع شدن نزول وحی، مسلمانان در حضور هزاران حافظ، قرآن را در یک مصحف جمع کردند و از آن به بعد، قرآن کریم با همین اهتمام زیاد و مراقبت تمام در استتساخ از آن، در هر دوره حفظ و نگه‌داری شد تا این‌که به دست ما رسید. (طیب، ۱۳۷۸، ۱: ۱۵؛ معرفت، ۱۴۱۵، ۲: ۱۴۷)

برخی از پژوهشگران معاصر در این زمینه می‌نویسند: «این وحی الهی که به زبان عربی روشن و فصیح از ساحت مقدس الوهیت صادر شده بود، مانند کتب دیگر تنها از طریق کتابت یا تنها از طریق حافظه انسان‌ها به دست ما نرسید، بلکه آنچه امروز در دست داریم هم دارای متن محفوظ و متکی به اسناد متواتر و یکسان بوده و هم با امانت کامل و دقیق در حافظه‌ها ضبط و نقل شده است. هر کدام از این دو طریق گواهی‌کننده طریق دیگر بوده، به طوری که از مجموع این دو طریق یک متن واحد و بدون اختلاف به دست ما رسیده است». (صبحی صالح، ۱۳۷۴: ۲۰)

حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «در تمام عصرها و مصرها و نسل‌ها، طبقات انبوهی دور همین مصحف کنونی را از شخص پیامبر اکرم^(ص) که عصمت کبرای وی از هر جهت تأمین است، نقل نموده‌اند و شخص آن حضرت، گرچه یک نفر است، ولی عصمت قاطع او یقین‌بخش است و چنین کتابی قطعی‌الصدور خواهد بود». (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۶)

۳-۱. علم‌آوری تواتر

گفته شد که خبر متواتر مفید علم و یقین است؛ اما سؤالی که ممکن است در ذهن ایجاد شود این است که راز علم‌آوری آن چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت که علم‌آوری خبر متواتر بر اساس تراکم قرائن است که به عنوان مثال وقتی راوی اول

از قضیه خبر می‌دهد، احتمال راست بودن آن یک مقدار ثابت است. هنگامی که راوی دوم هم همان قضیه را گزارش کند، احتمال صدق و در صد راست بودن آن هم افزایش می‌یابد. هرچه بر تعداد راویان و نقل‌کنندگان آن افزوده شود، احتمال صدق آن افزایش و احتمال کذب آن کاهش می‌یابد و کار تا بدان جا می‌رسد که از تراکم شدن این قرائن احتمال راست بودن صد در صد یا نزدیک به آن می‌رسد و احتمال کذب به صفر یا نزدیک به آن می‌شود. بنابراین یقین‌آوری تواتر بر اساس حساب احتمال و تراکم قرائن است، نه بر اساس قیاس منطقی که متشکل از دو مقدمه است. مقدمه اول کثرت راویان است و مقدمه دوم آن، محال بودن توافق راویان بر کذب؛ زیرا اگر ملاک کثرت راویان و استحاله تبانی آنان بر کذب باشد، باید در همه حالات حصول یقین به یک اندازه باشد، در حالی که این‌گونه نیست و هرچه درجه وثاقت راویان بیشتر باشد، حصول یقین زودتر انجام می‌گیرد و هرچه درجه اعتبار آنان کمتر باشد، حصول یقین دیرتر محقق می‌شود. (شهید صدر، ۱۴۲۸: ۱۵۲-۱۵۳؛ ایروانی، ۲۰۰۷، ۲: ۲۶-۲۹)

۳-۲. اقسام تواتر

به‌طور کل تواتر بر سه نوع لفظی، معنوی و اجمالی قابل تقسیم‌بندی است. تواتر لفظی درجایی است که تمام راویان یک لفظ را نقل کنند؛ مانند الفاظ قرآن، حدیث غدیر، حدیث ثقلین و... تواتر معنوی عبارت است از اتحاد راویان در نقل مضمون؛ مانند اتحاد روایات دال بر شجاعت امیرالمؤمنین علی^(ع) در جنگ‌ها. تواتر اجمالی هنگامی اتفاق می‌افتد که گزارش‌ها، در هیچ‌یک از مدلول‌های مطابقی، تضمینی و التزامی نقطه اشتراکی نداشته باشند. به‌عنوان نمونه اگر در کتاب وسایل هزاران حدیث وجود دارد و ممکن است برای فردی علم اجمالی به جعلی بودن تعدادی از آن پیدا شود یا علم اجمالی پیدا کند به این‌که تعدادی از آن از معصوم^(ع) صادر شده است. (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۶۵؛ خویی، ۱۴۱۷، ۲: ۹۳؛ شهید صدر، ۱۴۲۸: ۱۵۶؛ ایروانی، ۲۰۰۷، ۲: ۳۶)

ذکر این نکته لازم است که هر خبری احتمال کذب در آن وجود دارد و این احتمال



ضروری به انعقاد تواتر اجمالی وارد نمی‌کند؛ زیرا در دو قسم دیگر هم هر خبری فی‌نفسه در آن احتمال کذب وجود دارد؛ اما این احتمال مانع از انعقاد تواتر لفظی و معنوی نمی‌شود، پس در تواتر اجمالی نیز چنین خواهد بود. (خویی، ۱۴۱۷، ۲: ۱۹۴)

۳-۳. شرایط تواتر

شرایط تواتر را می‌توان به دودسته تقسیم کرد:

۱-۳-۳. شرایط مخبرین

منظور از شرایط مخبرین آن دسته از شرایط است که با وجود آن‌ها تواتر محقق می‌شود و با فقدان یکی از آن‌ها، تواتر هم محقق نمی‌شود. این شرایط عبارتند از:

۱. روات از نظر عددی باید در حدی باشند که توافق آنان بر کذب محال و ممتنع باشد.
۲. به چیزی که خبر می‌دهند علم داشته باشند، نه ظن و گمان.
۳. مستند علم آن‌ها حس باشد، نه عقل و استنباط؛ یعنی چیزی را که خبر می‌دهند باید دیده باشند یا شنیده باشند یا از طریق سایر حواس ظاهری درک کرده باشند، نه این‌که فهم خودش از واقعیات را نقل کنند.
۴. شرط اول در تمام طبقات محفوظ بماند. (علامه حلی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۲۰؛ ابن شهید ثانی، ۱۳۷۶: ۲۵۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۴، ۳: ۳۲۰؛ معرفت، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

۲-۳-۳. شرایط سامعین

منظور از شرایط سامعین آن شرایطی است که با وجود آن‌ها تواتر موجب حصول علم برای شنونده می‌شود. این شرایط عبارتند از:

۱. آگاه نبودن مخاطب به مفاد خبر؛ زیرا اگر مخاطب به مفاد آن آگاه باشد، دوباره برای او یقین حاصل نمی‌شود؛ زیرا این کار تحصیل حاصل است و تحصیل حاصل محال است.
۲. نبودن مخاطب مسبوق به شبهه یا مسبوق به تقلید؛ مثلاً اگر کسی ولایت امیرالمؤمنین علی^(ع) را به خاطر شبهه که دارد یا به تقلید از دیگران، منکر باشد و با این عقیده و

پیش فرض سراغ حدیث متواتر غدیر رود، علم به مفاد آن برایش حاصل نمی‌شود. برای این که یقین به مفاد آن پیدا کند، باید اول این مانع را برطرف نماید، سپس با ذهن خالی از شبهه و عقاید تقلیدی، سراغ حدیث مذکور و امثال آن برود. (علامه حلی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۲۰؛ علامه حلی، ۱۴۰۴: ۲۰۳)

۴. دلایل متواتر بودن واژگان قرآن

۴-۱. اجماع مسلمین

عموم دانشمندان مسلمان از جمله شیخ صدوق، طبرسی، حر عاملی، خویی، بلاغی، جوادی آملی، زرقانی، زرکشی، سیوطی و ... اتفاق نظر دارند بر این که قرآن موجود متواتر است و متن آن قطعی است و با اخبار آحاد قرآنیت ثابت نمی‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۹۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ۱: ۱۲؛ حر عاملی، ۱۳۸۴: ۳۹؛ خویی، ۱۴۳۰: ۱۲۵؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰، ۱: ۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۰۶؛ زرقانی، ۱۹۹۶، ۱: ۱۹۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۵۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ۱: ۲۳۶)

اگر گفته شود که اجماع عبارت است از اتفاق کل و این تعریف در مورد قرآن صادق نیست؛ زیرا در اخبار آحادی که از سوی شیعه و سنی نقل شده، بسیاری از کلمات به عنوان قرآن گزارش شده است؛ چنانکه صاحب کتاب فصل الخطاب آن را در کتاب خود گردآوری کرده است. در پاسخ می‌گوییم آنچه به اخبار آحاد نقل شده، به دلیل این که خبر واحد مفید قطع نیست، قرآن بودن آن قطعی نیست و چنین چیزی نمی‌تواند ناقض اجماع باشد. (کاشانی، ۱۳۸۷: ۴؛ زرقانی، ۱۹۹۶، ۱: ۱۹۲)

۴-۲. توقف اثبات نبوت بر تواتر قرآن

نبوت حضرت محمد^(ص) یکی از اصول اعتقادی مسلمانان است که در ثبوت آن حصول یقین لازم است. یکی از معتبرترین دلایل آن قرآن کریم است که یقینی بودن آن مستلزم یقینی بودن نبوت حضرت محمد^(ص) است. علامه شعرانی در این زمینه می‌گوید: «قرآن معجزه نبوت است و در اعتقادات یقین معتبر است پس باید قرآن بودن کلام متیقن باشد تا از روی آن علم به نبوت حاصل شود و اگر قرآن ظنی باشد



معجزه نبوت مظنون و اصل نبوت هم مظنون باشد؛ مثلاً اگر قوم فرعون ازدهایی می‌دیدند و گمان می‌کردند عصای موسی^(ع) است و یقین به آن نداشتند، هرگز تصدیق نمی‌کردند که موسی پیغمبر است. اگر اصحاب مسیح^(ع) مرگی می‌دیدند و گمان می‌کردند حضرت مسیح آن را از گل ساخته و یقین نداشتند، تصدیق نبوت مسیح نمی‌کردند، قرآن هم اگر به گمان و مظنه گفته پیغمبر باشد، معجزه او نیست». (کاشانی، ۱۳۸۷: ۳) بنابراین قطع پیدا کردن به نبوت حضرت محمد^(ص) متوقف بر قطعی بودن قرآن موجود است و راه تحصیل قطع به قرآن موجود، منحصر در این است که به نقل متواتر به دست ما رسیده باشد.

۳-۴. اقتضای ضرورت دین

متواتر بودن قرآن جزء ضروری دین است و هیچ‌کسی جز «ابوالعلاء معری» نسبت به آن شک و شبهه ایجاد نکرده است. ابوالعلاء اگر در رد اسلام کتابی نوشته و در آن کتاب بر نفی تواتر قرآن دلیل اقامه کرده، به خاطر پول زیادی بوده که از طرف رؤسای یهود دریافت کرده است. بعدها که ابوالعلاء تصمیم گرفته تا در رد کتاب خود کتابی بنویسد، باز یهودی‌ها با دادن پول زیاد، مانع آن شدند. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۴۷)

ممکن است اشکال شود که تواتر قرآن اگر اجماعی و ضروری است، باید برای همه علم‌آور باشد، در حالی که برای خصم این‌گونه نیست. در پاسخ به این اشکال، با توجه به شرایطی که برای تواتر بیان شد، می‌توان گفت یکی از شرایط علم‌آوری خبر متواتر این است که شنونده مسبوق به شبهه یا مسبوق به تقلید نباشد و در مورد خصم این شرط موجود نیست و اگر در مورد او موجود شود، آنگاه علم‌آور خواهد شد.

۴-۴. اهتمام شدید مسلمانان به حفظ قرآن

قرآن کریم در مسائل مختلف اعم از اعتقادی، اخلاقی، عبادی، اجتماعی و... مرجع مسلمانان است. لذا انگیزه حفظ و نگهداری آن نزد مسلمانان، بیش از دیگر مسائل است. مرحوم طبرسی در تبیین این استدلال به نقل از سید مرتضی چنین می‌نویسد: «به‌درستی که علم به صحت نقل قرآن بسان علم به وجود شهرها، رویدادها و

اتفاقات بزرگ، کتب مشهور و اشعار ثبت شده عرب‌ها است، همان‌طوری که توجه شدید و انگیزه‌های فراوان برای حفظ و نقل آن‌ها باعث ماندگاری آن‌ها شده، در قرآن کریم که معجزه نبوت و مأخذ احکام شرعی و دینی است دواعی حفظ و نقل آن به مراتب بیشتر از آن‌ها است و علمای مسلمان در حفظ قرآن و عنایت و توجه بدان، نهایت تلاش کرده‌اند... در عهد رسول خدا^(ص) قرآن کریم تعلیم داده می‌شد و حفظ می‌گردید و جمعی از صحابه برای این کار معین شده بودند و آن‌ها قرآن را بر پیامبر^(ص) عرضه و تلاوت می‌کردند و جمعی از اصحاب مثل عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب و... چندین بار قرآن را بر حضرت ختم کردند». (طبرسی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۳)

۴-۶. شهادت آثار باقی مانده

از تأمل در آثار حدیثی، تاریخی و... و تتبع در اخبار قطع حاصل می‌شود بر این که هزاران صحابه قرآن را در اعلی درجه از شهرت و تواتر نقل کرده‌اند و در دوره بعد که دوران تابعین است شاهد افزایش تعداد ناقلان هستیم و هرچه به زمان‌های بعدی می‌رسیم با توجه با افزایش تعداد مسلمانان، بر تعداد ناقلین افزوده می‌شود و این مطلب نشان دهنده این امر است که نقل قرآن در بالاترین مرتبه از مراتب تواتر صورت گرفته است. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۴)

۴-۷. احادیث

در استناد به احادیث، نقل متن احادیث و بررسی سندی و دلالتی آن از ظرفیت این پژوهش بیرون است. لذا در ادامه به بیان محتوا و مداریل التزامی آن می‌پردازیم:

الف. احادیث نبوی: احادیث نقل شده از رسول خدا^(ص) در مورد قرائت سوره‌های قرآن از اوّل تا آخر (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۲۲۳) و وعده ثواب زیادی که بر آن داده شده و هم چنین موافقت احادیث ائمه^(ع) با آن، (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۱۱) همگی دلالت دارند بر این که قرآن کریم در زمان خود حضرت به صورت مجموعه‌ای بوده و در بین مسلمانان همیشه مشهور و متواتر بوده است. اگر کسی در روایات منقول از ائمه^(ع) احتمال تقیه دهد، در روایات نبویه چنین احتمالی منتفی است؛ زیرا اولاً تقیه بر پیامبر^(ص) جایز



نیست، ثانیاً این احادیث به صورت ابتدایی و بدون اقتضای هیچ ضرورتی یا سؤالی از ایشان صادر شده است. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۷)

ب. احادیث ائمه^(ع): احادیث متواتر از ائمه^(ع) در امر به تعلّم قرآن و قرائت آن (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۰۷ - ۶۱۰) و وعده ثواب زیاد بر تلاوت هر حرفی از آن، (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۲۲۵) دلیلی است بر نفی تحریف، وگرنه دستورات مذکور قبیح و تلاوت آن حرام خواهد بود و چون ائمه^(ع) چنین دستوراتی را صادر کرده‌اند، معلوم می‌شود که قرآن مصون از تحریف مانده و در نتیجه شبهه در تواتر آن باقی نمی‌ماند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۵۶)

ج. احادیث وارده در مورد ختم قرآن: روایات زیادی از ائمه اطهار^(ع) رسیده که در آن بر ختم قرآن در مکه، در برخی از روزها و وقت‌های مشخص، سفارش شده و بر آن عده ثواب داده شده و گفته شده که بعد از ختم قرآن، فلان دعا خوانده شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۹: ۳۷۰) مدلول التزامی آن این است که قرآن موجود، بدون هیچ‌گونه کمی یا زیادی به دست ائمه^(ع) و مسلمانان هم‌عصر آنان و سپس به دست ما رسیده است. اگر این‌گونه نباشد، سفارش آنان به اعمال مذکور اغراء به جهل می‌شود و تکلیف امر به غیر مقدور می‌گردد. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۸)

د. احادیث قرائت قرآن در نماز: در روایات متواتری به قرائت قرآن در نماز دستور داده شده و نسبت به خواندن بعضی از سوره‌ها روایات خاصی نقل شده است. بنابراین برخی از روایات با اطلاقی که دارند بر آن دلالت دارند و برخی به‌طور خاص انسان را به خواندن سوره‌های مشخصی در نماز ترغیب می‌کنند و خواندن سوره‌های سجده دار، به دلیل داشتن سجده استثنا شده‌اند. این دستورات هنگامی درست است که قرآن کریم بدون هیچ‌گونه تحریفی، به صورت متواتر نقل شده و به دست ما رسیده باشد؛ زیرا ائمه اطهار^(ع) می‌خواهند با این دستورات مردم را هدایت کنند نه این که آنان را به بیراهه ببرند. علاوه بر این که اگر آنچه را که ائمه^(ع) به قرائت آن سفارش کرده‌اند، قرآن نباشند، خواندن آن در نماز موجب بطلان آن می‌شود و بر ائمه^(ع) لازم است که از این بدعت نهی کنند. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۵۹)

هـ. احادیث عرضه بر قرآن: در برخی از روایات برای صحت سنجی روایات، ملاکی داده شده به عنوان عرضه نمودن روایات متعارض بر قرآن که هر کدام موافق بود، اخذ شود و هر کدام مخالف بود رها گردد. هم چنین در روایت معتبر ذیل به طور مطلق آمده: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِّ حَقِيقَةٍ وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ برای هر حقی نمودار درستی است و بر فراز هر صوابی پرتو درخشانی، هر چیزی که موافق کتاب خدا باشد، اخذ کنید و هر آنچه مخالف آن باشد رهایش کنید». (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۶۹) پس طبق این روایات قرآن کریم معیار سنجش صحت و سقم روایات متعارض است. معیار بودن وقتی قابل پذیرش است که خود قطعی و عاری از هرگونه خلل باشد و اگر چنین نباشد، اغراء به جهل لازم می آید که ائمه^(ع) شأنشان اجل از آن است. در نتیجه یقینی بودن قرآن در نزد ائمه اطهار^(ع) مفروض و مسلم بوده که ملاک سنجش صحت و سقم احادیث قرار گرفته است. برای ما که از عصر آنان فاصله داریم، اثبات یقینی بودن متن قرآن و خالی بودن از هرگونه خلل، متوقف بر این است که متن آن از طریق نقل به تواتر به دست ما رسیده باشد.

۴-۸. نبود گزارش دال بر عدم تواتر قرآن

در گزارش های معتبر حدیثی و تاریخی نیامده که متن و ماده قرآن متواتر نیست؛ (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۶۰) اما نسبت به تواتر آن اسناد و مدارک معتبر حدیثی و تاریخی زیادی وجود دارد که برخی از آن ها ذکر شد.

۴-۹. لازم آمدن بطلان استدلال به قرآن به طور مطلق

اگر قرآنی که اکنون در دست ما است، قطعی و منقول به نقل متواتر نباشد، لازمه اش این می شود که استدلال کردن با آن به هیچ وجهی درست نباشد، در حالی که عموم مسلمانان هم بر قرآن اعتماد دارند و هم علما با آن استدلال می کنند و در گذشته هم استدلال کرده اند. ائمه اطهار^(ع) نیز استدلالشان به قرآن، در حد زیادی گزارش شده است. پس وقتی استدلال به قرآن درست است، از این بطلان تالی نتیجه می گیریم که مقدم (متواتر نبودن قرآن) هم باطل است. (حر عاملی، ۱۳۸۴: ۶۲)



۵. رابطه تواتر واژگان قرآن با تواتر قرائات آن

با توجه به دلایل بالا، متواتر بودن ماده قرآن قطعی و انکارناپذیر است؛ اما این که تواتر ماده آیا می تواند تواتر قرائات را به دنبال داشته باشد یا نه؟ مسئله است که در این بخش به طور خلاصه بررسی می شود.

حق این است که تواتر ماده (واژگان) قرآن، نمی تواند تواتر قرائت های مختلف از آن را به دنبال داشته باشد؛ زیرا اختلاف قرائت پدیده ای است که بعد از وفات پیامبر^(ص) در بین صحابه به وجود آمد. آنان بر سر جمع کردن، تنظیم و تألیف قرآن اختلاف کردند و همین امر سبب شد که گاه و بی گاه بر سر قرائت قرآن، میان قاریان اختلافی پدید آید و هر گروهی قرائت خود را بر قرائت دیگران ترجیح دهد. (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

به تعبیر دیگر، واژگان قرآنی منقول از پیامبر^(ص) بیش از یک تلفظ و قرائت نداشته و آن همان تلفظی است که حضرت^(ص) از جبرئیل امین شنیده و سپس به مردم تعلیم داده است؛ اما اختلاف در چگونگی تلفظ و ادای برخی از کلمات بعد از وفات حضرت^(ص)، به دلیل خالی بودن خطی کوفی که قرآن با آن نوشته شده بود از نقطه و اعراب، به وجود آمده که هیچ کدام از آن ها جز همان قرائت معروف در بین مردم در زمان رسول خدا^(ص)، متواتر نیستند. (طاهری، ۱۳۷۷: ۳۶۱ - ۳۷۲)

بنابراین قرائات مختلفی پدید آمده بعد از وفات رسول خدا^(ص) منقول به خبر واحدند؛ اما خود الفاظ و واژگان قرآنی با همان نحوه تلفظ منقول از پیامبر^(ص) منقول به خبر متواتر است و بین این دو نوع نقل رابطه تباین برقرار است.

۶. ادله عدم تواتر قرائات

برای اثبات متواتر بودن ماده قرآن کریم، می توان دلایل متعددی ارائه کرد که در ذیل به عمده ترین آن ها اشاره می گردد.

۱. هیچ ملازمه ای بین تواتر قرآن و تواتر کیفیت قرائات آن برقرار نیست؛ زیرا اختلاف در چگونگی خواندن یک کلمه منافات با تواتر اصل آن کلمه ندارد. همان طوری که

اختلاف روات در چگونگی هجرت پیامبر اکرم (ص)، منافات با تواتر اصل هجرت او ندارد. (خویی، ۱۴۳۰: ۱۵۷)

۲. آنچه توسط قراء برای ما رسیده خصوصیات قرائت قرآن است؛ اما اصل و مواد آن توسط مسلمین از دو طریق حفظ در سینه‌ها و کتابت در اوراق نسل در نسل به تواتر نقل شده و به دست ما رسیده است و این قراء دخل در آن ندارند. از همین جا است که اگر فرض کنیم قراء سبعة یا عشرة وجود نمی‌داشتند، باز تواتر اصل قرآن ثابت است و عظمت قرآن بالاتر از آن است که متوقف بر نقل چند نفر باشد. (خویی، ۱۴۳۰: ۱۵۷)

۳. بر اساس فرمایش امام صادق (ع)، قرآن یکی بیش نیست و اختلاف بر قرائت آن از جانب روات (قاریان) صورت گرفته (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۶۳۱) که پایه‌های عوامل اختلاف آنان را می‌توان در سه چیز خلاصه کرد:

الف. اختلاف مصاحف اولیه، چه پیش از اقدام به یکسان کردن مصاحف در زمان عثمان و چه پس از آن.

ب. نارسایی خط و نوشته‌های قرآن که از هرگونه علانم و مشخصه و حتی از نقطه عاری بوده است.

ج. ابتدایی بودن خط نزد عرب آن روز. (معرفت، ۱۳۸۸: ۱۶۶)

۱. بررسی شرح حال راویان قرائات موجب قطع می‌شود به این‌که قرائات به صورت خبر واحد برای ما نقل شده است. علاوه بر این‌که وثاقت بعضی از آنان به اثبات نرسیده است.

۲. دقت در طریقی که قراء قرائتشان را از آنان اخذ کرده، روشن می‌سازد که قرائات برای خود آن‌ها نیز به صورت خبر واحد نقل گردیده نه خبر متواتر.

۳. بر فرض اگر تواتر را در سلسله روات از قاریان بپذیریم، وقتی به خود قاریان می‌رسیم تواتر قطع می‌شود؛ زیرا هر قاری فقط قرائت خودش را نقل می‌کند.

۴. استدلال هر قاری و پیروانش بر صحت قرائت خود و اعراضش از دیگر قرائات، خود



گواه روشنی است بر اجتهادی بودن قرائت و اگر متواتر از پیامبر^(ص) می‌بود، نیاز به احتجاج و اعراض از دیگران نداشت.

۵. انکار پاره از قرائت‌ها توسط بعضی از علما و محققین، خود دلیل روشنی است بر عدم تواتر قرائات؛ مثلاً طبری قرائت ابن عامر را و احمد بن حنبل، قرائت حمزه را انکار نموده و برخی بر قرائت ابن کثیر خرده گرفته و... و اکثر علما هر قرائتی را که نتوان آن را در لغت عرب ریشه‌یابی کرد، انکار کرده‌اند. (خویی، ۱۴۳۰: ۱۴۹)

نتیجه‌گیری

از ادله که برای اثبات تواتر متن و ماده قرآن ارائه شد، به‌خوبی این نتیجه به دست می‌آید که الفاظ و واژگان قرآن وحی الهی است که از دو طریق کتابت در اوراق و مصحف‌ها و حفظ در سینه‌ها در طول دوران متمادی و نسل به نسل به‌صورت فوق تواتر نقل شد تا به دست ما رسیده است؛ اما قرائات متعددی که از یک واژه صورت گرفته، و حیانی نیست، بلکه به تدریج و به‌مرور زمان توسط قراء به وجود آمده و این مسئله هیچ ملازمه با متواتر بودن اصل الفاظ و کلمات قرآن ندارد، بلکه این دو مسئله جدا از هم است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، (۱۳۷۶)، *معالم الاصول*، قم: نشر قدس.
۲. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ایروانی، باقر، (۲۰۰۷)، *الحلقه الثالثه فی اسلوبه الثانی*، تهران: نشر قلم.
۴. بروجردی، سید علی، (۱۴۱۰)، *طرائف المقال*، (تحقیق: سید مهدی رجائی)، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامة.
۵. بلاغی نجفی، محمدجواد، (۱۴۲۰)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
۶. جرجانی، علی بن محمد بن علی، (۱۴۲۸)، *کتاب التعریفات*، تحقیق عادل انور خضر، بیروت: دارالمعرفه.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، *نزاهت قرآن از تحریف*، «تحقیق: علی نصیری»، قم: نشر اسراء.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۴)، *تواتر القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. حریری، محمد یوسف، (۱۳۸۴)، *فرهنگ اصطلاحات قرآنی*، قم: هجرت.
۱۰. خراط، احمد بن محمد، (۱۴۲۶)، *الإعجاز البیانی فی ضوء القرائات القرآنیة المتواترة*، ریاض: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷)، *مصباح الأصول*، قم: کتابفروشی داوری.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۰)، *البيان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم.
۱۴. زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۹۹۶)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، بیروت: دار الفكر.



۱۵. زرکشی، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۱۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۰)، دروس موجزه فی علمی الرجال و الدرايه، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلاميه.
۱۷. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۸. شهید صدر، محمد باقر، (۱۴۲۸)، دروس فی علم الاصول (الحلقه الثالثه)، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۴)، الاعتقادات فی دین الامامیه، (تحقیق: عصام عبد السید)، بیروت: دارالمفید للطباعه و النشر والتوزیع.
۲۰. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، مختصر التذکره بأصول الفقه، (تلخیص: ابو الفتح محمد بن علی کراچکی)، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۲۱. صبحی صالح؛ محمد مجتهد شبستری، (۱۳۷۴)، پژوهش‌های دربارہ قرآن و وحی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. صدر، سید حسن، (۱۳۵۱)، نهاية الدرايه، (تحقیق: ماجد الغرباوی)، قم: نشر المشعر.
۲۳. طاهری، حبیب الله، (۱۳۷۷)، درس‌های از علوم قرآنی، قم: اسوه.
۲۴. طباطبائی، سید محمد مجاهد، (۱۲۷۰)، مفاتیح الأصول، قم: مؤسسه آل البيت^(ع).
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۶. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۷. طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۴)، مبادئ الوصول، قم: چاپخانه علمیه.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۵)، نهاية الوصول الى علم الأصول، قم: مؤسسة الامام الصادق^(ع).
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.



۳۱. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.

۳۲. کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۸۷) منهج الصادقین فی الزام المخالفین، (تصحیح ابوالحسن شعرانی)، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة والنشر.

۳۶. مظفر، محمد رضا، (۱۳۸۸)، المنطق، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۳۷. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹) تفسیر و مفسران، (تحقیق: خیاط و نصیری)، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

۳۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، تهران: نشر سمت.

۳۹. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۸)، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

۴۰. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۵)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

۴۱. موسی، حسین یوسف، (۱۴۱۰)، الإفصاح فی فقه اللغة، قاهره: مکتب الاعلام الاسلامی.

آسیب‌های آخرالزمان از منظر آیات و روایات

صدیقه مرادی^۱ | سید عزت‌الله احمدی^۲

چکیده

آخرالزمان واپسین دوران از دنیا است که به قیامت می‌پیوندد و از زمان ظهور آخرین پیامبر شروع شده و با ظهور آخرین امام منتظر و موعود به پایان می‌رسد. این دوره به دو مقطع زمانی عصر غیبت و عصر ظهور، تقسیم می‌شود. برای این دوره در آیات و روایات خصوصیات و علائمی بیان شده است. دوره آخرالزمان، زمان امتحان تمام انسان‌ها است. هدف این مقاله بررسی «آسیب‌های آخرالزمان از منظر آیات و روایات» است که داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و سپس با روش تحلیل توصیفی تدوین شده است. کلیت این مقاله جوابی برای سؤال از پیوستگی آسیب‌های آخرالزمان و چگونگی مواجهه با آن‌ها از منظر آیات و روایات است. آسیب‌ها و فتنه‌های آخرالزمان، حوادث مرکب از حق و باطل است که جامعه را به‌سوی اضطراب سوق می‌دهد و فساد و تباهی را در عرصه زندگی اجتماعی انسان‌ها پدید می‌آورد. در چنین شرایط، شناخت حق و باطل برای عامه مردم دشوار است. آسیب‌های آخرالزمان در ابعاد اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی با آیات قرآن کریم و روایات به اثبات رسیده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که آخرالزمان، دارای آسیب‌های فراوان در حوزه‌های اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی است که جوامع انسانی را تهدید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آخرالزمان، آسیب‌های آخرالزمان، امام مهدی، آیات و روایات

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآنی، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان
۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

مقدمه

آخِر الزمان واپسین دوران از دنیا است که به قیامت می‌پیوندد، در این مدخل دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی مربوط به آن دوره و در بخش «اشراف الساعه» تغییراتی تکوینی رخ می‌دهد دورانی که امام عصر (عج) در غایب است. از منظر روایات، شناخت آسیب‌های این دوران اکیداً لازم است و نقش تعیین‌کننده بر آینده هر انسانی دارد. آسیب‌شناسی آخِر الزمان، یعنی آفت‌هایی که ممکن است گروهی از مردم و ارزش‌ها یا مقدسات در دوره آخِر الزمان گرفتار آن شوند، به صورت فشرده اشاره کرد که در دوره آخِر الزمان آسیب‌ها و آفت‌ها در خانواده‌ها و در ارتباط بین افراد و اعضای خانواده ممکن است وجود داشته باشد. اگر همه مؤمنین این سستی‌ها و آسیب‌ها را از دیدگاه معصومین (ع) به دقت مورد مطالعه قرار ندهند، در کم‌ترین وقت این تهدید دامن‌گیر جامعه خواهد بود که بایست از نظر اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی به این آسیب‌ها مواظبت‌های جدی نسبت به خودش در پیرامون اوضاع و احوال جامعه و مردم توجه داشت. دوره آخِر الزمان در ابعاد مختلف پر از فتنه، تضاد و تناقض و تاریکی و آسیب‌های بی‌شماری است. خداوند هم از زمان ظهور حضرت آدم تا ختم دوران غیبت حضرت مهدی موعود (عج)، بندگان خود را به اشکال مختلف امتحان کرده است. شاید آسیب‌های و بلاهای آخِر الزمان هم به نحوی، وسایل آزمایش خداوند باشد که در این صورت شناخت این آسیب‌ها، برای سربلند برآمدن از امتحان، بسیار ضروری است.

۱. مفاهیم

۱-۱. مفهوم آخِر الزمان

آخِر الزمان از دو واژه «آخِر» و «زمان» ترکیب یافته است. کلمه «آخِر» دو گونه تلفظ دارد؛ آخر به فتح «خ» به معنای غیر است و به کسر «خ» به معنای پسین، نقیض مقدم و پیشین است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۱۲) به جهان پس از مرگ، از آن جهت «آخرت» گفته می‌شود که حیات ثانوی واپسین بوده و در مرحله پس از حیات



نخستین قرار دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹) «زمان» در لغت به معنای وقت است. درازمدت باشد یا کوتاه‌مدت. جمع آن «أزْمُن» و آزمان و «أزْمَنَة» است. به معنای روزگار عصر، دهر، برهه نیز به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳: ۱۹۹) اما آخرالزمان به معنای بخش پایانی زندگی دنیا است؛ (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶) اصطلاحی برگرفته از احادیث و روایاتی است که در کلمات معصومین (ع) به کار رفته است. مراد از آخرالزمان و حوادث آخرالزمانی، در کاربرد روایات، دوره پایانی روزگار دنیا و رویدادهایی است که در این بخش از تاریخ حیات بشر به وقوع می‌پیوندد.

۱-۲. مفهوم آسیب

آسیب در لغت به معنای زخم، ضرب، صدمه، عیب و نقص، تعب، رنج و... آمده است؛ اما در اصطلاح به معنای عام، عبارت است از: «درد‌ها، کاستی‌ها، مصیبت‌ها و آفت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که محیط زندگی انسان‌ها را فراگرفته باشد که آگاهی از موارد، آسیب‌شناسی گفته می‌شود». (سایت حوزه نت، ۱۳۷۸، شماره ۷۱)

آسیب و انحراف یا کج روی مفهوم مشابه و معادل هم‌اند. مفهوم مشترکی که در این دو واژه می‌توان یافت عبارت است از: عدم التزام به آنچه باید باشد؛ بنابراین، عدم التزام عملی به هنجارهای مورد قبول جامعه، آسیب شناخته می‌شود. همین بیان خود دربرگیرنده دو قلمرو است. هنجارهای مورد قبول جامعه خود شکل مطلوب و «باید» به خود می‌گیرد و آسیب‌شناسی آخرالزمان، یعنی آفت‌هایی که ممکن است گروهی از مردم و ارزش‌ها یا مقدسات در دوره آخرالزمان گرفتار آن شوند. در آموزه‌های روایی، اصطلاح «آخرالزمان» در دو معنای کلی به کار رفته است:

۱- برخی روایات ناظر به دوره واپسین زندگی دنیا است که با ولادت حضرت پیامبر خاتم آغاز و تا زمان برپایی قیامت پایان می‌یابد. از این رو حضرت پیامبر اسلام را، پیامبر آخرالزمان نامیده‌اند.

۲- برخی دیگر از روایات ناظر به دوران پس از پیامبر خدا است این دسته روایات غالباً به مدت زمان طولانی دوره حیات آخرین جانشین پیامبر (ص) حضرت مهدی

موعود (عج) است که تا پایان عمر دنیا به طول می‌انجامد. این دوره به لحاظ شرایط خاص زندگی آخرین امام، به دو مقطع عصر غیبت و عصر ظهور، تقسیم می‌شود و در روایات به هر کدام از مقاطع غیبت (دهخدا، ۱۳۷۳، ۲: ۲۷۳۷) تا ظهور حضرت مهدی «آخرالزمان» اطلاق شده است چنان‌که رسول خدا (ص) در توصیف حضرت مهدی (عج) فرمودند: او همان قیام‌کننده‌ای است که در آخرالزمان ظهور می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۲، ۳۶: ۳۲۵).

واژه آخرالزمان در قرآن بکار نرفته؛ اما مطالب گوناگونی درباره این موضوع از آیات قابل استفاده است. قرآن مجید در آیات فراوان به دوران آخرالزمان اشاره کرده: «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ؛ گروهی از آنان از امت‌های نخستینند و گروهی از اقوام آخرینند». (واقعه: ۱۳-۱۴) این دو گروه هر دو از امت اسلام است؛ گروهی از اولین آن‌ها و گروهی از آخرین آن‌ها. ختم نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر اسلام (ص) پدیدار شد، نخستین نشانه آخرالزمان به شمار می‌رود. قرآن به‌طور کلی جهانیان را به دو بخش پیشینیان (الاولین، المستقدمین) و پسینیان (الآخرین، المستأخِرین) تقسیم کرده است: «وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ». بنابراین هم خود آن‌ها و هم اعمالشان در برابر علم ما روشن و آشکارند و از این نظر، معاد و رستخیز و محاسبه اعمال همه آن‌ها کاملاً در برابر ما سهل است. با توجه به این معنای جامع، تمام احتمالاتی را که در تقدم و تأخر در آیه بالا داده‌اند، می‌توان جمع کرد و پذیرفت. (طبرسی، بی‌تا، ۶: ۳۳۴)

بنابراین، اصطلاح (آخرالزمان) بر معنای عام آن، شامل دوره ظهور اسلام تا پایان جهان است و مفهوم خاص آن، ناظر به دوره امامت امام عصر (عج) و ویژه زمان غیبت و محجوریت دین است.

۲. آسیب‌های اعتقادی آخرالزمان

فته و آسیب‌های آن اثرات مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، کم‌رنگ شدن باورها و اعتقاد به خدا و ولی خدا است. تغییر و دگرگونی عمیق در بالاترین سطح نظام



فرهنگی موجب کج روی در تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها می‌گردد. پس از آن که اصل معتقدات و باورها دچار دگرگونی شدید شد، وحدت و انسجام درونی و شخصیت جامعه در سطح عقاید و باورها جای خود را به تشتت باورها و ایده‌ها می‌دهد. همین تفرقه در سطح ایده‌ها و آرا در لایه‌های زیرین اثر کرده و ضمن مشروعیت بخشیدن به کج روی‌ها، موجب نابسامانی اجتماعی می‌شود. ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به هم می‌آمیزد و هنجارها رنگ می‌بازد، نمادها و سازمان‌های بهنجار تضعیف شده و در نتیجه کارکردهای مثبت خود را از دست می‌دهند. لذا برخی از آسیب‌های اعتقادی آخرالزمان در ادامه ذکر می‌شود:

۱-۲. کمرنگ شدن اعتقاد مردم

اعتقاد جزو اساسی هر دین و مذهب است؛ اما در آخرالزمان تنها چیزی که رواج می‌یابد، بی‌دینی و سست شدن اعتقاد و باور به خدا و دین است. در این زمان، دوری از امام حی و غیبت ایشان سبب می‌شود که همه چیز در عالم از قالب اصلی خود خارج شود. از همین رو است که نشانه‌های آخرالزمان، مانند دانه‌های تسبیح، یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند تا درنهایت به ظهور حضرت حجت (عج) بیانجامد. حضرت پیامبر (ص) فرمود: «نشانه‌های ظهور چون دانه‌های تسبیح یا گردنبندی است که رشته اتصالش بگسلد و دانه‌های آن یکی به دنبال دیگری فروریزد». (سید بن طاووس، بی تا: ۱۰۲)

۲-۲. دین‌داری غیر عالمانه

یکی دیگر از آسیب‌ها آخرالزمان ضعف در دین‌شناسی و دین‌داری است. به هر تعداد کسانی که معلوماتی کافی از حقایق دینی نداشته باشد، به همان اندازه باید منتظر وقوع فتنه‌ها و دچار آسیب‌های فروان باشد. امام علی (ع) در سخنی حکیمانه ارتباط میان فتنه‌انگیزی و ضعف در دین‌شناسی و دین‌داری را به این صورت بیان می‌کند: «مردم را روزگاری رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آباد است و از رستگاری ویران. ساکنان

و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین هستند، فتنه از آنان خیزد و خطا با آنان در آویزد. آن‌که از فتنه به کنار ماند، بدان بازش گردانند و آن‌که از آن پس افتد به سویش برانند». (نهج البلاغه، ح ۳۶۹-۴۲۶)

۳-۲. فتنه‌ها در امور فکری و عقیدتی

برخی فتنه‌های و امتحان‌ها در جریان امور فکری و عقیدتی است. وسواس‌ها و القائنات شیاطین، وسیله آزمایش است. «لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً؛ تا آنچه را شیطان القا می‌کند، ابزار آزمونی قرار دهد». (حج: ۵۳) قرآن به این بُعد توجه ویژه کرده است. بنابراین همه شبهات و تشکیک‌هایی که برای تضعیف عقاید دینی القا می‌شود و مطالبی که به‌طور دائم از رسانه‌های خارجی و سایت‌های اینترنتی منتشر می‌گردد، در این بخش قرار می‌گیرد؛ زیرا همه این‌ها فتنه‌های دینی، فکری و اعتقادی است. ظاهراً مقصود از «فتنه» در آیه «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»، (بقره: ۱۹۱) همین امور است. در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً؛ با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای نماند». (بقره: ۱۹۳)

طبق روایات قبل از ظهور منجی عالم بشریت، دورانی به نام دوران حیرت برای انسان‌ها به وجود می‌آید. در این زمان انسان‌ها در شناخت حق و باطل دچار سردرگمی می‌شوند و گمراهان از دیگران جدا خواهند شد. شیطان نیز باگذشت زمان و با تمام قوا و با پیشرفت انسان، رشد و پیشرفت چشمگیری دارد و هر زمان با ابزار جدیدتری به سراغ انسان می‌آید.

۳. آسیب‌های اجتماعی آخرالزمان

برخی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی، ایجاد بعضی از آسیب‌ها در جامعه کنونی شده است که در آیات و کلام معصومین (ع) به شرح ذیل آمده است:

۱- ۳. معاشرت‌های ناسالم

از زمینه‌های اجتماعی فتنه و فساد در آخرالزمان که به آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد، رفاقت‌ها، معاشرت‌ها و دوستی‌های ناسالم و فساد برانگیز است. دوستی‌هایی که نه



بر اساس ایمان و عقل و علم، بلکه بر پایه هوس‌های زودگذر و درک‌های ناقص شکل می‌یابند. با توجه به خوی و خصلت لغزان و تغییرپذیر آدمی، هر کدام از این فاکتورها آدمی را به مسیر فساد و انحراف می‌کشاند. حضرت علی (ع) از نشست و برخاست‌های بی‌جا و گردآمدن‌های بی‌هدف نهی می‌کند و می‌فرماید: «بپرهیز از نشستن سر گذر بازارها؛ زیرا آنجا، جایگاه شیطان و پیش آمد فتنه و تباه‌کاری است». (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹) یا امام سجاد (ع) می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَصُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ الظَّالِمِينَ وَ مُجَاوِرَةَ الْفَاسِقِينَ اخْذَرُوا فِتْنَتَهُمْ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ سَاحَتِهِمْ؛ از هم‌نشینی گناهکاران و یاری ستمگران و همسایگی با بدکاران بپرهیزید. از فتنه آنان بر حذر باشید و از اطراف آنان دور شوید». (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۱۶)

۲-۳. نادانی و بی‌تفاوتی مردم

نادانی و بی‌اطلاعی مردم در برابر مسائل بزرگ جامعه، از جمله مسائلی است که فتنه‌گران را در کارشان موفق‌تر خواهد کرد. اگر مردم از مسائل بزرگ جامعه، آرمان‌های والای خود و مسائل و مشکلاتی که سر راه رسیدن به آن‌ها مواجهند، غافل باشند، ممکن است به سهولت آلت دسته فتنه‌انگیزان شوند. فتنه‌گران می‌کوشند تا توجه و دغدغه مردم را از مسائل کلی و کلان جامعه به مسائل خرد و جزئی منحرف کنند. آنان می‌کوشند نقاط ضعف حکومت و جوامع اسلامی را برجسته و امید به زندگی و بهبودی را کمرنگ نمایند و در این راستا نادانی مردم و بی‌تفاوتی آنان بسیار برای فتنه‌گران کارساز است. شکایت امام علی (ع) از جهل مردم زمانش، بیشتر از شکایت آن حضرت از دشمنانش بود. جهل در برابر مسائل اجتماعی و دینی، جهل سیاست و قدرت، جهل در برابر آرمان‌ها و اهداف حکومت اسلامی و جهل در برابر معارف حقیقی و راستین قرآن.

۴. آسیب‌های خانوادگی در آخرالزمان

خانواده در فرهنگ اسلامی، بخش مهمی از اجتماع را تشکیل می‌دهد و از مهم‌ترین پایگاه تربیت نسل و از مهم‌ترین نهادهای انسان‌سازی به شمار می‌رود. نیازهای

روحی، معنوی و غریزی انسان در خانواده تأمین می‌شود و سعادت و شقاوت بسیاری از انسان‌ها، وابسته به آن است. به‌صراحت می‌توان گفت تمدن‌های اصیل، بخش مهمی از اصالت خود را مدیون سلامت و پایداری نظام خانواده بوده و هستند. در عصر کنونی و به‌خصوص در فرهنگ غرب، نظام خانواده از حالت پراکنده و سنتی، به یک نظام واحد مرکزی تبدیل شده و نقش پدران و مادران در اداره زندگی و تربیت فرزندان به شدت کمرنگ شده و به جای آن انواع نهادهای اجتماعی، آموزشی و رسانه‌ها به تربیت نسل‌ها و هدایت افکار مشغول شده‌اند. (حیدری کاشانی و آقا تهرانی، ۱۳۹۳: ۳۹ - ۴۵) برخی از آسیب‌های خانوادگی در آخرالزمان را در ادامه بررسی می‌کنیم:

۱- ۴. تزلزل بنیاد خانواده و تزلزل جایگاه والی دن در آخرالزمان

از منظر احادیث اسلامی، در آخرالزمان بنیاد خانواده‌ها به شدت سست و آسیب‌پذیر خواهد شد. حرمت پدران و مادران حفظ نمی‌شود، گسست شدید عاطفی بین اعضای خانواده به وجود می‌آید. در این خصوص امام صادق (ع) فرموده‌اند: «در آخرالزمان فتنه‌ها، همچون پاره‌های شب تاریک شمارا فرامی‌گیرد و هیچ خانه‌ای از مسلمین در شرق و غرب عالم نمی‌ماند، مگر اینکه فتنه‌ها بر آن داخل می‌شود». (سید بن طاووس، بی‌تا: ۳۸) روایت شده که «در آخرالزمان، خواهی دید که پدران و مادران از فرزندان خود به شدت ناراضی‌اند و عاق والدین شدن رواج یافته است». (کوشاری، ۱۳۸۸، ۱ و ۲: ۸۸)

در دوره آخرالزمان احترام به پدر و مادر کم و از جایگاه آنان نزد فرزندان بسیار تزلزل پیدا می‌کند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «وَرَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرُوا وَاسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَكَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَلَدِ وَ يَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا؟ وَ مِ بَيْنِي كِه عَاقُ الْوَالِدَيْنِ بُوْدُن رَوَاجِ مِ يَابَد وَ پَدَر وَ مَادَر سَبَك شَمِرْدِه مِ شُونَد. اَنَآن دَر نَظَر فرزند خود بدترین مردم محسوب می‌شوند و فرزند خوشحال می‌شود از اینکه به والدین توهین کند و افترا ببندد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۴۱) هم‌چنین ابن عباس از آن حضرت نقل کرده است که در بخشی از یک روایت بلند فرمود: «وَيَجْفُو الرَّجُلُ



وَالِدَيْهِ وَيَبْرُ صَدِيقَهُ؛ در آخرالزمان انسان‌ها به پدر و مادر خود جفا می‌کنند در حالی که احسان و نیکی‌شان به دوستشان می‌رسد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۳۴۸)

۲-۴ مانع‌تراشی در تربیت دینی فرزندان

از دیگر آسیب‌های خانواده در آخرالزمان، کم‌توجهی والدین به تربیت دینی فرزندان و مانع‌تراشی برای آموزش علم دینی و گرایش‌های الهی آنان است. از پیامبر اکرم (ص)، نقل شده است که آن حضرت به تعدادی از کودکان نظر انداخته فرمود: «فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ» وای بر فرزندان آخرالزمان از روش پدرانشان! عرض شد: یا رسول‌الله! از پدران مشرک آن‌ها؟ فرمود: نه از پدران مسلمانشان که چیزی از فرایض دینی را به آن‌ها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان خود از پی فراگیری بروند منعشان می‌کنند و تنها از این خشنودند که آن‌ها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند». (شعیری، بی‌تا: ۱۰۶)

۳-۴ بی‌غیرتی خانوادگی

غیرت در لغت به معنای کراهت انسان از تصرف بیگانه در حقوق او و در اصطلاح به معنای تلاش فرد برای مراقبت از ناموس، آبرو، مال و حق خودش است. بی‌غیرتی هم به معنای کوتاهی در نگهبانی از آن ارزش‌هایی است که مراقبت از آن‌ها واجب است. شهید مطهری می‌نویسد: «غیرت نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مخلوط نشدن نسل‌ها در وجود انسان نهاده است». (مطهری، ۱۳۹۸: ۶۱)

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در اوصاف آخرالزمان فرموده است: «مرد از همسرش انحرافات جنسی را می‌بیند و اعتراضی نمی‌کند، از آنچه از طریق خودفروشی به دست آورده می‌گیرد و می‌خورد، اگر انحراف سراسر عالم را فراگیرد، اعتراض نمی‌کند، به آنچه انجام می‌شود و در حقش گفته می‌شود، گوش نمی‌دهد. پس اودیوی است



که بیگانگان را بر همسر خود وارد می‌کند». (حیدری کاشانی و آقا تهرانی، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۵)

آن‌طور که در روایات بیان شد، در دوران آخرالزمان و نزدیک به ظهور امام زمان (عج) بعضی مردم دچار نوعی بی‌میلی و بی‌حسی در دفاع از ارزش‌های اسلامی و انسانی می‌شوند و برای دفاع از خانه و خانواده خود واکنش مناسبی نشان نمی‌دهند. این نوع بی‌تفاوتی و بی‌حسی باعث می‌شود که ناموس و آبرو و شرافت آن‌ها در معرض دید و استفاده نامحرمان و تهاجم بیگانگان قرار بگیرد. لذا به این صورت، نظام و مبانی و حقوق خانوادگی آن‌ها دچار آسیب می‌شود.

۵. آسیب‌های فرهنگی

۱- ۵. افزایش مُدگرایی و تشبّه به کفار

از آسیب‌های فرهنگی آخرالزمان و کارهای دشمنان، رواج مدهای مختلف است. دین مردم در آخرالزمان آهسته‌آهسته کمرنگ می‌شود و جای آن را چیزهای دیگر مثل مدل و فرهنگ بیگانه می‌گیرد و فضایی را به وجود می‌آورد که رنگ و بوی مسلمانی ندارد و تنها چیزی که واضح و مشخص است رواج فساد و فحشا است که در همه جا حاکم می‌شود.

برخی از گروه‌های منحرف اعتقادی با استفاده ابزاری از پوشش، آرایش و موسیقی، تفکرات انحرافی خود را منتشر و تبلیغ می‌کنند. اگر افراد جامعه به‌ویژه جوانان و نوجوانان نسبت به این موضوع آگاهی لازم را نداشته باشند، به راحتی با پیروی از نوع پوشش و آرایش این گروه‌ها، جذب آن‌ها شده و به مرور زمان از تفکرات و باورهای آن‌ها نیز پیروی خواهند کرد. یکی از بهترین مصادیق امروزی این نوع آسیب، گروه‌های شیطان‌پرستی است. بنا به اعتقاد این فرقه، شیطان به عنوان قدرت غالب در جهان است و اگر کسی بخواهد در جهان خوب زندگی کند، باید با شیطان باشد. (صبور اردوبادی، ۱۳۷۲، ۴: ۲۵)



۲-۵. افزایش استعمال مواد مخدر

یکی از فتنه‌های دشمن که امروزه رواج پیدا کرده، اعتیاد به انواع مواد مخدر است. تبلیغات و ترویج مواد مخدر از سوی مافیاهای آرامش‌ناشی از آن، باعث شیوع این بلای خانمان‌سوز در جوامع شده است. خداوند سیستم بدن انسان را طوری آفریده که هیچ نقصانی در آن نیست که انسان بخواهد توسط مواد مخدر آن را رفع نقص کند. مواد مخدر که سلامت و امنیت جامعه را به خطر انداخته و هر سال به تعدادی قربانیان زیادی را به آغوش مرگ می‌فرستد. (کوشاری، ۱۳۸۸، ۱ و ۲: ۸۸)

۳-۵. ساده شدن ارتباطات در آخرالزمان

ساده شدن ارتباطات در عصر کنونی، یکی از جوانب پیشرفت علم و صنعت است که از جهاتی بسیار ارزنده است؛ اما این پیشرفت، آسیب‌های جانبی خود را دارد. اینترنت و زیاد شدن شبکه‌های مجازی و فن‌آوری اطلاعات، هم باعث سهولت ارتباطات شده و هم موجب آسیب‌های فکری، فرهنگی، اخلاقی جسمانی و... مزایای رفاهی این پیشرفت سر جای خود؛ اما زمینه‌هایی را که برای فساد و هبوط اخلاقی فراهم کرده و آسیب‌هایی را متوجه خانواده‌های و جوامع کرده، هرگز قابل جبران نیست.

۶. آسیب‌های اخلاقی و معنوی در آخرالزمان

۱-۶. اسراف

افراط در استفاده از دارایی‌ها، یکی از ویژگی‌های مردم آخرالزمان است که به تجمل‌گرایی و تشریفات و مصرف‌های بی‌جا، منجر می‌شود. ساختن بناهای بلند و غیر لازم، زیاده‌روی در داشتن لوازم زندگی و غذاهای رنگارنگ، تفاخر در لباس و مسکن و... از مصادیق اسراف است. رسول خدا (ص) فرمود: «سَيَأْتِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيْبَ الطَّعَامِ وَالْوَأْنَهَا وَيُرْكَبُونَ الدَّوَابَّ وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهِمْ وَتَبْتَزُّنَ النَّسَاءَ وَزِينَتُهُنَّ مِثْلُ زِي الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ هُمْ مُنَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ زود باشد مردمی بیایند که غذاهای نیکو و رنگارنگ می‌خورند، بر چهارپایان سوار می‌شوند، خود را چنان زینت می‌کنند که گویی زنی خود را برای همسرش زینت کرده است،



مثل زنان زیور آرای می نمایند و همانند شاهان ستمگر جامه می پوشند. آنان منافقان این امت در آخرالزمان هستند». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۳۴۳) این نوع رفتار و کردار، جدا از جنبه‌های دیگر، یک نوع اسراف نیز محسوب می‌شود. در قرآن آیاتی راجع به اسراف است که نتیجه نهایی همه آن‌ها این بخش از آیه است که می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد». (اعراف: ۳۱) محرومیت از محبت خداوند، یکی از زیان‌های جبران‌ناپذیر اسراف‌کاری است.

۲- ۶. کم‌فروشی

کم‌فروشی، گران‌فروشی و غش در معامله از مسائلی است که در دین اسلام و سخنان معصومین (ع) بسیار مذمت شده است. مسئله‌ای که خداوند بزرگ آن را پیش‌بینی کرده با این نام «مطففین» به معنای کم‌فروشان فرستاده است. در آغاز این سوره، به کم‌فروشان، چنین اخطار می‌دهد: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ؛ وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را کامل می‌گیرند؛ اما وقتی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند». (مطففین: ۱-۳)

پیش‌بینی ائمه (ع) درباره آخرالزمان، مطابق با اوضاع این روزهای جهان به نظر می‌آید. امام صادق (ع) می‌فرماید: «پیش از ظهور حضرت قائم (عج) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه‌هایی است. آن‌ها همان گفته خداوند (بقره: ۱۵۵) است که فرمود: و شما (مؤمنان) را پیش از ظهور قائم (عج) به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی‌ها و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزماییم؛ پس صابران را مژده بده. آنگاه فرمودند: مراد از گرسنگی، گرانی قیمت‌ها است و منظور از کمی دارایی‌ها، کسادی تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از نقصان جان‌ها، مرگ‌های فراوان و پی‌درپی است و مراد از کمبود میوه‌ها، کمبود عایدات و محصولات کشاورزی است. پس صابران را در آن هنگام به تعجیل ظهور قائم (عج) بشارت باد». (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲: ۶۴۹-۶۵۰)

هم‌چنین آن حضرت در توصیف مردم آخرالزمان می‌فرماید: «...و دیدی اگر روزی



بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ نکرده باشد؛ مانند هرزگی یا کم‌فروشی یا انجام کار حرام یا می‌خوارگی، آن روز گرفته و غمناک است و خیال کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز تلف شده است». (کلینی، ۱۳۶۴، ۱: ۵۸-۵۹)

۳-۶. افزایش رشوه

حضرت پیامبر اکرم (ص) درباره رعایت نکردن اخلاق در مسائل اقتصادی می‌فرماید: «فَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرَّبَا وَيَتَعَامَلُونَ بِالْغِيَّةِ وَالرِّشَا وَيُوضَعُ الدِّينُ وَتُرْفَعُ الدُّنْيَا؛ در آن زمان ربا شایع می‌شود، کارها با رشوه انجام می‌گیرد، مقام و ارزش دین تنزل می‌کند و دنیا در نظر آن‌ها ارزش می‌یابد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۳۴۹) پیامبر اکرم (ص) به این مضمون، بدین حدیث نیز اشاره می‌کنند: «ما من قوم يظهر فيهم الربا إلا أخذوا بالسنة وما من قوم يظهر فيهم الرشأ إلا أخذوا بالرعب؛ هیچ قومی نیست که ربا در میان آن‌ها شایع شود، جز اینکه دچار غفلت و بی‌خبری می‌شوند و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آن‌ها رایج شود، جز اینکه دچار ترس و وحشت می‌شوند». (پاینده، ۱۳۸۳: ۷۱۱)

۴-۶. ثروت‌گرایی

از فتنه‌ها و آسیب‌های آخرالزمان شیوع شهوت و ثروت‌گرایی در میان مردم است. ثروت‌گرایی و رفاه‌زدگی نه‌فقط زمینه ایجاد فتنه در جامعه است، بلکه از مهم‌ترین عوامل فروپاشی و اضمحلال جوامع اسلامی است و آسیب‌های زیادی بر جامعه وارد می‌کند.

قرآن کریم سنت الهی درباره امت‌های پیشین را چنین بیان می‌کند: «و چه بسیار اهل شهرها را که بر اثر نعمت، مست و مغرور شده بودند، هلاک کردیم». (قصص: ۵۸) «ما امت‌های گذشته را با هدف هدایت به وسیله سختی‌ها آزمایش کردیم؛ اما آنان از آزمایش‌های دوران سخت ناموفق بیرون آمدن و مردود شدند، به همین خاطر دره‌ای نعمت خود را به روی آنان گشودیم و آنان را در دوران خوشی آزمایش کردیم که باز توجهی به خدا و هدف حقیقی نکردند و نتیجه آن شد که در حال نعمت و رفاه

کامل، جامعه آنان را مضمحل کردیم و از بین بردیم». (انعام: ۴۲-۴۴)

از دیگر آسیب‌های اجتماعی ثروت‌گرایی است که فقر، ویرانگر آبادی ایمان و ثروت، منهدم‌کننده عمارت تقوا است. لذا هر دو بستر مناسبی برای رشد فتنه‌ها و بهره‌گیری فتنه‌گران است. از این رو، قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به زدودن فقر در همه ابعادش، به ویژه فقر اقتصادی، بسیار اهمیت داده‌اند. یکی از زمینه‌های بی‌دینی و خدانشناسی را نداری اقتصادی دانسته و بسیاری را به رفع فقر و ایجاد عدالت توجه داده است؛ زیرا توانایی برآورده ساختن نیازهای اولیه زندگی، لازمه دارا بودن حیات انسانی است و تنها انسان دارای انسانیت می‌تواند به سوی خدا گام بردارد. حضرت امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنْ اسْتَغْنَى بَطِرَ وَفُتِنَ وَإِنْ افْتَقَرَ قَنَطَ وَوَهَنَ؛ با بی‌نیازی سست می‌شود و به مغاک فتنه فرو می‌غلطد و تنگ‌دستی او را به سستی و نومیدی می‌کشاند». (نهج البلاغه، ح ۱۵۰)

۶-۵. شهوت‌گرایی و لذت‌جویی

در اثر شهوت‌گرایی انسان‌های آخرالزمان، شرم و حیا، عفت و نجابت از میان می‌رود و روح آنان به لجن‌زاری از بی‌عفتی و هواپرستی تبدیل می‌گردد. در بخشی از روایت بلندی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود: «وَرَأَيْتَ النَّاسَ هَمُّهُمْ بُطُونُهُمْ وَفُرُوجُهُمْ لَا يَبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَمَا نَكَحُوا وَرَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْهِمْ وَرَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ؛ می‌بینی که هم و غم مردم در آخرالزمان به سیر کردن شکم و رسیدگی به شهوتشان خلاصه می‌شود. به آنچه می‌خورند و در روابط جنسی خود، هرگز اهمیت نمی‌دهند که حلال و مشروع است یا نه». (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۴۲)

اصبغ بن نباته نقل کرده که از حضرت امیرالمؤمنین (ع) شنیدم که فرمود: يَطْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَا نَالَ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِيلَاتٍ لِلْمَحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ؛ در آخرالزمان و درز نزدیک قیامت که بدترین زمان‌ها است، زنان، بی‌حجاب و برهنه و خودنما خواهند شد، در فتنه‌ها سهیم، به شهوت‌ها علاقه‌مند و با سرعت به لذت‌ها روی می‌آورند و حرام‌های الهی را حلال



می‌شمارند». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳: ۳۹۰)

با این اوصاف، آخرالزمان مملو از فساد و فحشا خواهد بود و زندگی برای مؤمنین سخت می‌شود. چنانکه در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانُ الصَّابِرِ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ؛ روزگاری بر مردم بیاید که هر کس خواهد دین خود نگهدارد، چنان باشد که آتش به دست گرفته باشد». (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۹۹)

طبق روایات اهل بیت (ع)، عصر غیبت آخرین امام، دوران سختی است. شناخت آن عصر، آسیب‌های آن در زندگی انسان‌های آن عصر نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

نتیجه‌گیری

آخرالزمان واپسین دوران از دنیا است که به قیامت می‌پیوندد. زندگی در این عصر از نظر دینی بسیار دشوار می‌شود؛ زیرا زمینه‌های انواع فساد هموار است زندگی انسان از این لحاظ بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود. آسیب‌شناسی آخرالزمان، یعنی شناخت و معرفی فتنه‌ها و آفت‌هایی که ممکن است گروهی از مردم و ارزش‌ها و مقدسات را به چالش بکشد. لذا شناخت این آسیب‌ها در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، فرهنگ و اخلاقی، برای پرهیز و در امان ماندن از آن‌ها یک ضرورت پژوهشی است که در این مقاله صورت گرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: نشر اسلامیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر نشر اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۴. پاینده، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلا.
۶. حیدری کاشانی، محمد باقر، مرتضی، آقا تهرانی، (۱۳۹۳)، خانواده و تربیت مهدوی، قم: کتاب یوسف، ۱۳۹۳.
۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات غریب القرآن، دمشق: داراشامیه.
۹. سایت حوزه نت، ۱۳۷۸.
۱۰. سلیمانی، خدامراد، (۱۳۸۸)، فرهنگ‌نامه مهدویت، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۱۱. سید بن طاووس، علی بن موسی، (بی‌تا)، الملاحم والفتن، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۲. شعیری، محمد بن محمد، (بی‌تا)، جامع الأخبار، نجف الاشرف: مطبعة حیدریه.
۱۳. صبور اردوبادی، احمد، (۱۳۷۲)، آیین بهزیستی اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. طبرسی، (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الا علمی للمطبوعات.
۱۵. کوشاری، رضا، (۱۳۸۸)، اوضاع در آخر الزمان ج ۱ و ۲، قم: تهذیب.



۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۴)، *الروضة من الكافي*، (ترجمه: هاشم رسولی محلاتی)، تهران: نشر علمیه اسلامیة.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الكافي*، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۲ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.

۱۹. یزدی حایری، علی، (۱۴۲۲ ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، بیروت: مؤسسة الأعلمی.

تأملی بر الگوی تعلیم و تربیت در قرآن (با تأکید بر داستان حضرت موسی و خضر)

مهدی طاهری^۱ | سید جاوید ایوبی^۲

چکیده

الگوی تعلیم و تربیت اشاره به نماد و سبک خاصی از انتقال دانش و پرورش استعدادها و فراگیران دارد که توسط مربی صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه تعلیم و تربیت یک فرایند ارادی، انتخابی و تأثیرگذاری مربی بر متربی است، الگوهای متعددی در این زمینه وجود دارد؛ اما الگویی که در قرآن کریم بر آن تأکید شده، به لحاظ ماهیت، شکل و روش‌های اجرایی با الگوهای دیگر تعلیم و تربیت متفاوت است. در قرآن نمونه‌های متعددی وجود دارد که می‌توان بر اساسان الگوی تعلیم و تربیت اسلامی استخراج نموده و به کار بست. در این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی، آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف را که حاوی داستان حضرت موسی و خضر است، به عنوان الگوی تربیتی قرآنی بررسی شده است. هدف این پژوهش بررسی عناصر و ویژگی‌های الگوی تعلیم و تربیت قرآن با تأکید بر داستان خضر و موسی و ارائه پاسخ به این مسئله است که در این داستان چه ویژگی‌های برای مربی، متربی و نظام تربیتی وجود دارد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که در این داستان مربی باید در دسترس متربی و هم‌سنخ او باشد، متربی باید آماده پذیرش سختی‌ها باشد و در فرایند تعلیم و تربیت احترام استاد را رعایت نماید و همواره تلاش کند همراه استاد و پیرو او باشد. محتوایی تربیتی مورد تأکید قرآن نیز باید دارای ویژگی‌های چون الهی بودن، رشد مدار بودن، چندمرحله‌ای بودن و تقدم تزکیه بر تعلیم باشد.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت، موسی، خضر، قرآن کریم، مربی، متربی

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران و مدرس مدرسه علمیه جعفریه، هرات، افغانستان.

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآنی و استاد مدرسه علمیه جعفریه هرات. ایمیل: javidayubi55@gmail.com

مقدمه

در اندیشه اسلامی، آموزش و تربیت اهمیت خاصی دارد. اولین دستور خداوند به پیامبر اسلام با بحث آموزش و تعلیم آغاز می‌شود که بیانگر این است که کتاب مقدس مسلمانان تعلیم و تربیت سالم را بالاترین ارزش انسانی می‌داند. در طول تاریخ زندگی بشر، مکاتب و جریان فکری متفاوتی ظهور نموده‌اند که هر کدام به فراخور ارزش‌ها و هنجارهای زمان خود، روش‌ها و الگوهای متفاوتی را در راستای تعلیم و تربیت ارائه کرده‌اند. (میرزایی، بهشتی و ایمان نائینی، ۱۳۹۸: ۲۶۰؛ اسمی، طهماسب زاده شیخ‌لار و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۸۳؛ صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷: ۲۴) تا جایی که برخی به این باورند: «امروزه در عرصه تعلیم و تربیت مکاتب، دیدگاه‌ها و نظریات فروانی عرضه شده است و هریک مبانی، اهداف و روش‌های خاص خود را دارد که گاهی اوقات در تعارض با مبانی، اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی است». (بناری، ۱۳۹۷: ۶) شاید به توان گفت بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رسالت پیامبران الهی نیز مسئله تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده است. از همین رو هر کدام از پیامبران و کتاب‌های آسمانی الگوها و روش‌های ویژه‌ای را در این زمینه ارائه کرده‌اند. قرآن به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی، همان‌گونه که سایر بخش‌های زندگی بشر را با جزئیات و به‌صورت کامل آن مورد توجه قرار داده و برای آن برنامه جامع ارائه نموده، در زمینه تعلیم و تربیت نیز بهترین الگوها را معرفی نموده است. در اندیشه اسلامی، الگوهای تربیتی نقش مهم در تکامل و شکوفایی فراگیران دارد. از همین رو در قرآن کریم، اهمیت خاصی برای الگوهای تربیتی داده شده است. (محسنی حکمت، ۱۳۹۲: ۳۱؛ بناری، ۱۳۹۸: ۴۲)

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که می‌توان بر اساس آن‌ها الگوی تعلیم و تربیت در قرآن را استخراج نمود. آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره مبارکه کهف که به داستان ملاقات حضرت موسی و خضر پرداخته، از جمله این آیات محسوب می‌شود. در این داستان حضرت موسی به‌عنوان یکی از پیامبران اولوالعزم الهی، نزد حضرت خضر می‌رود تا بخشی از دانش او را از طریق همراهی کردن او بیاموزد. در جریان این



داستان گفتگوها و اتفاقاتی رخ می‌دهد که جنبه آموزشی برای دیگران دارد. درواقع گفتگو و جریانی که بین حضرت موسی و خضر اتفاق افتاد، بیانگر جلوه‌ای از الگوی تربیتی و آموزشی قرآنی است که شامل سه رکن مربی، متربی و محتوای تربیتی - آموزشی می‌شود. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با توجه به ارکان سه‌گانه تعلیم و تربیت، به بررسی این مسئله بپردازد که بر اساس داستان حضرت خضر و موسی چه الگوی تربیتی را می‌توان از قرآن استخراج نمود؟ در این الگو ویژگی‌های مربی، متربی و نظام تربیتی چیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به الگوی تربیتی قرآن کریم در داستان حضرت موسی و خضر، الگوی تعلیم و تربیت اسلامی، دارای ویژگی‌های چون اصل اقدام مربی، همراهی کردن جسمانی و روحانی متربی، در دسترس بودن مربی، الهی بودن و رشد مدار بودن محتوای تربیتی می‌گردد. هدف پژوهش حاضر ارائه الگویی از نظام تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی و بیان ویژگی‌های مربی، متربی و نظام تربیتی در اندیشه اسلامی است. با توجه به اینکه نظام تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین ساختارهای جوامع مدرن محسوب می‌شود و قرار گرفتن این نظام در مسیر درست، نقش محوری در ایجاد جامعه ایدئال اسلامی دارد. لذا پرداختن به این مسئله نیز حائز اهمیت است؛ زیرا امروزه «تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است؛ به گونه‌ای که هرگونه اشتباه و انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می‌شود». (شکری نصرت‌آباد و خدیوی، ۱۳۹۸: ۲)

داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی بررسی شده است. در ابتدا مروری بر مفاهیم کلید صورت گرفته، سپس ویژگی‌های مربی، متربی، محتوای تربیتی بر اساس داستان حضرت موسی و خضر بیان گردیده است.

۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی گام اول برای بررسی هر موضوعی است. درواقع با مفهوم‌شناسی است که می‌توان تصویر درست از گزاره‌های موردنظر، اهداف و مسیر جستجو

ارائه نماییم. از همین رو قبل از اینکه به بررسی الگوی تعلیم و تربیت در قرآن کریم بپردازیم، لازم است برخی از گزاره‌های کلیدی را بررسی کنیم.

۱-۱. الگوی آموزشی- تربیتی

الگو در لغت به معنای سرمشق، نمونه، مثال، طرح، مدل، نظریه، انگاره، سبک و قالب آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۲، ۸: ۷۷) برخی معنای اصطلاحی الگو را شیوه‌هایی زندگی که از فرهنگ نشئت می‌گیرد و افراد در هنگام عمل، به‌طور طبیعی با آن سروکار دارند، ذکر کرده‌اند. برخی دیگر نیز به این باورند که الگو به مثابه پیش‌نویس یا نموداری است که راه معمولی یک عمل را رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می‌دهد. (هومن، ۱۳۸۶: ۶۵) برخی دیگر گفته‌اند که «الگو باز نمودی از واقعیت است که ساحت و انتظام ویژه‌ای دارد. الگو اغلب برای کمک در به تصویر کشیدن انتزاعیات و امور غیرقابل دید، مورد استفاده قرار می‌گیرند». (میرزایی، بهشتی و ایمان نائینی، ۱۳۹۸: ۲۶۲)

وقتی در بحث تعلیم و تربیت از الگوی تعلیم و تربیت صحبت می‌کنیم، معمولاً دو نگاه مصداقی و مفهومی برای آن قابل تصور است. (بناری، ۱۳۹۸: ۴۳) در نگاه مصداقی به مسئله الگو، می‌توان گفت: «الگو به شخصیتی گفته می‌شود که به سبب دارا بودن برخی خصوصیات شایسته، مورد تقلید و پیروی است». (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۲۶) در حالی که از بعد مفهومی الگو معنای متفاوتی دارد. بدین صورت که الگو از لحاظ مفهومی به طرح و مدلی اطلاق می‌شود که رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های افراد در قالب آن قابل تجزیه و تحلیل است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۴۰) به همین دلیل است که برخی از نویسندگان تصریح کرده‌اند: «الگو نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود». (مهدی زاده، ۱۳۸۲: ۸۵) بنابراین الگو، سبک و رفتاری است که هدف اساسی آن به کمال رساندن پیروی‌کنندگان است. در این پژوهش نیز منظور از الگو، سبک و روشی است که در چارچوب آن، متربی بتواند به رشد و کمال برسد.



۲-۱. تعلیم

تعلیم از ماده علم گرفته شده و در لغت به معنای علم یا هنری را به کسی یاد دادن و کسی را چیزی آموختن است. (عمید، ۱۳۸۷: ۳۵۱) راغب اصفهانی در بیان معنای تعلیم بدین باور است که تعلیم به معنای شناخت و آگاهی بخشیدن است و به موردی اختصاص دارد که همراه با تکرار و تکرر باشد، به گونه ای که یادگیرنده را تحت تأثیر قرار دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۱) باید توجه داشت که هرچند واژه تعلیم و اعلام هر دو از یک ماده و ریشه است؛ اما بین آن ها تفاوت وجود دارد. بدین معنی که «اعلام آگاهی بخشی سریع است؛ اما در تعلیم، تکرار و تمرین وجود دارد». (بناری، ۱۳۹۷: ۷) هدف اساسی تعلیم پرورش، شکوفاسازی و رشد بخشیدن نیروی فکری و بعد عقلانی انسان، از طریق فراهم سازی زمینه های آن است. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۷۹) یا آن گونه که برخی دیگر گفته اند: «تعلیم ایجاد خلاقیت و ابتکار در فکر و نیروی اندیشه انسان است». (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۲۵) علامه طباطبایی از مفسرین معاصر در خصوص مفهوم تعلیم چنین آورده است: «التعلیم انما هدایه المعلم الخبیر ذهن المتعلم و ارشاده الی یصعب علیه العلم به و الحصول علیه لا یمتنع فهمه من غیر تعلیم. فانما التعلیم تسهیل للطرق و تقریب المقصد، لا ایجاد للطریق و خلق المقصد». (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۸۵) نکته اساسی این تعاریف این است که تعلیم اختصاص به انسان دارد و شامل حیوانات نمی گردد؛ زیرا این انسان است که از نیروی عقل و تفکر برخوردار است.

بنابراین گزاره تعلیم یا آموزش دارای دو مفهوم عام و خاص است. در مفهوم عام منظور از تعلیم هر نوع انتقال معلومات، آگاهی دهی و تأثیرگذاری بر ذهن و روان متعلم است. تفاوتی نمی کند که این فرایند به صورت رسمی و بر اساس برنامه آموزشی خاصی باشد یا به صورت غیررسمی؛ اما آموزش به معنای خاص آن شامل فرایندی است که هدف آن آسان ساختن یادگیری از سوی معلم برای متعلم است که به صورت کنش متقابل انجام می شود. (بناری، ۱۳۹۰: ۳۹)

در داستان حضرت موسی و خضر نیز بحث تعلیم به معنای یک فرایند و کنش

متقابل به کاررفته است: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا؛ موسى به او گفت: «آیا (اجازه می‌دهی) از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (کهف: ۶۶) به کار رفتن واژه تعلیم با صیغه باب تفعیل نیز اشاره به یک نکته ظریف و مهمی دارد، اینکه آموزش و تعلیم فرایندی است دوطرفه که یک طرف آن مربی است و طرف دیگر آن متربی یا متعلم. بنابراین آموزش بدون وجود هم‌زمان و هماهنگ این دو رکن، معمولاً صورت نمی‌گیرد. لذا خودآموزی و یادگرفتن‌های بدون معلم و متربی را نمی‌توان تعلیم گفت.

۱-۳. تربیت

تربیت در لغت به معنای پرورتن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاددادن است. (عمید، ۱۳۸۷: ۳۳۵) برخی برای واژه تربیت کاربردهای متعددی نام برده‌اند از جمله «تربیت به معنای نهاد یا نظام تربیتی، حاصل عمل معینی، به فرایندی اطلاق می‌شود که به نحو پیش‌بینی شده یا نشده، دو یا چند فرد را به یکدیگر پیوند می‌دهد و محتوا یا برنامه آموزشی و تربیتی است که به فراگیران ارائه می‌شود». (بناری، ۱۳۹۰: ۴۰) با توجه به آیات قرآن کریم و به‌ویژه داستان حضرت موسی و خضر که در سوره مبارکه کهف بیان شده، مهم‌ترین عناصر تربیت عبارتند از: «تقدس و بزرگداشت تربیت و کار مربی؛ رشد و کمال تربیت شونده؛ رحمت و مهرورزی مربی نسبت به متربی و حق مربی بر تربیت شونده». (اسمی، طهماسب زاده، شیخ‌لار و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۸۷) از همین رو برخی در بیان مفهوم تربیت به این باورند که «تربیت یعنی برانگیختن، شکوفا کردن و رشد دادن استعدادها و انسان در جهت کمالی که شایسته اوست، از راه فراهم‌سازی تمام و یا بخش بزرگی از زمینه‌ها و عوامل لازم و مؤثر در کمال و شکوفایی استعدادها و انسانی و نیز، رفع موانع و اسباب بازدارندگی کمال و تعالی انسان از سوی مربی همراه با تلاش و دلسوزی تربیت‌کننده، به‌گونه‌ای که متربی به‌اندازه تربیت خود، وامدار و مدیون مربی باشد». (هاشمی، ۱۳۸۸: ۳)

نکات کلیدی این تعریف عبارتند از اینکه: تربیت فعالیت هدفمند و برنامه‌ریزی شده است. تربیت فعالیت و عمل است. تربیت فرایند دو طرفه است. تربیت دارای عناصر



اصلی مربی و متربی است. هدف تربیت پرور و شکوفایی همه ابعاد متربی است. خلاصه اینکه تربیت دانشی است که متربی را برای ایجاد یک زندگی سالم دنیوی و اخروی آماده می‌سازد و جنبه‌های مختلف وجود او را پرور می‌دهد. (فتحی ملکاوی، ۱۳۸۰: ۷۳) لذا یکی از تفاوت‌های اساسی که بین تعلیم و تربیت وجود دارد این است که تعلیم معمولاً جنبه رسمی دارد؛ اما تربیت فرایند غیررسمی و غیرعمدی است که مکان و زمان خاصی ندارد. چنانکه در داستان حضرت موسی و خضر نیز این نکته وجود دارد، تربیت منحصر به زمان و مکان خاصی نشده است، بلکه از لحظه‌ای که حضرت موسی همراه خضر حرکت کرد، تربیت آغاز شد و تمام اتفاقاتی که در مسیر راه رخ داد، جنبه تربیتی داشت.

۲. ویژگی‌های مربی

مربی یکی از سه رکن و عنصر اساسی فرایند تعلیم تربیت است. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، مربی نقش محوری در شکوفایی و رشد استعدادهای متربی دارد. در داستان حضرت موسی و خضر، مربی حضرت خضر است که خداوند او را انسان شایسته معرفی نموده است. از این داستان می‌توان چنین استنباط نمود که انسان نباید نزد هر مربی برود و از هر مربی الگو بگیرد، بلکه از نظر قرآن، مربی شایسته اطاعت، کسی است که دارای صفاتی ویژه‌ای باشد. از همین رو در این قسمت، به مهم‌ترین ویژگی‌های مربی اشاره می‌گردد.

۱-۲. سنخیت بین مربی و متربی

از آنجا که هدف برنامه تعلیم و تربیت، رشد و شکوفا ساختن استعدادهای متربی است، هرچه سنخیت و همنوایی بین مربی و متربی بیشتر باشد، امکان الگوگیری و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین آن‌ها بیشتر خواهد بود. (بناری، ۱۳۹۷: ۱۴) در داستان حضرت موسی و خضر نیز این مسئله وجود دارد که مربی و متربی هردو انسان‌های الهی هستند که در مرحله خاص از رشد و کمال رسیده‌اند. خضر کسی است که خداوند او را این‌گونه توصیف کرده است:

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا؛ و (در آنجا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. (کهف: ۶۵)

بنابراین موسی و خضر هر دو از حیث مقام و دانش در مرحله‌ای قرار داشتند که سنخیت بین آن‌ها وجود داشت. نکته اصلی این است که اگر این سنخیت بین مربی و مربی وجود نداشته باشد، ممکن است فرایند آموزش و تربیت به درستی پیش نرود؛ یعنی اگر مربی و مربی به لحاظ اعتقادی، اجتماعی، نگرش‌های خاص و مبانی فکری باهم همسانی و سنخیت نداشته باشد، فرایند الگوگیری و تأثیرگذاری مربی بر مربی کاهش پیدا می‌کند و چه بسا اصلاً یک فرایند معکوس شکل بگیرد.

۲-۲. صبر و بردباری

فرایند تعلیم و تربیت امر مستمر و دوام‌داری است. ضمن اینکه در تعلیم و تربیت، معمولاً مربیان و دانش‌آموزان از سطوح مختلفی تشکیل می‌شوند. این دو پارادایم، کار آموزش و پرورش را دشوار می‌سازد؛ زیرا مربی و معلم باید نیازهای علمی و عاطفی همه گروه‌ها را مدنظر قرار داده خودش را آن‌ها هماهنگ سازد. امری که در مقام عمل بی‌نهایت دشوار و سخت است. از همین رو یکی از ویژگی‌های اساسی که در داستان حضرت موسی و خضر برای مربی نمونه می‌توان سراغ گرفت، مسئله صبر و بردباری معلم و مربی در مقابل مربی و متعلم است. چنانکه در این داستان حضرت خضر سه بار خلف وعده حضرت موسی را نادیده گرفت و در نهایت نیز با صبر و حوصله‌مندی با استدلال و بیان متین، به اقناع حضرت موسی پرداخت.

۲-۳. رشد یافتگی مربی

یکی از ویژگی‌های مربی شایسته آن است که خودش به رشد و کمال رسیده باشد. معلم و مربی که بهره‌ای از علم و کمال نداشته باشد، نمی‌تواند الگوی مناسبی برای تربیت دیگران باشد. از واژه «مما علمت رشد» در آیه ۶۶ سوره مبارکه کهف، چنین استنباط می‌گردد که حضرت خضر، انسان تکامل یافته و به رشد رسیده‌ای بوده است.

۴-۲. در دسترس بودن مربی

مربی باید با مربی حشرونشر داشته باشد تا امکان اینکه مربی بتواند به صورت عینی و شهودی معلم و مربی خود را سرمشق قرار دهد، فراهم گردد؛ زیرا آنچه در تعلیم و تربیت اسلامی، از اهمیت بالای برخوردار است، آموزش‌های عملی و الگوگیری از رفتارهای مربی است. به بیان دیگر، تعلیم و تربیت باید حضوری باشد تا امکان اینکه مربی بتواند از مربی خود الگو بگیرد فراهم شود. امروزه الگوهای تعلیم و تربیت تجربی نیز ثابت کرده است که رفتار و عمل مربی بیشتر از گفتار او، در مربی تأثیر می‌گذارد. (بناری، ۱۳۹۷: ۱۴) نکته دیگر اینکه مربی نه تنها خودش باید الگوی مناسبی برای تربیت باشد، بلکه لازم است الگوهای مناسب را نیز به مربی نشان دهد. (صدر، ۱۳۸۸: ۱۴۳) در داستان حضرت موسی و خضر نیز یکی از مؤلفه‌های مربی نمونه این است که مربی با مربی همراه باشد:

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُسُدًا؛ موسی به او گفت: «آیا (اجازه می‌دهی) از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟ (کهف: ۶۶)

از این آیه فهمیده می‌شود که مربی باید به مربی دسترسی داشته باشد؛ زیرا کلمه تبعیت نشان‌دهنده همراهی و همراه بودن است. بنابراین یکی از تفاوت‌های اساسی که بین تعلیم و تربیت می‌توان ذکر کرد این است که تعلیم ممکن است از راه دور نیز صورت بگیرد؛ اما تربیت بدون همراهی و دسترسی به مربی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا تربیت از مقوله عمل است. تربیت فرایندی است که نتیجه آن در رفتار و عمل مربی نمایان می‌شود. بنابراین گزاره تربیت با تعلیم از این جهت تفاوت دارد که در تعلیم، ممکن است صرفاً جنبه نظری آن مورد توجه باشد، در حالی که در تربیت، آنچه اهمیت دارد، اصلاح رفتار و عمل مربی است. (اکبری، مهنی و مطهری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۵) از اینجا می‌توان به این مسئله نیز پی برد که تربیت یک تعامل دوطرفه بین مربی و مربی است؛ اما نقش مربی قوی‌تر از مربی است؛ زیرا این مربی است که می‌تواند رفتار و گفتار مربی را در وجود خود نهادینه نموده و آن را در عمل



پیاپیاده نماید. نقش استاد در این مورد صرفاً این است که مسیر تربی را برای نیل به ارزش‌های والای انسانی، تسهیل کند و او را در معرض انتخاب راه درست قرار دهد.

۳. ویژگی‌های تربی

تربی به عنوان دومین عنصر فرایند تعلیم و تربیت، در اندیشه اسلامی مطرح می‌شود. منظور از تربی کسی است که تحت آموزش و تربیت مربی قرار می‌گیرد تا به رشد و کمال برسد. از نظر قرآن کریم، مربی باید واجد ویژگی‌های باشد، برای موفقیت‌آمیز بودن فرایند تربیت، لازم است تربی نیز صفاتی داشته باشد که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود.

۱-۳. صبر در برابر مشکلات

بدون تردید آموزش علم و کسب فضائل اخلاقی مستلزم تحمل سختی‌ها است. تربی و متعلمی که اراده‌ای برای رشد و رسیدن به کمال دارد، باید سختی‌های دوری از خانواده، مشکلات مسیر راه و... را تحمل کند. در داستان حضرت موسی و خضر، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مربی شایسته، همین تحمل سختی‌ها است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳۳) آنجا که حضرت موسی با رفیق خود مسیر طولانی را طی می‌کند تا به حضرت خضر برسد و بعد در مسیر راه از دشواری و خستگی خود صحبت می‌کند:

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا؛ هنگامی که از آنجا گذشتند، (موسی) به یار هم‌سفرش گفت: غذایمان را بیاور که سخت از این سفر خسته شده‌ایم. (کهف: ۶۱)

در آیات بعد حتی خود حضرت خضر تأکید می‌کند که اگر می‌خواهی با من همراه باشی، باید صبر و تحمل زیادی داشته باشی. می‌بینیم که حضرت موسی نیز اظهار آمادگی می‌کند تا در برابر هر نوع مشکل صبر پیشه کند:

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا- وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا؛ خضر فرمود نمی‌توانی همراه من صبر کنی و چگونه ممکن است صبری کنی در حالی که بر حقایق عالم آگاهی نداری. (کهف: ۶۶ و ۶۷)



سختی و خستگی در راه علم جزء لازم کار محسوب می‌شود؛ اما حضرت خضر سختی کار را در این می‌داند که انسان در مورد چیزهای که نمی‌داند و علم کمی دارد، صبر و تحملش نیز کمتر است. وجدان ما نیز این مسئله را تأیید می‌کند انسان هرزمانی که از حقیقت یک مسئله بی‌خبر باشد، بیشتر ابراز ناراحتی می‌کند و تحمل خود را از دست می‌دهد؛ اما پاسخ حضرت موسی نیز جالب است که ایشان وعده صبر نمی‌دهد، بلکه تأکید می‌کند که اگر خدا بخواهد، انسان صبوری خواهم بود:

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا؛ (موسی) گفت: به خواست خدا مرا شکایا خواهی یافت و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو را نخواهم کرد. (کهف: ۶۸)

نکته تربیتی که در این آیه وجود دارد این است که انسان نباید به قدرت و نیروی خود مغرور شود، بلکه صبر و تحمل را باید از خدا بخواهد و در همه شرایط، خود را تسلیم اراده الهی بداند. بنابراین دانش آموز، مربی و طلبه علوم دینی نباید توقع داشته باشد، کسب دانش و علم به راحتی و آسانی امکان پذیر است، بلکه سنت الهی بر این است که انسان باید در راه علم و دانش، سختی‌ها و مشکلات را به جان بخرد.

۲-۳. تعظیم و احترام به استاد

یکی از مهم ترین ویژگی های که در داستان حضرت موسی و خضر می توان برای مربی یا متعلم ذکر کرد، حفظ احترام استاد است. درواقع تازمانی که مربی به استاد احترام و تعظیم نداشته باشد، امکان بهره گیری از دانش و فضائل او را نیز نخواهد داشت. حضرت موسی با این بیان که برایم چیزی را که خودت آموختی، بیاموز، می خواست کمال ادب و احترام را نسبت به استاد رعایت کرده باشد؛ زیرا با این شیوه گفتار نشان داد که اولاً خودش چیزی از علم استاد خود را ندارد. ثانیاً می داند که استادش انسان وارسته و دانشمندی است. در روایتی از قتاده آمده است که:

اگر کسی از لحاظ علمی به مرتبه بی نیازی می رسید، حتماً همراه و هم سخن خداوند، موسی به این مرتبه نائل می شد. لکن موسی با این پیشنهاد، خضر را مورد تعظیم قرار داد؛ زیرا راضی شد که از وی متابعت کند و از علوم او فراگیرد. (مهدویان، ۱۳۹۶: ۱۱۵)



نکته‌ای دیگری که از نحوه تعامل اولیه حضرت موسی با حضرت خضر می‌توان استنباط نمود، اینکه کسب علم باید توأم با کسب اجازه از استاد باشد و اینکه متعلم و مربی باید خود را تابع و پیروی استاد و مربی بداند. سؤالی که در خصوص پیروی از استاد و حفظ حرمت او ممکن است مطرح شود، این است که اگر متعلم و مربی تابع استاد باشد، پس حق آزادی و انتخاب او چه می‌شود. در این خصوص باید گفت، مطابق الگوی تعلیم و تربیت در نظام‌های لیبرال، آزادی متعلم مقدم بر هر چیزی است؛ اما در اندیشه اسلامی، آزادی و انتخاب متعلم زمانی می‌تواند ارزشمند باشد که او به حدی از تکامل و رشد رسیده باشد. بنابراین در مورد این مسئله باید بین متعلم خردسال و متعلم رشد یافته، تفاوت قائل شد.

۳-۳. همراهی کردن استاد در همه مراحل

یکی از مهم‌ترین نکاتی تربیتی و آموزشی که در داستان حضرت موسی و خضر وجود دارد، این است که حضرت موسی با وجود اینکه خود پیامبر خدا بود و از لحاظ علم و دانش در مرحله بالایی قرار داشت، باز هم احساس کرد که برای عملی ساختن و تطبیق داشته‌های خود نیاز به یک مربی دارد که عملاً راه را به او نشان دهد. از همین روزندگی خود را رها کرد و با تمام وجود خود را در خدمت استاد قرار داد. نکته جالب دیگر اینکه حضرت موسی تقاضای همراهی با استادش را به صورت امر بیان نکرد، بلکه به صورت استفهام آورد (هل اتبعک) تا نشان دهد که این همراهی توأم با اجازه و رضایت استاد است. ضمن اینکه این همراهی را صرفاً یک مصاحبت و در کنار هم بودن نخواند، بلکه مرز آن را نیز تعیین نمود و خود را تابع استاد قرار داد (ر.ک. آیات حیات ۵، ۱۳۹۶: ۸۴) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تربیت از امور عملی است و مربی زمانی به رشد و کمال می‌رسد که به لحاظ روحی و جسمانی استاد را همراهی کند.

۴. ویژگی‌های محتوای تربیتی

یکی از عناصر اصلی نظام تعلیم و تربیت، محتوای تربیتی است. «مربی اگر بخواهد



متریش را تحت تأثیر قرار دهد و او را تربیت کند، به در نظر گرفتن مجموعه‌ای از آموزه‌ها، صفات و رفتارهای مطلوب نیاز دارد که از آن به محتوا تعبیر می‌شود». (بناری، ۱۳۹۸: ۴۳) بنابراین منظور از محتوای تربیتی، مجموعه از آموزه‌ها و صفاتی است که مربی برای تأثیرگذاری بر متعلم و مربی مدنظر دارد.

۱-۴. الهی بودن محتوای برنامه تربیتی - آموزشی

محتوای برنامه تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر وحی است. بنابراین هرچه غیر از وحی باشد، نمی‌تواند به عنوان محتوای تعلیم و تربیت قرآنی تلقی شود. در اکثر آیات مربوط به تعلیم و تربیت بر الهی بودن برنامه تعلیم و تربیت تأکید شده است. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه با توجه به داستان حضرت موسی و خضر، یکی از مهم ترین ویژگی های محتوای تربیتی مسئله توحید الهی است. (احمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۳) «در تربیت اسلامی، هدف اساسی و غایی تربیت، الهی شدن آدمی است. برای رسیدن به این هدف، استعداد های عالی انسان که در خلقت او قرار داده شده است باید رشد کند و فعلیت یابد». (شکری نصرت آباد و خدیوی، ۱۳۹۸: ۶)

بنابراین از نظر قرآن کریم، محتوای آموزشی کامل و جامع آن است که انسان را به سمت خدا و توحید باوری سوق دهد. این امر ممکن نیست، مگر زمانی که آنچه به مربی آموزش داده می‌شود، از سوی خداوند باشد. در داستان حضرت خضر و موسی نیز، جلوه‌ای الهی بودن محتوای تربیتی برجسته به نظر می‌رسد؛ زیرا خداوند در آیه ۶۵ سوره کهف می‌فرماید، موسی به‌سوی بنده‌ای از بندگان رفت که ما به او علم آموختیم؛ یعنی موسی نزد شخصی رفت و از او دانش آموخت که او علم و دانش خود را از خدا گرفته بود. چنانچه در آیه ۶۶ همین سوره نیز موضوع الهی بودن محتوای آموزشی چنین تذکر داده شده است «أَنْ تَعْلَمَنْ مِمَّا عَلِمْتَ رُشْدًا»؛ حضرت موسی درخواست می‌کند که از آنچه خودت آموختی و باعث رشد و کمال تو شده است، برای من نیز آموزش بده؛ یعنی حضرت موسی آگاهانه و با درک این واقعیت که دانش حضرت خضر، دانش الهی است، نزد او رفته و تقاضای تعلیم و تربیت را مطرح می‌کند.

۲-۴. رشد مداری محتوای تربیتی - آموزشی

رشد در لغت به معنای راهنمایی شدن به راه راست است (معلوف، ۱۳۸۴: ۵۸۰) یا آن‌گونه که برخی گفته‌اند رشد عبارت است از علوم دینی که انسان را به‌سوی حق ارشاد کند. برخی گفته‌اند علم به آن الطاف دینی است که بر مردم مخفی هستند. (مهدویان، ۱۳۹۶: ۱۱۵) واژه رشد در چند مورد قرآن کریم به‌کاربرده شده است. یکی از ویژگی‌های مهم محتوای تربیتی در داستان حضرت موسی و خضر، رشدمداری آن است. آنجا که می‌فرماید:

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَني مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُداً؛ موسی به او گفت: آیا (اجازه می‌دهی) از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (کهف: ۶۶)

بسته به اینکه کلمه رشد را در این آیه مفعول له یا مفعول به بگیریم، معنای آیه نیز متفاوت خواهد بود. اگر رشد را منصوب بنا بر مفعول له بودن بگیریم، معنای آیه این‌گونه می‌شود: هل اتباعک ارشد. اگر رشد را مفعول به بگیریم معنای این‌گونه می‌شود که پیروی می‌کنم تا از آنچه باعث رشد است مرا تعلیم یدهی؛ (طبرسی، ۱۴۲۵: ۳۶۷) اما به‌رحال رشد در مقابل غی به معنای رسیدن به واقع و کمال است.

از این آیه می‌توان این‌گونه فهمید که علم الهی و علمی که انبیا دارند، موجب رشد انسان است و با جهل مرکب که صرفاً صورت علم را دارد، متفاوت است. (قرائتی، ۱۳۸۴: ۲۰۱) امروزه در نظام‌های تعلیم و تربیت مدرن، نیز بحث رشد مداری موردتوجه است. برخی در این خصوص به این باورند که:

هدف تعلیم و تربیت باید رشد متوازن کل شخصیت انسان، از طریق تربیت روح، عقل، احساسات و عواطف و حواس جهانی باشد. بنابراین در تعلیم و تربیت باید تسهیلات لازم را برای رشد انسان در جمیع ابعاد و وجوه یعنی ابعاد و وجوه روحانی، معنوی، عقلی، تخیلی، جسمانی، عملی، تجربی و زبانی، هم در ساحت فردی و هم در ساحت اجتماعی فراهم آورد. (شکری نصرت‌آباد و خدیوی، ۱۳۹۸: ۸)



۳-۴. چند مرحله‌ای بودن برنامه تعلیم و تربیت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی، چند مرحله‌ای بودن آن است؛ زیرا هدف اساسی تعلیم و تربیت شکوفا ساختن استعداد های متعلم و متربی است که این امر نیازمند زمان است و به صورت تدریجی امکان پذیر است. از همین رو برخی به این باورند که «انسان از زمان تولد تا سنین بزرگ سالی تواناهایی جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می شود». (شکری نصرت آباد و خدیوی، ۱۳۹۸: ۱۴) بنابراین فلسفه تدریجی بودن نظام تعلیم و تربیت در قرآن و داستان حضرت موسی این است که «دستیابی به ایده آل ها و آرمان های تربیت اسلامی به طور دفعی و جهشی مقدور نیست». (اسمی، طهماسب زاده شیخ لار و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۹۲)

۴-۴. تأکید بر تزکیه ای قبل از تعلیم

در قرآن کریم از چهار آیه ای که صراحتاً به مسئله تعلیم و تربیت اشاره نموده، سه مورد آن تزکیه را مقدم بر تعلیم نموده است. بنابراین می توان گفت، در الگوی تعلیم و تربیت قرآنی، تزکیه مقدم بر تعلیم است؛ زیرا تعلیم صرف آگاهی دادن است؛ اما تزکیه توأم با تعالی است. منظور از تزکیه «رشد دادن و ترقی دادن چیزی است؛ به گونه ای که خیرات و برکات آن بروز کند». (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۱۸) از اینجا می توان نتیجه گرفت که در اندیشه اسلامی و بر اساس آموزه های قرآنی، انسان موجودی است که دارای استعدادهای بالقوه زیادی است و این امر می طلبد تا انسان در راستای رشد استعدادهایش به صورت درست تعلیم و آگاهی داده شود و زیر نظر یک مرشد و مربی وارسته تربیت گردد. (شکری نصرت آباد و خدیوی، ۱۳۹۸: ۷)

از داستان حضرت موسی و خضر علاوه بر اینکه تقدم تزکیه بر تعلیم را می توان استنباط نمود، نکته دیگر اینکه هیچ انسانی حتی اگر پیامبری چون موسی باشد، در جهت تربیت و رشد، بی نیاز از مربی و استاد نیست. به عبارت دیگر «انسان هر چه هم از نظر علم و دانش در درجه بالاتر قرار گیرد، نباید از تلاش بایستد». (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۳۳) در اندیشه اسلامی، رشد عقلانی در سایه رشد اخلاقی تحقق

پیدا می‌کند. لذا تا زمانی که علم همراه با تزکیه نباشد، در رفتار و کردار انسان مؤثر نخواهد بود و زمینه تعالی او را فراهم نخواهد ساخت.

۴-۵. استمرار داشتن برنامه آموزشی

یکی دیگر از ویژگی‌های تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی، تداوم و استمرار آن است؛ زیرا از نظر قرآن علم به قدری گسترده است که نمی‌توان برای آن نقطه پایانی تصور کرد. چنانکه پیامبر گرامی اسلام فرمود «اطلب العلم من المهد الى اللحد». برخی هم گفته‌اند:

نظر به اینکه رشد انسان پایان‌ناپذیر است، تربیت اسلامی هم تداوم و استمرار دارد؛ برخلاف مکاتب تربیتی دیگر که هدف‌های مقطعی و محدود را برای تربیت انسان مشخص می‌کنند و او را در قالب‌های ثابت و محدود گرفتار می‌نمایند، تربیت اسلامی انسان از مرز خواسته‌های فردی، قومی، اجتماعی و ملی فراتر می‌رود و به مقام خلیفه الهی می‌رسد. (اسمی، طهماسب زاده شیخ‌لار و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۹۳)

در داستان حضرت موسی و خضر این ویژگی به خوبی بیان شده است؛ زیرا زمانی که شخصیت مثل حضرت موسی خود را نیازمند مربی می‌داند و برای آموزش نزد حضرت خضر می‌رود، در واقع می‌خواهد نشان دهد که تربیت و آموزش مقطع خاصی ندارد. بلکه هر فرد و در هر مقطع و زمانی هرچند خودش جزء دانشمندان زمان باشد، باز هم نیاز به آموزش و مربی دارد.

۵. اصول تعلیم و تربیت در اسلام

با توجه به داستان حضرت موسی و خضر و ویژگی‌های مربی، مربی و محتوای تربیتی می‌توان موارد ذیل را به عنوان اصول تربیتی در اندیشه اسلامی مطرح ساخت.

۱-۵. اصل اقناع

یکی از اصول مهم نظام تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی اقناع مربی است؛ اما این اقناع از طریق تقلید محض یا سرکوب کردن نیست، بلکه با استدلال و بیان حقایق حاصل می‌شود. در واقع یکی از روش‌های که هر مربی می‌تواند مربی خود



را قانع بسازد، استفاده از روش‌های استدلالی است. (فتحی، ۱۳۹۳: ۵۱) در داستان حضرت موسی و خضر نیز این الگو به روشنی هویدا است. آنجا که در پایان سفر حضرت خضر، علت و دلیل تک‌تک اتفاقات را برای شاگرد خود حضرت موسی تبیین می‌کند و حضرت موسی را به لحاظ روحی و روانی کاملاً قانع می‌سازد. چنانکه قرآن می‌فرماید:

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا؛ او گفت: اینک جدایی من و تو فرارسیده؛ اما به‌زودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می‌دهم. (کهف: ۷۷)

بنابراین مربی نباید ذهن متربی را در عالم حیرت بگذارد و سؤال‌های او را بدون جواب رها کند، بلکه باید تلاش کند پاسخ جواب‌های متربی را به کامل‌ترین صورت آن ارائه نماید. البته این نکته نیز قابل‌یادآوری است که ارائه پاسخ باید در زمان مناسب آن باشد، به‌گونه‌ای که بیشترین تأثیر را در ذهن و روان متربی برجای بگذارد. در این داستان هرچند حضرت خضر می‌توانست در هر مورد، پاسخ سؤال‌ها و اعتراضات حضرت موسی را بیان کند؛ اما در این صورت ممکن بود، آن تأثیر لازم را برجای نمی‌گذاشت و ذهن پرسشگر او را به سمت پذیرش مطلق سوق می‌داد و دیگر او انگیزه پرسشگری را از دست می‌داد؛ یعنی مربی باید به متربی فرصت دهد که خودش تلاش کند، پاسخ سؤال‌های خود را به دست آورد؛ اما اگر موفق نشد، در این صورت رسالت مربی است که پاسخ‌های آن را ارائه نماید.

۲-۵. جامع‌نگری

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی، جامعیت آن است. نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید تمام ابعاد وجودی انسان را دربر بگیرد؛ زیرا هدف تربیت اسلامی آن است که فرد جامع‌الاطراف و فردی را که در هر زمینه رشد یافته است، تربیت کند. در این نظام افزون بر توجه به رابطه دین‌داری انسان با مبدأ هستی، به پرورش افراد در راستای شناخت خود، عالم طبیعت و جامعه نیز اهمیت داده می‌شود. (اسمی، طهماسب زاده شیخ‌لار و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۸۹) در اندیشه



اسلامی جامع‌ترین نظام تربیتی ارائه شده است. نظامی که همه ابعاد وجودی انسان را شامل می‌شود. در فرایند تعلیم و تربیت اسلامی جسم و روان، حیات دنیوی و اخروی، جامعه و فرد باید به یک میزان پرورش یابند و هیچ‌یک نباید به بهای دیگری نادیده گرفته شود. (ر.ک. شکری نصرت‌آباد و خدیوی، ۱۳۹۸: ۷) در داستان حضرت موسی و خضر نیز، جامعیت نظام تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا در این داستان حضرت خضر تلاش می‌کند حضرت موسی را به لحاظ روحی، دنیوی و اخروی آماده پذیرش حقایق بسیار مهم نماید که این حقایق برای بسیاری از افراد پنهان است.

نتیجه‌گیری

بررسی الگوی تعلیم و تربیت از منظر قرآن با توجه به داستان حضرت موسی و خضر، نشان می‌دهد که در اندیشه اسلامی و بر اساس آموزه‌های قرآنی، تعلیم و تربیت از اهمیت بالایی برخوردار است. از همین رو قرآن کریم در داستان حضرت موسی و خضر عناصر و ویژگی‌های اصلی الگوی کامل نظام تعلیم و تربیت را بیان کرده است. بر اساس الگوی ارائه شده در آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره مبارکه کهف که داستان حضرت موسی و خضر را بیان می‌کند، تعلیم و تربیت سه عنصر اساسی دارد: مربی، متربی و محتوایی تربیتی. هریک از این عناصر به سهم خود در شکل‌دهی و تکامل الگوی تربیتی نقش و جایگاه خاصی دارند. از همین رو در این پژوهش ویژگی‌های هرکدام از عناصر سه‌گانه تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گرفته که برآیند و نتیجه آن را می‌توان قرار ذیل بیان کرد:

۱. مربی باید انسان شایسته‌ای باشد که متربی با پیروی از وی به رشد و کمال حقیقی خود برسد؛ زیرا تربیت فرایندی است انتخابی و اختیاری که در آن مربی تلاش می‌کند متربی را تحت تأثیر قرار داده، زمینه تکامل و تعالی او را فراهم سازد.
۲. در یک الگوی تربیتی موفق، بین مربی و متربی باید سنخیت و همسانی وجود داشته باشد. این سنخیت و همسانی می‌تواند از ابعاد مختلف باشد؛ اما مهم‌ترین بعد آن



سنخیت در باورها، عقاید، نگرش‌ها و ایمان است. در صورتی که بین مربی و متربی این همسانی وجود نداشته باشد، امکان تأثیرگذاری مربی بر متربی کاهش یافته، نه تنها اهداف تعلیم و تربیت حاصل نمی‌شود، بلکه ممکن است آثار و نتایج معکوس نیز داشته باشد.

۳. در الگوی تعلیم و تربیت اسلامی با وجود اینکه نقش مهم و اساسی را مربی دارد؛ اما نقش متربی از آن مهم‌تر است؛ زیرا این متربی است که با سعی و تلاش خود باید، دانش و فضائل اخلاقی مربی را در وجود خود نهادینه بسازد. در داستان حضرت موسی و خضر نیز، برجسته بودن نقش متربی؛ یعنی حضرت موسی روشن است. چنانکه مشاهده کردیم حضرت موسی نزد حضرت خضر رفت و درخواست خویش را با کمال احترام مطرح نمود. بدین معنی که متربی باید در راستای تعلیم و تربیت خود اقدام کند و با تحمل ملالت‌ها و سختی‌های زیاد خود را به مربی برساند.

۴. در الگوی تعلیم و تربیت اسلامی همه چیز بر محور رشد انسان می‌چرخد. بنابراین هر تعلیم و تربیتی مورد تأیید اسلام نیست، بلکه آموزش و تربیتی حائز اهمیت است که باعث رشد و تکامل انسان گردد. رشد در داستان حضرت موسی و خضر به معنای درک حقایق پنهان عالم هستی است؛ اما اگر به صورت کلی به این گزاره توجه کنیم، معلوم می‌شود که منظور از رشد، حرکت به سمت خدا و نهادینه ساختن باور به توحید در وجود متربی است. این هدف زمانی حاصل می‌شود که محتوای تربیتی نیز الهی و از جانب خداوند باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۵. احمدزاده، سید مصطفی، (۱۳۸۹)، «ارزش بنیادین در نظام تربیتی قرآن کریم»، نشریه پژوهش های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۶، صص ۱۱۴-۱۳۷.
۶. اسمی، کرامت؛ طهماسب زاده شیخ لار، داوود و اسلامی، جمشید، (۱۳۹۸)، «اهداف غایی و واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی و لیبرال»، مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۸۰-۲۱۵.
۷. اکبری، سمیه؛ مهنی، امید و مطهری نژاد، حسین، (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی دانشجویان»، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۲۱، صص ۱۲۱-۱۳۶.
۸. بناری، علی همت، (۱۳۹۰)، «رابطه تعلیم و تربیت با تاکید بر دیدگاه اسلام»، نشریه اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره ۶، صص ۳۷-۵۶.
۹. بناری، علی همت، (۱۳۹۷)، «بررسی دلالت های تربیتی آیات تعلیم و تزکیه»، مجله اسلام و پژوهش های تربیتی، سال دهم، شماره ۱۹، صص ۵-۲۲.
۱۰. بناری، علی همت، (۱۳۹۸)، «الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان»، فصلنامه آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۲، صص ۴۱-۶۰.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۴)، مفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالشامیه.
۱۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایرة المعارف علوم اجتماعى، تهران: کیهان.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۸)، منشور جاوید، جلد ۱۲، قم: موسسه امام صادق (ع).
۱۵. شریعتمداری، علی، (۱۳۸۲)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۶. شکری نصرت آبادی، احترام و خدیوی، اسدالله، (۱۳۹۸)، «آشنایی با شاخصه ها و ویژگی های تعلیم و تربیت اسلامی و بهره گیری از آن ها برای آموزش کودکان دبستانی»، مجله مطالعات علوم اسلامی، سال اول، شماره اول، صص ۱-۲۰.



۱۷. صالحی، اکبر و یاراحمدی، مصطفی، (۱۳۸۷)، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»، مجله تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۷، صص ۲۳-۵۰.
۱۸. صدر، موسی، (۱۳۸۸)، «روش‌های تربیت در داستان حضرت موسی در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۵، شماره ۵۹ و ۶۰، صص ۱۳۹-۱۵۲.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، (ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی)، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۱)، تفسیر المیزان، (ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی)، تهران: کانون انتشارات محمدی.
۲۱. طبرسی، علی بن ابراهیم، (۱۴۲۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. فتحی ملک‌اوی، حسن، (۱۳۸۰)، گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، (ترجمه: غلام‌رضا مفتی فرواسدالله طوسی)، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۳. فتحی، زهرا، (۱۳۹۳)، «آزاد اندیشی در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۱، شماره ۱۹، صص ۳۱-۵۳.
۲۴. قائمی مقدم، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شماره ۶۹.
۲۵. قرائتی، محسن، (۱۳۸۴)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
۲۶. محسنی حکمت، محمد آصف، (۱۳۹۲)، «بررسی و نقد رویکردهای اثباتی به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۲۹-۵۶.
۲۷. معلوف، لوئیس، (۱۳۸۴)، فرهنگ المنجد: عربی به فارسی، جلد ۱، تهران: انتشارات ایران.
۲۸. مهدویان، محمد حسین، (۱۳۹۶)، برگزیده شرح مباحث المعنی از مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: مرکز نشر المصطفی.
۲۹. مهدی زاده، حسین، (۱۳۸۲)، «آموزه‌های اسلامی در باب تقلید از الگوها (با تأکید بر

دوره جوانی)، مجله معرفت، شماره ۶۷.

۳۰. موسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین، (۱۳۹۶)، آیات حیات ۵: مصحف آموزشی و تفسیری مفاهیم قرآن کریم، سوره‌های اسراء، کهف، مریم، طه، انبیا و حج، ترجمه استاد حسین انصاریان، قم: موسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین.
۳۱. میرزایی، لیلا؛ بهشتی، سعید و ایمان نائینی، محسن، (۱۳۹۸)، «بررسی تحلیلی مبانی ارزش شناختی تعلیم و تربیت اسلامی از منظر استاد مطهری به منظور تدوین الگوی مدرسه مطلوب»، پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، شماره ۳، صص ۲۵۹-۲۷۶.
۳۲. هاشمی، سید حسین، (۱۳۸۹)، «رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۷۶-۱۱۳.
۳۳. هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۶)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران: سمت.

ویژگی‌های خانواده صالح از دیدگاه قرآن و حدیث

سید خلیل الله روحانی^۱ | امان الله الهی^۲

چکیده

خانواده مهم‌ترین رکن نهاد جامعه و اثرگذارترین، نهاد تربیتی در جوامع اسلامی به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که می‌تواند منشأ تحول فردی و اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد. قرآن کریم و روایات برای داشتن خانواده صالح ویژگی‌های ممتاز و نمونه‌های بسیار آموزنده از پدران و مادران نمونه را به ما معرفی کرده است. والدین و زوجین در اداره این نهاد مهم، باید به این ویژگی‌ها و نمونه‌های بیشتر توجه کنند و از دستورات و سبک زندگی و تربیتی خود و همه اعضای خانواده، بهره گیرند تا بتوانند با عبور از مسیر درست، به سمت تکامل، سعادت و تقرب الهی دست یابند. در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای استفاده شده که منبع اصلی آن قرآن کریم و احادیث است. این تحقیق با هدف بررسی و برجسته‌سازی شاخصه‌های رفتاری مشترک بین زوجین، از منظر قرآن کریم و روایات تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، خانواده صالح، ویژگی‌های رفتاری، قرآن، زوجین

۱. ماستری روانشناسی تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی دکتری قرآن و علوم، گرایش روانشناسی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

alhyamanallh3@gmail.com

مقدمه

از منظر آیات و روایات، خانواده محبوب‌ترین بنای اجتماعی کوچک است که ابتدا با ازدواج و خواندن عقد مرد و زن تشکیل می‌شود. دو نفر که بنا است در تکامل معنوی و رشد مادی یکدیگر مشارکت کنند و به تعبیر قرآن کریم، هر یک بسان لباس کمبود و آلودگی دیگری را حفظ کند و در صورت نقصان، در اوج محبت و مودت آن را جبران نمایند. قرآن کریم به یکی از مهم‌ترین مباحث خانواده، ویژگی‌های رفتاری در خانواده را با واژگانی زیبا چنین بیان می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۱) از نشانه‌های خدا آن است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید تا بدیشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هرآینه در این کار برای مردمی که بیندیشند».

این بیان قرآن است که فلسفه ازدواج را بیان می‌کند؛ اما به‌راستی چرا در بین اکثر خانواده‌ها چنین آرامش و مودتی احساس نمی‌شود؟ ما در این مقاله، در پی جواب این سؤال و بیان ویژگی‌های رفتاری زوجین در خانواده هستیم. از این‌رو ابتدا به بررسی چند کلمه مهم و کلیدی، پیرامون این مسئله می‌پردازیم و سپس به توضیح خانواده صالح و مواردی که رعایت آن‌ها در زندگی مشترک، مورد نیاز است و موجب موفقیت و سعادت بیشتر افراد خانواده می‌گردد، می‌پردازیم و در انتها به بیان اینکه ازدواج و تشکیل خانواده به سبک خانواده صالح، موجب آرامش روحی و روانی انسان می‌شود خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. خانواده

خانواده در لغت به معانی مختلف، از جمله خاندان، دودمان و تبار آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه خانواده) خانواده در یک دید کلی، این‌گونه تعریف می‌شود: «خانواده نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن، شکل می‌گیرد و با تولیدمثل، توسعه



می‌یابد، بر اساس آن جامعه بشریت تکامل می‌یابد که برای تأسیس و تحکیم آن اسلام و قرآن دستوراتی دارد تا این نهاد در معرض فروپاشی قرار نگیرد». برای خانواده تعاریف گوناگون دیگری نیز ارائه شده است که عموماً به همان تعریف فوق برمی‌گردد. مثلاً تعریف دیگری که گفته شده این است که: «خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند». (قنادان، ۱۳۷۵: ۱۴۸) یا گفته شده: «خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولیدمثل است». (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۳۵) سازمان ملل متحد در سال (۱۹۹۴م) که آمار جمعیت کشورها را مشخص می‌کرد، خانواده را چنین تعریف کرد: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند، درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند». (نجاریان، ۱۳۷۵: ۱۹) از میان این تعاریف، یک مفهوم مشترک می‌توان به دست آورد که برگشت تمام تعاریف به آن باشد و آن این است که بگوییم: خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام و پایداری این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین برای پیشرفت و کارایی یک خانواده خوب، لازم است به تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده توجه شود.

۱-۲. زوجین

تشبیه زوج و از نظر لغت به معنای جفت در مقابل فرد و عبارت است از دو چیز همراه و قرین، چه مماثل باشند، مانند دو چشم و دو گوش و چه متضاد باشند مانند شب و روز. در مواردی معنای زوج در مقابل فرد به شرط داشتن قرین به کار رفته است که براین اساس به هر یک از زن و شوهر زوج و به هردوی آن‌ها زوجین اطلاق می‌شود.

(مصطفی و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۰۵) یکی از ویژگی‌های رفتاری خانواده صالح، نحوه روابط بین زوجین است. زوجین در خانواده صالح، باید ویژگی‌های رفتاری مطلوب را که مطابق تعالیم اسلامی است، داشته باشند که برخی از آن‌ها به‌طور مشترک بین زوجین تعریف شده است و برخی به‌طور خاص بر عهده هر یکی از آن‌ها است.

۱-۳. خانواده صالح

خانواده صالح خانواده‌ای است که اعضای آن از خطرپذیری در حد معقول هراسی ندارند. نشاط، سرزندگی، محبت و علاقه در بین اعضای خانواده صالح زیاد است. تعارضات بین اعضای آن کهنه و عمیق و برخوردها شدید و غضب‌آلود نیست. دخالت غیرمنطقی افراد خانواده در کارهای یکدیگر بسیار کم است. افراد خانواده برای هم احترام قائل هستند، می‌توانند با آسودگی خاطر، مسائل زندگی خود را حل و فصل کنند و آزادانه با هم درد دل کنند. درنهایت خانواده صالح، خانواده‌ای را گویند که ویژگی‌های یک انسان صالح را با توجه به آیات و روایات و علوم روان‌شناسی تربیتی، دارای شخصیت سالم باشند.

۲. سبک زندگی خانواده صالح

خانواده صالح در زندگی دارای سبک و شیوه‌ای خاص و متمایز از دیگران است. زن و شوهر در چنین خانواده‌ای، برگرفته از سبک و روش مبانی اسلامی است و به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) اقتدا می‌کنند. ساده و به‌دور از تجملات است و از اسراف و تبذیر در امور زندگی، اجتناب می‌کنند. زندگی‌شان بر پایه تقوا و عمل صالح استوار است؛ یعنی برای به دست آوردن چیزی در جهت رفاه و آسایش خود و خانواده‌اش از مال حرام شدیداً پرهیز می‌کنند و حساب سال خمسی دارند و مقداری از مال و اموال خود را به مستمندان و نیازمندان می‌دهند. به‌طورکلی دنیا و زندگی مادی دنیوی و سایر متعلقات او را اسیر خود نمی‌کند و سبک زندگی آن‌ها در جهت تأمین سعادت دنیا و آخرت است. نگرش خانواده صالح نسبت به دنیا، طبق فرموده امام علی (ع) فرمودند: «لِنَعْمَ دَارٌ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا وَ مَحَلٌّ مَنْ لَمْ يُوْطَّنْهَا؛ دنیا چه سرای



نیکویی است برای کسی که آن را خانه همیشگی خویش نداند و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد». (نهج البلاغه، خ ۲۲۳)

رسول خدا^(ص) در خانواده‌شان، با همسر و فرزندان با محبت رفتار می‌نمود؛ یعنی اساس رفتارشان محبت بود و توصیه می‌فرمودند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي؛ بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش بهترین باشد و من بهترین شمایم نسبت به خانواده‌ام». (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۲) یکی از نکاتی که از این حدیث استفاده می‌شود این است که اگر کسی می‌خواهد آن حضرت را به‌عنوان الگو و اسوه انتخاب کند و به ایشان اقتدا نماید، باید به خانواده‌اش اهمیت داده و با آنان به‌خوبی رفتار نماید و در غیر این صورت، فرد نمی‌تواند بگوید و یا ادعا کند که من در زندگی به پیامبر گرامی اسلام^(ص) و امامان معصوم^(ع) اقتدا کردم.

۳. ویژگی‌های خانواده صالح

۳-۱. رعایت احترام متقابل

مهم‌ترین ویژگی رفتاری که نشان‌دهنده حسن روابط بین زوجین می‌شود، رعایت احترام متقابل است که این ویژگی رفتاری مشترک بین زوجین است. در خانواده صالح، زوجین به شخصیت یکدیگر احترام می‌گذارند، زوجه در خانواده صالح می‌داند که در همه حالات باید به همسرش احترام بگذارد و خود را مطیع وی قرار دهد. طبق روایات معصومین^(ع) یک زن با ایمان می‌داند که پیامبر اکرم^(ص) در خصوص رعایت احترام شوهر و اطاعت‌پذیری، آن‌قدر سفارش کرده که زن‌ها سؤال کردند، آیا در برابر شوهرمان باید سجده کنیم؟ (ر.ک. نوری، ۱۴۰۸، ۱۴: ۲۳۷)

مرد مؤمن هم در خانواده صالح به وظایف خویش آگاه است و می‌داند که حفظ کرامت انسانی و رعایت احترام همسرش بسیار مورد اهمیت است و می‌داند که همسرش خدمتکار او نیست که هر کاری را بدون درنگ انجام دهد. طبق آداب و دستورات دینی، مرد حق ندارد حتی دستور شستن لباس‌های خود را به او بدهد. اگر همسرش کارهای خانه را انجام می‌دهد، از جهت لطف و احسان است و برای رفاه

حال و آسایش همسر و فرزندان‌ش نهایت سعی و تلاش را می‌کند. در باب رعایت احترام زن، همین قدر بس که نباید اسم او را ناقص بگوید حتی اگر در ظاهر ناراحت باشد؛ زیرا عدم رضایت قلبی و باطنی وی آثار و عواقب بدی خواهد داشت. بنابراین زوجین در هر صورت مخصوصاً در حضور اعضای خانواده یا دیگران، موظف هستند که احترام یکدیگر را حفظ کنند.

۳-۲. خوش خلقی متقابل

دومین ویژگی رفتاری مشترک زوجین در خانواده صالح، خوش اخلاقی است. زوجین در خلوت و جلوت با گفتار و ادبیات کلامی متین و زیبا با یکدیگر صحبت می‌کنند و همواره با لب متبسم و گشاده‌رویی همدیگر را ملاقات می‌کنند. لذا در هر شرایطی از کنایه و زخم‌زبان و تنیدی در برا همدیگر، اجتناب می‌کنند. در بعضی از خانواده‌ها، یکی از زوجین این ویژگی رفتاری خوب را دارد. در این گونه موارد روایات و تعالیم اسلامی، طرف دیگر را به صبر و بردباری دعوت نموده است.

اگر در خانواده‌ای مرد خوش اخلاق باشد و زن بداخلاق و مرد در برابر بداخلاقی همسرش صبر می‌کند، روایتی از حضرت علی^(ع) نقل شده است، فرمودند: «أَلَا وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَنَالُ خُلُقَ الْخُلُقِ وَاحْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ آگاه باشید که هر کس بر اخلاق زن بداخلاق، شکیبایی ورزد و مزد این کار را از خدا بخواهد، خداوند ثواب سپاس‌گزاران را به او عطا می‌کند». (ری شهری، ۱۳۹۰، ۵: ۴۷۴)

همچنین در حدیث آمده که اگر زنی بر بد خلقی شوهرش شکیبایی پیشه کند، پاداش حضرت آسیه^(س) به او داده می‌شود. «مَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ (ثَوَابِ) أَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ». (ری شهری، ۱۳۸۶، ۵: ۱۰۲)

با توجه به اهمیت این ویژگی رفتاری مهم، باید زوجین برای انتخاب همسر از همان ابتدای زندگی مشترک، دقت می‌کند که شریک زندگی او دارای این صفات حسنه باشد. در روایتی از پیامبر اکرم^(ص) زن زیبا اما در خانواده‌ای که ویژگی‌های خانواده صالح را ندارد، به گیاه سبزی که در مزبله روییده است تشبیه فرمودند،



به همین دلیل یکی از مهم‌ترین معیارها برای انتخاب همسر دارا بودن ویژگی‌های خانواده صالح است از جمله، اصالت خانوادگی، ایمان و تدین و اخلاق خوب است. (کلینی، ۱۳۷۹، ۵: ۳۳۲)

در خانواده صالح زوجین به‌خوبی می‌دانند که هر یک نسبت به هم حقوقی دارند که موظف هستند آن‌ها را رعایت کنند و رعایت آن را یک امر مقدس دینی می‌دانند؛ به‌طوری که برای هر یک از زوجین که وظیفه و تکلیف خود را به‌درستی انجام دهند، در حکم جهاد در راه خدا است. به‌عنوان نمونه یکی از حقوق زن و فرزندان در خانواده که بر عهده مرد یا پدر است، پرداخت نفقه آن‌ها و کسب درآمد از راه حلال است. امام صادق^(ع) فرمودند: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی برای امرار معاش خانواده خود زحمت می‌کشد، مثل مجاهد در راه خدا است». (کلینی، ۱۳۷۹، ۵: ۸۸). در روایتی از امام سجاده^(ع) فرمودند: «این‌که با چند درهم به بازار بروم تا با آن‌ها برای خانواده‌ام که هوس مقداری گوشت کرده‌اند، گوشت بخرم نزد من، محبوب‌تر از آن است که بنده‌ای را آزاد کنم». (کلینی، ۱۳۷۹، ۴: ۱۲)

درباره حقوقی که مرد بر زنش دارد، در روایتی از پیامبر اکرم^(ص) آمده است که فرمود: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، نیکو شوهرداری کردن است». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۶۰)

۳-۳. مدارای متقابل

یکی دیگر از ویژگی‌های رفتاری مشترک زن و شوهر در خانواده صالح، مدارا کردن با یکدیگر است. زن و مرد مؤمن متقابلاً اهل مدارا هستند؛ همان‌طوری که در جامعه با مردم مدارا و سازش می‌کنند، به‌طریق‌اولی در محیط مقدس خانواده، زوجین باید نسبت به یکدیگر اهل مدارا و سازش باشند. در روایتی از امیرالمؤمنین حضرت علی^(ع) آمده است: «وَأَعْلَمُ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛ بدان که بعد از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم حیاتی‌ترین جزء عقل است». (میانجی، ۱۴۲۶، ۲: ۲۰۸)

۳-۴. همکاری متقابل

یکی دیگر از ویژگی‌های رفتاری مشترک خانواده صالح، کمک و همکاری در انجام کارهای منزل است. درست است که کارهای بیرون از خانه وظیفه مرد است و کارهای داخل خانه، وظیفه خانم خانه، ولی در یک خانواده صالح بر اساس آموزه‌های دینی، زوجین سعی می‌کنند با کمک و همکاری یکدیگر کارها و امور زندگی را انجام دهند، به‌عنوان نمونه مرد وقتی وارد منزل می‌شود تمام مشکلات و گرفتاری‌های کاری و شخصی خود را با خود به محیط خانواده همراه نمی‌کند و در کارهای خانم گاهی به او کمک می‌کند. این سیره اهل بیت^(ع) است؛ چنانکه در روایتی از پیامبر اکرم^(ص) خطاب به امام علی^(ع) آمده است: «یا علی به خانواده خود خدمت نمی‌کند، مگر انسان راست‌گویا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد». (الشعیری السبزواری، ۱۴۱۴: ۲۷۶) زن هم علاوه بر انجام کارهای خانه می‌تواند با همسرش همکاری متقابل داشته باشد. به‌عنوان نمونه اگر همسرش قصد مطالعه دارد، باید شرایط مناسب را برای وی فراهم کند یا اگر همسرش خسته از کار به منزل آمده، شرایط استراحت و آرامش را برای وی تأمین نماید.

۳-۵. مودت و رحمت متقابل

یکی از ویژگی‌های رفتاری خانواده صالح این است که زوجین با بینش اسلامی و قرآنی، نسبت به همدیگر مودت و رحمت دارند که بسیار فراتر از محبت است. این مودت موهبت ویژه و مستقل خداوند است که به آنان اهدا شده است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (روم: ۲۱)

برخی از دانشمندان حوزه خانواده می‌گویند، عشق روح خانواده است و خانه به‌راستی، آشیانه عشق است. برای اثبات مدعای خویش استمداد گرفته‌اند از این آیه شریفه قرآن کریم که خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ



وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا». (اعراف: ۱۸۹) لذا معتقدند که یکی از اصول و مبنای روابط اجتماع درون خانواده، دوستی، تفاهم و همکاری متقابل است که با نیروی عشق آمیخته شده است. نفس واحده در آیه شریفه، گویای این حقیقت است که نهاد خانواده ظرف رویش روح و جان، هر یک از اعضای خانواده می شود، رستگاری و بالندگی زوجین تا رسیدن به اوج بالندگی (کمال انسانی) است؛ یعنی نه مرد به تنهایی کامل است و می تواند به کمال برسد، نه زن. مگر با همگرایی و در کنار یکدیگر بودن است که می توانند راه کمال و سعادت و آرامش را در نهاد مقدس خانواده فراهم نمایند. (شریف، ۱۳۸۶: ۱۶۵) بنابراین اگر در محیط یک خانواده این حس محبت و همکاری و دوستی و تفاهم متقابل وجود داشته باشد، این ویژگی رفتاری خانواده می تواند در تربیت فرزندان مؤثر باشد و این آثار مثبت در جامعه هم نمایان خواهد شد.

۳-۶. احترام به والدین

یکی از مهم ترین شاخصه های رفتاری خانواده صالح، موضوع نیکی و اطاعت از والدین است که در آیات و روایات به اهمیت و جایگاه والای آن اشاره شده است. نیکی و احسان در حق والدین به عنوان یک عامل مهمی در استحکام نظام خانواده و موفقیت در نیازهای مادی و معنوی محسوب شده است. در مقابل عدم احسان به والدین، سبب سست شدن بنیان نظام خانواده و ظلمات و تباهی در دنیا و آخرت خواهد شد.

خداوند می فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد توبه پیری رسیدند، به آنان اف نگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو». (اسراء: ۲۳) در این آیه شریفه اهمیت و جایگاه والدین به صراحت بیان شده است؛ زیرا خداوند متعال اطاعت از آن ها را در ردیف اطاعت از خود ذکر کرده است.



بنابراین موضوع نیکی و احسان به والدین در بین اعضای خانواده صالح، اهمیت و جایگاه والایی دارد و فرزندان به‌خوبی از این امر مهم آگاه هستند و تا آخرین زمان حیات و حتی بعد از حیات والدین، باز هم خود را موظف می‌دانند که در حق آن‌ها نیکی کنند و هرگز در قبال رسیدگی به آنان، کوتاهی نکنند.

۷-۳. اهمیت تربیت و حقوق فرزند در خانواده صالح

از ویژگی‌های مهم رفتاری مشترک بین زوجین در خانواده صالح، تربیت فرزند است. داشتن فرزند صالح، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی در زندگی است و کسانی که از نعمت چنین فرزندی محرومند، از نظر روحی-روانی احساس عاطفی خوبی ندارند، هرچند که همسر و دوستان و آشنایان و فامیل زیادی داشته باشند، ولی آن‌ها هرگز جای خالی فرزند را در محیط خانه پر نخواهند کرد؛ اما نگرش و نوع رفتار خانواده صالح در مورد داشتن فرزند و نیز تربیت صحیح آن‌ها برگرفته از متون اسلامی است و به جایگاه و ارزش آن واقف هستند. در متون و منابع روایی آمده است که فرزند صالح برای والدین گلی است از گل‌های بهشت. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رَيْحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينَ الْجَنَّةِ». (کلینی، ۱۳۷۹، ۶: ۳)

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ وَعِلْمٍ يَنْتَفَعُ بِهِ وَوَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». (دیلمی، ۱۳۷۷، ۱: ۳۴) فرزند صالحی که بعد از رحلت والدین در حق آن‌ها دعا می‌کند، به‌عنوان صدقه جاریه است. صدقه برای زمانی که پرونده اعمال انسان بسته می‌شود و جز باقیات و صالحات چیزی آن پرونده را باز نگه نمی‌دارد و همچنان پرونده اعمال پدر و مادری که از دنیا رفته، جاری است؛ زیرا از آن‌ها فرزند صالحی مانده که با اعمال نیک و عبادت و بندگی خداوند متعال، پاداش و ثوابی برایشان هدیه داده می‌شود.

به همین جهت والدین برای داشتن فرزند صالح و تربیت او همواره تمام سعی و تلاش خود را به نحو احسن انجام می‌دهند و آن‌ها را با تعالیم و آموزه‌های دینی و اسلامی آشنا می‌کنند. حضرت پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ: وَلَوْلَا دِاخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ



لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضَ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ؛ به برخی کودکان ، نگاه کرد و فرمود: وای بر کودکان آخر زمان از دست پدرانشان. گفته شد ای پیامبر خدا! از پدران مشرکشان؟ فرمود: نه. از پدران مؤمنشان که چیزی از واجبات را به آنان نمی‌آموزند و چون فرزندان‌شان، خود بیاموزند، آنان را باز می‌دارند و نسبت به آنان از [داشتن] چیز اندکی از دنیا راضی می‌شوند. من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند». (نوری، ۱۴۰۸، ۲: ۶۲۵)

ولی چنین ویژگی‌های رفتاری و نگرش در خانواده‌های غیر اسلامی وجود ندارد و بعضاً فقط تولید مثل یا فقط ارضای شهوات جنسی مورد هدف آن‌ها است. لذا خود را در برابر تربیت صحیح دینی فرزندان‌شان مسئول نمی‌دانند؛ اما در خانواده صالح والدین حقوق فرزندان را به خوبی می‌شناسند و به درستی و به موقع عمل می‌کنند. از جمله عمل کردن به این روایات پیامبر اکرم (ص) از حقوق فرزند بر پدرش این سه چیز را می‌داند: «یک نام نیکو برای او انتخاب کند، به او سواد بیاموزد، هرگاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد». (طبرسی، بی‌تا، ۱: ۴۷۴)

۳-۸. صله رحم

یکی از ویژگی‌های مهم رفتاری خانواده صالح، صله رحم است که در آیات و روایات بسیار مورد تأکید و توجه است. روایات صله رحم را مهم‌ترین عامل استحکام روابط خانوادگی و تحکیم پیوندهای خویشاوندی می‌داند. در برخی از آیات، در ردیف پرستش و عبودیت خداوند متعال ذکر شده است. «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيباً؛ بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید، همانا خداوند مراقب شما است». (نساء: ۱) پیامبر اکرم (ص) در اهمیت و جایگاه صله رحم فرمودند: «به آنان که حاضرند و آنان که غایب هستند و آنان که از صلب‌های مردان و رحم‌های زنان تا روز قیامت به دنیا می‌آیند سفارش می‌کنم که صله رحم نمایند، گرچه مستلزم پیمودن یک سال راه باشد، زیرا صله رحم از مسائل مهم دین است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴: ۳۱)

۴. ادواج به سبک خانواده صالح عامل آرامش

قرآن کریم یکی از آثار و فواید ازدواج را رسیدن به آرامش می‌داند و با صراحت بیان فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (روم: ۲۱) از آیه شریفه برداشت می‌شود که خلقت زن و مرد با هم متفاوت است و زن و مرد هر دو در کنار هم مکمل همدیگر هستند. بنابراین با ازدواج هر دو تا حدودی به یک آرامش خواهند رسید؛ اما اینکه چرا همه انسان‌ها با ازدواج به آرامش کامل نمی‌رسند؟ سر آن رعایت همین مواردی است که خانواده صالح را از غیر آن متمایز می‌نماید؛ زیرا در خانواده صالح، هر یک از زوجین با رفتار درست و مناسب و برگرفته از تعالیم اسلامی سعی می‌کند موجب استحکام کانون گرم خانواده و آرامش اعضای آن باشد.

در ذیل آیه ۱۲ سوره روم، در تفسیر ثعلبی آمده است، مردی خدمت پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: «ای پیامبر خدا از کاری در شگفتم و به‌راستی هم که شگفت‌آور است، مردی با زنی ازدواج می‌کند که هرگز، نه او آن زن را دیده و نه آن زن، او را؛ اما همین که ازدواج صورت می‌گیرد و مرد، وارد بر زن می‌شود، با یکدیگر همدم می‌شوند و هیچ چیز برای آن دو، دوست‌داشتنی‌تر از چیز دیگری نیست. پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند متعال، میان شما مهر و دوستی قرارداد». (ثعلبی، بی‌تا، ۷: ۲۹۹) این یعنی مهر و محبت میان زوجین، موهبت خاص الهی است که ستونی می‌شود برای استوار نگه داشتن بنای زندگی مشترک.

بنابراین یکی از اهداف مهم ازدواج، رسیدن به آرامش است و زوجین و حتی فرزندان، با ویژگی‌های رفتاری مناسب که از مبانی دینی آموخته‌اند، باید به این آرامش برسند.

نتیجه‌گیری

خانواده، مهم‌ترین بنای اجتماعی است که زن و شوهر آن را تشکیل می‌دهند. بر اساس پژوهش انجام‌شده ویژگی‌های رفتاری در خانواده صالح، این نتیجه به دست



می‌آید که خانواده‌ای که با معیارهای اسلامی انطباق دارد، خانواده صالح و کارآمد است. ملاک انتخاب برای داشتن خانواده کارآمد و صالح، برخورداری از ویژگی‌ها و ارزش‌های اسلامی است که در این پژوهش بدان اشاره شده است. رعایت و احترام متقابل، خوش‌رویی با همدیگر، مدارا و رعایت حقوق یکدیگر و تربیت فرزند از ویژگی‌های مهم رفتاری مشترک بین زوجین در خانواده صالح است. صله‌رحم که در آیات و روایات بسیار مورد تأکید و توجه است، از دیگر ویژگی‌های خانواده صالح است. سبک زندگی خانواده صالح، متمایز از دیگران است. زوجین در چنین خانواده‌هایی، برگرفته از سبک و روش و مبانی اسلامی، می‌اندیشند و عمل می‌کنند که سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)، به‌دوراز تجملات و بر اساس تقوا و عمل صالح پایه‌گذاری شده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق) *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، (تحقیق: علی اکبر غفاری)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. احمدی میانجی، علی، (۱۴۲۶ق) *مکاتیب الأئمة عليهم السلام*، (تحقیق و تصحیح: مجتبی فرجی)، قم: دار الحديث.
۳. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش.
۴. ثعلبی احمد بن محمد (بی تا) *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن*، بی جا: بی نا.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۳۷۷)، *ارشاد القلوب*، (ترجمه: رضایی، سید عبدالحسین)، تهران: نشر اسلامی.
۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: نشر کیهان.
۸. شریف، علی، (۱۳۸۶)، *حقوق خانواده*،
۹. الشعیری السبزواری، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *جامع الاخبار*، بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. قنادان، منصور، (۱۳۷۵)، *جامعه شناسی مفاهیم کلیدی*، تهران: آوای نور.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، *اصول کافی*، تهران: دفتر مطالعات و تاریخ و معارف اسلامی.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: موسسه انوماء.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰)، *دانشنامه قرآن و حدیث ۳*، قم: دار الحديث.



۱۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، *میزان الحکمه*، قم: دار الحدیث.
۱۶. مصطفی، ابراهیم و دیگران (۱۳۷۷)، *معجم الوسیط*، قم: موسسه الصادق للطباعة و النشر.
۱۷. نجاریان، فرزانه، (۱۳۷۵)، *عوامل مؤثر در کارایی خانواده*، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. نوری، میرزا حسین محدث (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

بررسی مفهوم بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی با تأکید بر آیه ۲۰۰ آل عمران در تفاسیر فریقین

لیلا بابایی^۱ | احمد مرادخانی^۲ | علیرضا عسگری^۳

چکیده

در تعالیم اسلام، توجه به بیداری و مسئولیت اجتماعی و برآوردن نیازهای ضروری مردم از اولویت‌ها است. سرمایه اجتماعی در حکمرانی اسلامی، یکی از مهم‌ترین مفاهیم کاربردی است. در جامعه متعالی، بیداری به انسان قدرت تفکر و تعقل داده و بینش و افق دید او را گسترش می‌دهد. هر جا انسان متوقف گردید، جامعه نیز از حرکت ایستاد. حرکت و ایستایی در لوای شعار توحید و خداپاوری معنا یافته و ایمان، جلوه‌ای تازه پیدا می‌کند. زمانی که در انسان بیداری جریان پیدا کرد، خود را از جامعه و دغدغه‌هایش جدا نمی‌بیند و با صبر و دعوت به صبر (مصابره) و قرار گرفتن در خط مقدم جهاد (مربطه) و تقوای الهی، مسئولیت اجتماعی خود را به بهترین شکل انجام داد. این مقاله با بررسی نظرات مفسرین فریقین درباره آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، با روش توصیفی - تحلیلی و محتوایی، به بررسی کلیدواژه بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی در تفاسیر فریقین پرداخته است. هدف مقاله برداشتن گامی در راه اثبات کارآمدی حکمرانی اسلامی و احیای تمدن نوین اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: بیداری، مسئولیت اجتماعی، فریقین، مصابره، مربوطه

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. ایمیل: taninebehesht@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول)

ایمیل: ah_moradkhani@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. alireza.asgari88@gmail.com

مقدمه

سرمایه اجتماعی در حکمرانی اسلامی یکی از مهم‌ترین مفاهیم کاربردی است. در خصوص این مفهوم از سوی دانشمندان غربی، مباحثی مطرح گردیده است. با بررسی و دقت نظر در دیدگاه اسلامی، بعدازاینکه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار می‌دهد، به واژه‌هایی چون وحدت، عدالت، تعاون، مشورت، مصابره و مرابطه برمی‌خوریم. اجرای این اصول اسلامی در ابعاد فردی و اجتماعی، تأثیر زیادی در مسیر رشد این سرمایه اجتماعی دارد تا انسان بتواند در بالاترین سطح ممکن به انجام صحیح مسئولیت اجتماعی اقدام کند. مسئولیت اجتماعی در اسلام، به‌عنوان یکی از عناصر اصلی در تربیت و آموزش اعضای جامعه به شمار می‌رود که بر پایه ارزش‌های اخلاق اسلامی مانند محبت، عدل، همدلی و خیرخواهی استوار است. مهم‌ترین عاملی که در اینجا به چشم می‌خورد، خطاب قرار دادن مؤمنین است. این نشان می‌دهد که ایمان، رابطه مستقیمی با بیداری دارد و این سرمایه اجتماعی اسلامی است که می‌تواند در ابعاد مختلف و بر اساس اصولی مانند ایمان، بیداری، مصابره و مرابطه، جنبه اجتماعی بسیاری از دستورات اسلامی را به شکل عالی به منصه ظهور برساند. این الگوی اسلامی در کنار معرفی مشارکت صحیح اجتماعی و تبیین آن، اعلام می‌کند که مشارکت و انجام صحیح مسئولیت اجتماعی با الگوی اسلامی، می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر رشد و توسعه جامعه اسلامی در حکمرانی اسلامی داشته باشد. این مقاله برای اثبات همین ادعا و با استناد به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران تدوین شده است که در ادامه و با بررسی آرای مفسرین اسلامی، به آن پرداخته خواهد شد.

درباره موضوع تفسیری آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) از منظر تفاسیر فریقین، اگر چه مفسران مطالبی را در ذیل آیه نگاشته‌اند و میراث گران‌بهایی به یادگار گذاشته‌اند؛ اما تا آنجا که بررسی شد، در این زمینه محمد جواد فلاح، مقاله‌ای تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مرباطه» در پیوند با امام عصر^(ع) با محوریت این آیه نگاشته است، ولی در زمینه مفهوم بیداری از نگاه فریقین با توجه به این آیه شریفه، کتاب یا مقاله‌ای مستقلاً به این موضوع نپرداخته است.



۱. مفهوم شناسی

۱-۱. بیداری

یقظه در لغت به معنای بیدار شدن از خواب یا «انتباه من النوم» و توجه است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷: ۴۶) غفلت ضدّ یقظه و توجه است. امام علی^(ع) در نهج البلاغه خطبه ۱۵۱ فرمود: «وَاسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ؛ از غفلت بیدار شو». (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ۵: ۱۱) تفسیر البعث علی سبعة أوجه الإلهام «الإحياء» فی الدنيا، الیقظة من النوم، التسلیط، الإرسال، البیان و التّصب، التّشور من القبور. (دامغانی، ۱۴۱۶، ۱: ۱۵۰) در همین راستا «ایقاظ» مصدر «أيقظ» به معنای بیدار کردن فردی از خواب است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۹) در مقابل آن «رُقُود» جمع «راقد» به معنای خفته آمده است. این واژه تنها یک بار در قرآن مجید به کار رفته و معنای دیگری برای این واژه با عنوان فطن و زیرک نیز بیان شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷: ۴۶) «یقظه» اول به ظهور نور حیات حقیقی در دل بنده نیازمند است، به جهت مشاهده پرتو نور تنبّه الهی که مبدأ و منشأ کشش است. (انصاری، ۱۴۱۷: ۳۵ - ۳۶)

بعضی از عارفان، آن را یکی از منازل آغازین سیر و سلوک دانسته‌اند. لذا در اصطلاح عرفان اسلامی، بیداری از خواب غفلت و توجه به اعمال و کردار گذشته، برای جبران خطاها و جهت‌گیری‌های صحیح در آینده است. (مطیع و دیگران، ۱۳۹۲) لویس معلوف به «نُهوض شَعْب» به معنای ظهور مردم اشاره می‌کند که به معنای واقعی انجام صحیح مسئولیت که همان خودآگاهی است که نقطه مقابل غفلت است. (معلوف، ۲۰۰۰: ۱۴۵۷)

از نظر بیداران حقیقی عالم هستی، همه عالم در حال جابجایی، تغییر شکل، تبدیل و نو شدن است. انسان نیز به عنوان جزئی ارزشمند از این هستی، باید صیروت داشته باشد و به منظور دستیابی به کمال و ظهور زمینه‌های بالقوه و فعلیت استعدادها، باید از نظر باطنی سفر کند. اولین منزل سفر باطنی به سمت کمال، بیداری است؛ بیداری و تغییرات انفسی، بینشی، گرایشی و کنشی تا به اختیار خویش حرکت کرده و از محسوسات با خبر شود. انسانی که بر اساس فطرت توحیدی آفریده



شده، کمال‌خواه و حق‌طلب است و اگر حقایق هستی و دینی را به طور صحیح دریافت کند، حتماً می‌پذیرد. (قاسمی آرانی، ۱۳۹۲)

۱-۲. مسئولیت اجتماعی

مسئولیت (مَسْئُولِيَّة) از ماده «سأل يسأل سؤالا» و مصدر صناعتی از مَسْئُول است. مثلاً مسئولیة اخلاقية؛ یعنی «التزام الشخص بما يصدر عنه قولاً أو عملاً». یا «مسئولیة جماعیة؛ یعنی التزام تتحمّله الجماعة». (عمر احمد مختار، ۱۴۲۹، ۲: ۱۰۲۰) سؤال در لغت یعنی طلب و خواستن است و مسئول، به معنای پاسخ‌گو بودن و مورد بازخواست قرار گرفتن است. ارباب لغت، آن را مرادف با موظف بودن یا متعهد بودن به انجام امری می‌دانند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۴: ۴۴۷) سائل یعنی طالب، مسئول یعنی همان شخصی که جوابگوی مطلوب است و مسئولیت عبارت است از مطلوبی که مورد سؤال و بازخواست واقع می‌شود. (اسکی و دیگران، ۱۳۹۹)

اجتماع در لغت به معنای گردآمدن، تجمع، انجمن شدن، فراهم آمدن است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱: ۹۲) برخی از اندیشمندان، به مباحثی همچون تعهد باوری و مسئولیت‌شناسی پرداخته و جامعه انسانی را بر پایه انسجام گروه‌های اجتماعی استوار می‌دانند و به مسئولیت‌های اجتماعی، از جمله نیازهای مردم، ستم‌کشان، ستمگران، بدهکاران، مستضعفان، یتیمان، مشورت خواهان و... اشاره می‌کنند. (حکیمی، ۱۳۸۴: ۲۵) مسئولیت اجتماعی بیانگر احساس و عملی از انسان است که در چارچوب موقعیت‌ها و نقش‌های او به صورت آگاهانه و آزادانه نسبت به امور مختلف از جمله امور اجتماعی، از خود بروز می‌دهد و نیز از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش از تربیت آدمی است که می‌توان اثرات آن را به گونه‌ای همه‌جانبه در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فکر و غیره مشاهده کرد. (سبحانی نژاد، ۱۳۷۹) دغدغه‌مندی، تعهد داشتن به صورت آگاهانه نسبت به امور اجتماعی که از انسان به عنوان جزء از کل اجتماع را می‌توان مسئولیت اجتماعی نامید.

۳-۱. مرابطه

ربط در لغت به معنای بستن و محکم کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷: ۳۰۲) ملازمه ثغر العدو، یعنی ماندن در شکاف دشمن. به شخصی که در مرزها حاضر شده و از تمامیت کشور اسلامی محافظت می‌کند، «مرباط» گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۷: ۴۲۲) «فَالْمُرَابَطَةُ ضَرْبَانِ: مُرَابَطَةٌ فِي ثُغُورِ الْمُسْلِمِينَ وَهِيَ كِمُرَابَطَةِ النَّفْسِ الْبَدَنِ، فَإِنَّهَا كَمَنْ أَقِيمَ فِي ثُغْرٍ وَفُوضَ إِلَيْهِ مِرَاعَاتُهُ، فَيَحْتَاجُ أَنْ يَرَاعِيَهُ غَيْرَ مُخَلٍّ بِهِ وَذَلِكَ كَالْمُجَاهِدَةِ». (راغب، ۱۴۱۶: ۳۳۸) این که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...». (انفال: ۶۰) در اینجا، رباط مصدر به معنای مربوط است؛ یعنی بسته شده، یا جمع «ربيط» است و به همان معنا، ولی استعمال آن در اسب‌هایی که برای جهاد بسته می‌شوند، غلبه پیدا کرده است. (ریاضی، ۱۳۷۲، ۶: ۷۱) بنابراین «رباط الخيل» به معنای اسب‌هایی است که برای جنگ آماده شده است. مرابطه هم از ریشه «ربط» است که به باب مفاعلة رفته و به معنای مواظبت کردن (از طریق بستن و منع کردن) است. (فیومی، ۱۴۲۸، ۲: ۲۱۵) «رباط» نیز مصدر «ربط» است که به همان معنای بستن می‌آید. در اصطلاح فقها رباط و مرابطه به وقتی گفته می‌شود که عده‌ای برای مراقبت از مرزها و مراقبت از تحرکات دشمن در آن سوی مرزها در آن مناطق حاضر شوند و اگر در آنجا برای مدتی ساکن شوند، به آنان «مرباط» گفته می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۰، ۲: ۳۸۵)

۴-۱. المصابرة

«صَابِرُوا» به صبر دسته‌جمعی دلالت دارد. در آیه مورد بحث آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا». معنای آیه چنین می‌شود ای مؤمنان از حیث فرد و عموم خویشتن دار باشید و میان خویش رباط ایجاد کنید. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ۳: ۴۷) باب من الصبر ذکر بعد الصبر علی ما یجب الصبر علیه، تخصیصاً لشدته و صعوبته و رَابِطُوا و أَقِيمُوا فی الثُّغُورِ رَابِطِينَ خیلکم فیها، مترصدین مستعدین للغزو. قال الله عز وجل: «وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ». (زمخشری، بی‌تا، ۱: ۴۶۰)



۲. شان نزول آیه

محمد بن ابراهیم النعمانی بعد از هفت واسطه از امام محمدباقر^(ع) و ایشان از پدر بزرگوارش امام علی بن الحسین^(ع) روایت کند که عبدالله بن عباس کسی را نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از او سؤال کند. امام زین العابدین^(ع) در خشم شد و به شخص سائل فرمود: «خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده، مواجه می‌شدم تا به خودش می‌گفتم. سپس فرمود: این آیه درباره ما اهل البیت^(ع) و پدرم نازل شده است و از این به بعد دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم، جز از نسل او نمی‌تواند باشد. منظور امام خلفاء بنی عباس بوده‌اند که از نسل عبدالله بن عباس بوده و نسبت به آل محمد و ائمه اطهار^(ع) دشمنی فراوان ابراز داشتند. ابوذر از رسول خدا^(ص) نقل کند و گوید: پیامبر به من فرمود «ای ابوذر آیا می‌دانی این آیه چرا نازل شده است؟ ابوذر گفت: نه یا رسول الله. فرمود: درباره انتظار نماز بعد از به جای آوردن هر نمازی نازل شده است.» نیز ابوالطفیل از امام باقر^(ع) روایت کند که فرمود: «این آیه درباره ما اهل البیت^(ع) نازل شده است و دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم. از خود ما خواهد بود (منظور امام خلفای عباسی بوده که از نسل عباس عموی پیامبر بوده‌اند). (تفسیر عیاشی) حسین بن مساعد از طریق مخالفین نقل و روایت کند که این آیه درباره رسول خدا^(ص) و امام علی مرتضی^(ع) و حمزه سیدالشهداء نازل گردیده است. (محقق: ۱۷۷)

۳. رابطه ایمان و بیداری

خداوند متعال به همه موجودات بر اساس ظرفیت وجودی آنها، بهره‌ای از نور خود عطا می‌کند که این نور قابل کم و زیاد شدن است؛ یعنی انسان در صورت داشتن ایمان و انجام اعمال صالح نور آنها زیادتر شده و به خداوند نزدیک‌تر شده و از ظلمات بیرون می‌آیند و به سمت نور حرکت می‌کنند و به قرب الهی می‌رسند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبَيَّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ (طلاق: ۱۱) پیامبری که آیات روشن‌گر



خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون برد». تلاوت آیات الهی آن‌ها را از تاریکی‌های کفر و جهل و گناه و فساد و اخلاق بیرون آورده و به سوی نور ایمان و توحید و تقوا رهنمون می‌سازد. (مکارم، ۱۳۷۸، ۵: ۲۱۹) گاهی اوقات، محیط اطراف انسان در غفلت و بی‌توجهی است. این غفلت‌ها همه از کفر برخاسته است و زمانی که غفلت شکل گرفت تا حد اشتغال به غیر و کفر پیش می‌رود. «ذَرُّهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ»، درحالی‌که در محیط ذکر و توجه که همراه با تنبّه و بیداری است، انسان از خودش شرم‌منده می‌شود و در آینهٔ چهره و حضور دیگران، بخل و کوتاهی خودش را می‌بیند. (صفای حائری، ۱۳۸۶: ۷۶)

ملاصدرا در موضوع ایمان می‌گوید: «بدان که ایمان و سایر مقامات دینی و معالم شریعت سیدالمرسلین^(ص) منحصراً در سه امر تنظیم یافته است: معارف، احوال و اعمال. اما معارف، اصول دین است که احوال را نتیجه داده و احوال نیز اعمال را بر جای می‌گذارد. مراد از معارف، علم به خداوند: فات و افعال او، کتب الهی رسولان و روز رستاخیز است و مراد از احوال، دا شدن و بریدن از غرائز و آلودگی‌های نفسانی از قبیل شهوت، غضب، حب و دوستی دنیا، اه و مقام است و مراد از اعمال نیز انجام دادن واجباتی است که خداوند به آن فرمان داده و همچنین ترک محرماتی که خداوند متعال انسان را از انجام آن نهی فرموده است». (خادمی، ۱۳۹۳)

ایمان علم به اصول ایمانی ذکر شده در بالا است و تا وقتی که انسان به این اصول، معرفت پیدا نکرده است، نمی‌تواند ادعای ایمان کند. (فخر رازی، ۱۳۶۲) در قرآن کریم آمده است: «قسم به آنچه می‌بینید و آنچه نمی‌بینید». (حاقه: ۳۸-۳۹) این آیات بیان‌کننده عالم شهادت (آنچه می‌بینید) و عالم غیب (آنچه نمی‌بینید) هستند. پس متعلق ایمان، عالم غیب است که مرز میان شخص مؤمن و غیر مؤمن را مشخص می‌کند و اگر غیب را از متعلق بودن ایمان حذف کنیم، چیزی نمی‌ماند تا به آن ایمان آورده شود. (خادمی، ۱۳۹۳)

انسان مانند برخی از جانداران دیگر، اجتماعی آفریده شده است. زندگی سالم

اجتماعی آن است که افراد، ارزش‌های اخلاقی را محترم بشمارند، با یکدیگر مانند اعضای یک پیکر، متحد و متفق باشند. آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد، شجاعت مقابله ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۷) در رابطه با نسبت ایمان با اخلاق و عدالت نیز گفتنی است که «ایمان آرامش دهنده روح و روان و ضامن قدرت قانون و عدالت است». (مطهری، ۱۳۸۶: ۶: ۱۱۹) در موضوع مسئولیت، مسئولیت زمانی مفهوم پیدا می‌کند که در هستی، خدایی و حکمتی و شعوری باشد. مسئولیت رابطه‌ای مستقیم با شناخت‌ها و با شناخت حکمت و شعور در هستی دارد. انسان از راه درک شعور در خود، شعور حاکم بر هستی را می‌فهمد و بر اساس قدرها، حد و اندازه خود، حقوق و قوانین را به وجود می‌آورد. (صفایی حائری، ۱۳۸۲: ۳۰۹) اسلام به‌راستی و در زبان عمل، نه زبان گفتار، به انسان‌ها می‌اندیشد و تأمین نیازهای انسانی را فوری‌ترین و تکلیفی‌ترین مسئولیت مدیران و زمامداران لایق می‌شناسد و هرگونه سستی و کوتاهی را از هرکسی و مقامی به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرد و فریاد «لَيُقَوِّمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» سر می‌دهد. (حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۲۰)

۴. اقوال مفسرین اهل سنت در تفسیر آیه مورد بحث

۴-۱. میدی: کشف الاسرار و عدة الابرار

صبر این آیه ۲۰۰ سوره آل عمران به برگزاری احکام شرع، فرمان‌های حق و بر مقاسات انواع بلا که به اراده و تقدیر حق به بنده رسد که حقیقت آن ترک شکوی است. وَ صَابِرُواْ در قتال مشرکین و کوشیدن در دین حق و نصرت مسلمانان است. وَ رَابِطُواْ معنی «مربطه» آن است که لشکر مسلمانان در ثغره‌های کفار اسبان ساخته دارند، بر آخرها بسته تا اذای کفار از مسلمانان بازدارند و نصرت دین اسلام را



بکوشند. از ربط گرفته‌اند و معنی «ربط» بستن است و استوار کردن، وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ اَیْنَ است. پس هرکسی که در ثغر نشیند و دین اسلام را به پا دارد، با قامت حرب یا به اظهار حجّت، او را «مرابط» گویند. (میبدی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۹۴) ثَغْر (به فتح ثاء) به معنای مرز است. چنان‌که در لغت، آمده است: «الثغر: من البلاد الموضع الذی یخاف منه هجوم العدو». (فیومی، ۱۴۲۸، ۱: ۴۷) در نگاه میبدی، در دفاع از مرزهای اسلام، کوشیدن و به نصرت دین اسلام شتافتن است که با ایمان واقعی که به شناخت و بیداری می‌انجامد، مؤمن را به نصرت دین اسلام ترغیب کرده و با انجام صحیح مسئولیت اجتماعی خوی، حتی بدون مرکب و خیل بپا می‌خیزد.

۲-۱. فخر رازی: مفاتیح الغیب

فخر رازی بعد از اشاره به اصول و فروع دین و تکالیف، به جمیع آداب اشاره می‌کند که بر دو قسم است: «و ذلك لأن أحوال الإنسان قسمان: منها ما يتعلق به وحده و منها ما یكون مشترکا بینه و بین غیره، أما القسم الأول فلا بد فیه من الصبر و أما القسم الثانی فلا بد فیه من المصابرة. أما الصبر فیندرج تحته أنواع: أولها أن یصبر على مشقة النظر و الاستدلال فی معرفة التوحید و العدل و النبوة و المعاد و على مشقة استنباط الجواب عن شبهات المخالفین و... (فخر رازی، ۱۳۷۹، ۹: ۴۷۴) صبر در این آیه در نگاه فخر رازی؛ در مشقت استدلال‌ات در شناخت توحید، عدل، نبوت و معاد و در پاسخگویی به سؤالات و شبهات مخالفین است و أما المصابرة فهی عبارة عن تحمل المکاره الواقعة بینه و بین الغیر و یدخل فیه تحمل الأخلاق الردیة من أهل البيت و الجیران و الأقارب و یدخل فیه ترک الانتقام ممن أساء إلیک و قال: وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (فرقان: ۷۲) و یدخل فیه الإیثار على الغیر كما قال: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، (حشر: ۹) و... و یدخل فیه الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، فان المقدم علیه ربما وصل الیه بسببه ضرر و یدخل فیه الجهاد فانه تعريض النفس للهلاک و یدخل فیه المصابرة مع المبطلین و حل شکوکهم و الجواب عن شبههم و الاحتیال فی إزالة تلك الأباطیل عن قلوبهم و... ((فخر رازی،



۱۳۷۹، ۹: ۴۷۴) در نگاه ایشان، حل کردن شکوک دیگران و پاسخشگویی به شبهات و تقلب در زدودن آن باطل‌ها از دل آن‌ها است... و ذلك هو المراد بالمرابطة وأما قوله: وَ رَابِطُوا فِيهِ قَوْلَانِ: الأول: أنه عبارة عن أن يربط هؤلاء خيلهم في الثغور و يربط أولئك خيلهم أيضاً، بحيث يكون كل واحد من الخصمين مستعداً لقتال الآخر، قال تعالى: «وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (الأنفال، ۶۰) الثاني: أن معنى المرباطة انتظار الصلاة بعد الصلاة. ((فخر رازی، ۱۳۷۹، ۹: ۴۷۵)

اسلام همواره دم از حیات و زندگی می‌زند، می‌گوید این پیغمبر برای شما حیات و زندگی آورده است. زندگی یعنی بینایی و توانایی. به هر درجه که بینایی و توانایی بیشتر شود، حیات بیشتر است. وقتی نور فطرت در انسان خاموش شد، او تبدیل به یک موجود مرده می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۴: ۵۹) در مسیر شناخت حق و در مواجهه و رویارویی شبهات باید تمام سعی و تلاش خود را بکار گرفت و در خط مقدم جبهه، برای تبیین صحیح باورهای دینی و از بین رفتن ثغور و شکاف‌های ایجاد شده، با تمام توان همراه با روشنگری، بصیرت‌افزایی و آگاهی بخشی نسبت به عملکرد دین‌باوری، یاری دین و توجه به جایگاه دین در حکومت‌داری در راستای خدمت صادقانه، قدم برداشت و میدان جهاد را مدیریت کرد. خداوند خود را به‌عنوان اولین مبین «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶) پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان دومین «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ» (نحل: ۴۴) و ائمه (ع) را سومین «وَيَبَيِّنُ فَرَائِضَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳) تبیین‌کننده فرائض معرفی می‌کند و در جایگاه بعد، عالمان، اندیشمندان و صاحبان اندیشه و سایر مردم در قبال تبیین، مسئولیت دارند که این تبیین، لوازمی هم چون سرعت، فرصت، شفافیت، معرفت خدا، لزوم دشمن‌شناسی، شناخت حق و باطل و اطاعت الهی از لوازم ایمان است که بیداری و حضور به‌موقع در صحنه اجتماعی و تبیین درست و به‌هنگام در مسیر ناکام‌سازی دشمن را به همراه خواهد داشت. علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ؛ آن‌که به خواب رود بداند که دشمن او نخواهد است». (نهج البلاغه، نامه ۶۲)



۴-۱. ابن عربی: تأویلات عبدالرزاق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا لِلَّهِ وَصَابِرُوا مَعَ اللَّهِ وَرَابِطُوا بِاللَّهِ؛ أى اصبروا فى مقام النفس بالمجاهدة و صابروا فى مقام القلب مع سطوات تجليات صفات الجلال بالمكاشفة و رابطوا فى مقام الروح ذواتكم بالمشاهدة حتى لا يغلبكم فترة أو غفلة أو غيبة بالتلويينات وَ اتَّقُوا اللَّهَ فى مقام الصبر عن المخالفة و الرياء و فى المصابرة عن الاعتراض و الامتلاء و فى المراقبة عن البقية و الجفاء لكى تفلحوا الفلاح الحقيقى السرمدى الذى لا فلاح وراءه، إن شاء الله. (كاشانى، ۱۳۹۳، ۱: ۱۳۵)

صبر در مجاهدت با نفس و صبر در كشف مظاهر جلالت الهى و پیوند خوردن به مشاهده و در عین حال دورى از غفلت و صبر در پرهیز از نافرمانى و نفاق و استقامت و خودشکوفایی که در پس بیدارى رقم خواهد خورد و با استقامت و مجاهدت همراه شده و مسئولیت اجتماعى را رقم خواهد زد.

در معانى الاخبار، ذیل آیه شریفه آمده است: «فرموده اصبروا؛ يعنى در مصائب صبر كنيد و صابروا يعنى بر دشواری های فتنه صبر كنيد، و رابطوا يعنى بر اطاعت كسى كه بدو اقتدا می كنيد استوار باشید؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۳۶۹) يعنى تك تك شما بر دين خود صبر كنيد، دسته جمعى بر دفع دشمن صبر كنيد و با امام خود رابطه ای استوار داشته باشید. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱: ۲۱۲) قریب به این معنا از طرق اهل سنت از رسول خدا (ص) نیز نقل شده است. (سیوطی، ۱۴۱۴، ۲: ۱۱۴) و در كافى از امام صادق (ع) روایت آورده كه در معنای جمله اول فرموده: «بر انجام واجبات صبر كنید» و در معنای جمله دوم فرموده: «بر مصائب صبر كنید» و در معنای جمله سوم فرموده: «بر امان خود صبر كنید»؛ يعنى اطاعت آنان را گردن نهد. (كلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۸۱)

مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیتها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است، دست به دست هم دهد تا تأثیر صبر بیشتر گردد؛ باعث می شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود و این همان انجام

صحیح مسئولیت اجتماعی است. وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شداید و همین وصل کردن نیروها؛ اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی که این صبر، مصابره و رابطه باید همراه با تقوای الهی باشد تا جامعه مسلمانان را به سعادت حقیقی برساند. (طباطبایی، ۱۳۴۵، ۴: ۱۵۶)

۵. اقوال مفسرین شیعه

۱- ۵. شیخ طوسی: التبیان فی تفسیر القرآن

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌گوید:

اختلفوا فی تأویل هذه الآية، فقال قوم: معنی اثبتوا علی دینکم و صابروا الکفار و رابطوهم یعنی فی سبیل الله ... و قال آخرون: معناها اصبروا علی دینکم و صابروا الوعد الذی وعدتکم به و رابطوا عدوی و عدوکم؛ در تفسیر این آیه اختلاف کردند و برخی گفتند «اصبروا» این است که در دینت ثابت قدم باش و بر کفار شکیبایی بر آنان صبر کن؛ یعنی در راه خدا. ... دیگران گفتند بر دینت شکیبایی کن «و شکیبایی کن» وعده‌ای که به شما وعده دادم: «و با دشمنم و دشمنت پیوند بزن». خداوند در سوره فصلت آیه ۳۰ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»؛ بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد. در حدیث دیگری از پیغمبر گرامی اسلام^(ص) می‌خوانیم که این آیه را تلاوت فرمود، سپس افزود: «قَدْ قَالَهَا نَاسٌ، ثُمَّ كَفَرُوا أَكْثَرُهُمْ، فَمَنْ قَالَهَا حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ مِمَّنْ اسْتَقَامَ عَلَيْهَا»؛ گروهی این سخن را گفتند، سپس اکثر آنها کافر شدند، اما کسی که این سخن را بگوید و همچنان به آن تداوم دهد تا مرگش فرارسد، او از کسانی است که بر آن استقامت کرده». (طوسی، بی‌تا، ۹: ۱۷)



و أصل الرباط ارتباط الخيل للعدو و الربط الشد و منه قولهم ربط الله على قلبه بالصبر، ثم استعمل في كل مقيم في ثغر يدفع عمن وراء من أرادهم بسوء (طوسی، بی تا، ۳: ۹۵) و روی عن أبی جعفر^(ع) انه قال اصبروا على المصائب و صابروا على عدوكم و رابطوا عدوكم. از ابو جعفر^(ع) روایت شده است که فرمود: در مصیبت‌ها شکیا باش و پیشی بگیر. در برابر دشمنت صبور باش و از دشمنت حمایت کن. «منشأ بند بستن اسبان به دشمن است و بند محکم است و از آن قول آن‌ها است: خداوند قلبش را به شکیبایی بست، ... پشت سر کسانی که به آن‌ها ضرر می‌خواهند. از ابو جعفر^(ع) روایت شده است که فرمود: در مصیبت‌ها شکیا باش و پیشی بگیر. در برابر دشمنت صبور باش و از دشمنت حمایت کن.» صبر در دین‌داری و دین‌یاری که دین‌یار بودن برمدار انجام درست مسئولیت اجتماعی افراد جامعه صورت خواهد گرفت.

۲-۵. طبرسی: مجمع البیان

ربط: شد و بستن و بعداً برای هرکسی که در حصاری پناه گیرد و در آن از دشمنان بیرون حصار دفاع کند استعمال شده است. رباط: به‌صف کردن و آماده نمودن اسبان برای مقابله با دشمن. اینکه خداوند پس از بیان حال مؤمن و کافر، مردم را بر صبر بر طاعت و جهاد در راه خدا می‌خواند. (طبرسی، ۱۳۵۰، ۴: ۳۹۹) بر دین خود صبر کنید؛ یعنی ثابت بمانید و با کفار صبوری کنید و در راه خدا با ایشان لشکرکشی کنید؛ صبر بر طاعت خدا و ترک معاصی و با جنگ در برابر دشمن. بر قتل ایشان در راه حق صابر باشید چنانکه ایشان در راه جنگ بر باطل صابر هستند و لفظ «صابروا» از باب مفاعله برای این است که بین طرفین و دو نفر است (شما صابر باشید در جنگ با ایشان چنان که ایشان در جنگ با شما صابرند).

صبر بر جهاد کنید و رابطوا؛ یعنی برای نمازها یکی‌یکی آماده و منظم شوید. از پیغمبر اکرم^(ص) روایت است که درباره بهترین اعمال از حضرت سؤال کردند، فرمود: «کامل و خوب وضو گرفتن در بامدادان در هوای سرد و به نماز جماعت رفتن و انتظار نماز بعد از نماز و این رباط است». از حضرت باقر^(ع) روایت شده که اصبروا؛ یعنی

بر مصائب شکبیا باشید و صابروا؛ یعنی در برابر دشمن پافشاری کنید و رابطوا؛ یعنی به جلوی دشمن لشکرکشی کنید. «صابروا» شامل چیزهایی است که در برابر دیگری باید انجام دهد؛ مثل جهاد با دشمن و مهم‌تر از آن جهاد با نفس و «رابطوا» شامل دفاع از مسلمین و دین می‌شود. جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ» شامل پرهیز از همه معاصی و محرّمات و عمل به همه اوامر و واجبات است و سپس پشت سر این اعمال و امور فلاح و نجات و رستگاری است. رباط به معنای رابطه از باب مفاعله بین الاثنین است؛ یعنی هر قدر و به هر شکل که ایشان برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند، شما نیز برای جنگ با ایشان فراهم نمایید مثل آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». (طبرسی، ۱۳۵۰، ۴: ۴۰۰) و بر وعده من شکبیا باشید و با دشمنان من بقتال پردازید.

۳-۵. علامه طباطبایی: تفسیر المیزان

در این آیه چندین امر آمده؛ اصبروا، صابروا، رابطوا، اتقوا. صبر بر شدائد که شامل صبر در اطاعت خدا و همچنین صبر بر ترک معصیت و صبر تک‌تک افراد را شامل می‌شود. به دنبال آن صبر را به صیغه مفاعله - صابروا آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۴) مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است، دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر شده و تک‌تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کرده و همه نیروها یکی شود.

«رابطوا» که از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت است از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» که به فلاح حقیقی دست‌یافت. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى، وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله‌تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید». (حجرات: ۱۳) و آیه: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (زخرف: ۳۲) ماییم که معیشتشان را در بینشان (در زندگی دنیا) تقسیم



کردیم و بعضی را به درجاتی مافوق بعضی دیگر قرار دادیم تا بعضی، بعضی دیگر را مسخر خود کنند. (همان، ۴: ۱۴۸) کمال مادی و معنوی اجتماع انسانی را در سامان بیشتر در اجتماع و خصائصی که به نحوی با نیروی علم و اراده در ارتباط هستند، می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۶) که ضامن اجتماع صالح می‌گردد.

دین اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و احکامش را در قالب‌های اجتماعی ریخته و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۹) آیاتی هستند که به تشکیل اجتماعی خاص، یعنی خصوص اجتماع اسلامی بر اساس اتفاق و اتحاد و به دست آوردن منافع و مزایای معنوی و مادی آن، اشاره می‌کند؛ مانند آیه: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». (آل عمران: ۱۰۴) «باید از شما مسلمانان جمعیتی باشند که به‌سوی خیر دعوت نموده امر به معروف و نهی از منکر کنند». (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۵۱) قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعائر دینی و حدود آن کرده و... اهتمام به امر اجتماع در حکومت و نظام اسلامی بیش از هر نظام دیگر است و باید ضمانت اجرایی داشته باشد. صلاحیت اسلام و حکومت اسلامی را برای هدایت مردم به‌سوی سعادتشان و پاکی حیاتشان، ثابت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۶۱) خداوند در آیه سوم سوره عصر، به سفارش یکدیگر به رعایت حق اشاره می‌کند. در تفکر اجتماعی در جامعه، خیر و شر، فساد و صلاح، تقوا و فجور، نیکی کردن و بدی کردن، یک‌یک آن‌ها در خیر و شر مجتمعشان اثرگذار است و جامعه دارای شخصیتی واحد می‌گردد و ضمانت اجرایی آن را در درجه اول به عهده حکومت اسلامی و در درجه دوم به عهده افراد جامعه است تا با تربیت صالحه علمی و عملی، تعلق گرفتن اراده انسان‌ها و با داشتن حق امر به معروف و نهی از منکر در کار حکومت نظارت کنند و این همان، روح توحید است. (همان، ۱۳۷۸، ۴: ۱۷۳)

در لغزش‌ها و خطرهایی که انسان را از زندگی توحیدی دور می‌کند، بیداری می‌تواند او را از خطرات حفظ کند و قادر به تشخیص خوبی‌ها و بدی‌ها خواهد بود

و خدا را دانای به احوال خود و حفیظِ نفس می‌داند و به‌عنوان جزئی از این عالم، دارای اعضا و قوایی است و درعین حال که خود دگرگون نمی‌شود، مانع از توقف اجتماعات بشری از ترقی، تعالی و رکود می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۲) دین با صبغه و روش اجتماعی، مردم را به قبول آن واداشته و اقامه دین را از عموم مردم خواسته، پس اختیار مجتمع را به دست خودشان داده است. همه در مسئولیت امر جامعه برابرند و این برابری از آیه زیر به خوبی استفاده می‌شود: «أَنْتَ لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران: ۱۹۵) چون اطلاق آیه دلالت دارد بر تأثیر طبیعی که اجزای جامعه اسلامی در اجتماع دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۴)

از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها میان حکومت اسلامی و رژیم دموکراسی این است که در حکومت‌های دموکراسی از آنجاکه اساس کار، بهره‌گیری مادی است، قهراً روح استخدام غیر و بهره‌کشی از دیگران در کالبدش دمیده شده است. این همان استکبار بشری است که همه‌چیز را تحت اراده انسان حاکم و عمل او قرار می‌دهد. حتی انسان‌های دیگر را و به او اجازه می‌دهد از هر راهی که خواست، انسان‌های دیگر را در خدمت خود بگیرد و بدون هیچ قید و شرطی بر تمامی خواسته‌ها و آرزوهایی که از سایر انسان‌ها دارد، مسلط باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۵) پس دعوت به خیر با تلقین و تذکرش باعث ثبات و استقرار عقاید حقه در دل‌ها می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر موانعی را که نمی‌گذارد عقاید حقه در دل‌ها رسوخ کند، از سر راه برمی‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۲۰۴)

۶. بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی

شخص بیدار و با بصیرت، مقدار تأثیر دعوت خود در دل‌ها را و میزان مسئولیت اجتماعی خود را در دیگران و اشخاص مختلف که دعوت او را می‌شنوند، می‌داند که تا چه حد تأثیر می‌گذارد. در نتیجه همه مردم را به یک‌زبان دعوت نمی‌کند، بلکه با زبان خود او دعوت می‌کند تا در دل او اثر بگذارد. در حالی که سم‌پاشی و تشویش اذهان و افکار جوانان و پوشاندن چهره تابناک اسلام و منحرف ساختن جوانان با



عناوین فریبنده و رنگارنگ، از مهم‌ترین آسیب‌های فکری بود که توسط رژیم پهلوی [در ایران] رقم می‌خورد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۲: ۴۳۶) و این ظرفیت انسان‌ها را نشان می‌دهد که در جای دیگر و در زمان دیگر، قابل رقم خوردن است. بر این اساس برای حفظ پشتیبانی‌های مردمی بایستی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین که وظیفه سنگین‌تری دارند، این مهم را برای مردم تبیین کنند که در کجای راه قرار دارند و ایشان را آگاه و با بصیرت نگه‌دارند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

شیخ حر عاملی در تفسیر آیات ۶۷ و ۷۸ آل عمران اشاره می‌کند که این آیات دلالت می‌کند بر اینکه جامعه مسلمین باید بر سر معارف دین، اجتماع داشته باشند و افکار خود را به هم پیوند داده [با حرکت صحیح در مسیر انجام درست مسئولیت اجتماعی] و محکم کنند. در تعلیم و تعلّم به هم درآمیزند تا از خطر هر حادثه فکری و هر شبهه‌ای که از ناحیه دشمن، القا می‌شود به وسیله آیاتی که برایشان تلاوت می‌شود راحت گردند. تدبیر در آن آیات، ریشه هر شبهه و هر مایه اختلافی را می‌خشکاند. هرگونه ضرری در اسلام ممنوع شمرده شده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ» (حرعاملی، ۱۳۶۸، ۲۶: ۱۴)

فتنه در دین؛ یعنی این که کسانی تلاش کنند به شیوه‌های شیطانی و با القای شبهه‌های فکری و اعتقادی، باورهای دینی مردم را متزلزل و مضطرب کنند. این فتنه‌گری در دین یکی از خطرناک‌ترین شیوه‌های مبارزه با اسلام و معارف اسلامی است و دشمن در شیوه‌های فتنه‌گری معمولاً از طریق سلاح‌های نرم و به شیوه مسالمت‌آمیز و از راه قلم و رسانه می‌کوشد تا افکار و اندیشه‌های مسلمانان را به انحراف بکشانند و خود را در چهره دوست و به‌عنوان خیرخواه مسلمانان معرفی کند. (ذوالفقاری و جاوری، ۱۳۹۱) سران فتنه با ترفندهای مختلف و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و با بهره‌برداری از نفوذی که در افکار عمومی دارند و بعضاً با استخدام چهره‌های موجه و مقبول سیاسی، اجتماعی و دینی تلاش می‌کنند امور باطل را حق جلوه دهند. ثمره شبهه این است که حق و باطل را بر مردم مشتبه می‌کند. (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۳، ح ۹۱۰۱)

بهترین راهی که بتوان به وسیله آن امر جامعه را تدبیر و اداره کرد، انجام صحیح مسئولیت اجتماعی تک تک آحاد جامعه است؛ زیرا هم در تکامل فکری را بر روی جامعه باز گذاشته می شود و هم شخصیت جامعه و حیات او را از خطر اختلاف و فساد حفظ می کند. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) «خدای تعالی هیچ نعمتی را که به قومی داده دگرگون نمی سازد تا زمانی که خود آن قوم خویشان را تغییر دهند. وعده خداوند است که «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»، «عاقبت برد با تقوا و اهل تقوا است». (طه: ۱۳۲) انسان به آن فطرتی که در او به ودیعه سپرده اند، طالب سعادت حقیقی خویش است و سعادت حقیقی او این است که بر کرسی فرماندهی بر جسم و جان خویش مسلط شود، زمام حیات اجتماعی اش را به دست خویش بگیرد و این همان اسلام و دین توحید است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۲۰۹)

اولین باری که بشر متوجه منافع و مصالح اجتماع شد، زمان بعثت اولین پیامبر بود و انسان، به مصالح آن پی برد و درصدد حفظ آن مصالح برآمد. خداوند در قرآن می فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً، فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ، لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا». (بقره: ۲۱۳) اختلاف در بین افرادش پیدا شد و اختلاف هم به مشاجره و نزاع انجامید. لذا خدای تعالی انبیا را برانگیخت و با آنان کتاب فرستاد تا به وسیله آن کتاب اختلاف ها را برطرف کنند و دوباره به وحدت اجتماعی شان برگردانند و این وحدت را به وسیله قوانینی که تشریع فرموده، حفظ کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۷) و نیز در آیه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا، وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ، وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى، أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»، (شوری: ۱۳) می گوید که با این کلام خود خبر داده از اینکه رفع اختلاف از بین مردم و ایجاد اتحادشان در کلمه، فقط از راه دعوت به اقامه دین و اتحادشان در دین واحد، تحقق می یابد، پس تنها دین است که ضامن اجتماع صالح آنان است. امام حسین^(ع)، با قیام عاشورا به دفاع از اصول عالی اخلاقی و انسانی برآمد و به عنوان یک الگوی برجسته از بیداری و مسئولیت اجتماعی، مطرح گردید. توسعه هر چه بهتر روابط صحیح اجتماعی افراد یک جامعه، بستگی به تدوین و ارائه



تربیت اجتماعی بر پایه فرهنگ‌ها، عقاید، اهداف و سیاست‌های تربیتی آن جامعه دارد. حکمرانی اسلامی نظارت دقیق بر اجرای قوانین، مقابله جدی با مفاسد مختلف در درون نظام اداری و مملکتی حکمرانی اسلامی، مشارکت دادن برابر تمام افراد، گروه‌ها و اقلیت‌های قومی فارغ از هرگونه نگاه ایدئولوژی، تقویت نظام انگیزشی تشویق و رعایت شایسته‌سالاری در امر اداره حکومت می‌تواند کم‌توجهی و بی‌تفاوتی به مسئولیت‌های اجتماعی افراد در حکومت اسلامی رفع نماید. (بسطامی، ۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری

بیداری حقیقی انسان در عالم هستی همراه با صبرورت، شدن و ظهور زمینه‌های بالقوه و بالفعل استعدادها و بروز آگاهانه و آزادانه نقش‌ها و موقعیت‌های فردی و اجتماعی و حرکت به سمت کمال حقیقی است. تنها در این صورت می‌توان انسان را به‌عنوان جزئی از کل به حساب آورد و البته با نگاه معنوی، اشرف این کل. معیارهای این اشرفیت و بیداری مخصوصاً در حوزه حکمرانی اسلامی، موارد ذیل است که به عنوان جمع‌بندی و نتیجه این تحقیق ارائه می‌گردد:

۱. باور توحیدی و ایمان متعهدانه و مسئولیت‌آور که به حرکت از ظلمات به سمت نور می‌انجامد. ارتباط مستقیم با مسئولیت‌ها، نه تنها باعث هوشیاری و ویژه‌ای در امور دینی می‌شود، بلکه به مشارکت فعال در امور اجتماعی تشویق می‌کند که مسئولیت افراد را در ساختار اسلامی به‌عنوان بخش اساسی حکمرانی اسلامی گوشزد می‌کند.

۲. ایمان آگاهانه همراه با بیداری، منتج به صبر فردی و جمعی، بیداری اجتماعی، تقویت ارتباطات مثبت، اجرای صحیح مسئولیت اجتماعی و کوشیدن در مسیر دین حق و دفاع از مرزهای اسلام در خط مقدم می‌گردد.

۳. این آیه در دیدگاه هر دو جریان شیعه و سنی، بر صبر و پایداری در اجتماع و تحمل مسئولیت‌های اخلاقی و با ورود در حیطه پاسخ‌گویی به شبهات مخالفین و حل شکوک دیگران، تبیین صحیح باورهای دینی و از بین بردن شکاف‌های ایجاد شده همراه با روشنگری و آگاهی بخشی و تحمل اذیت‌ها و شدائد دیگران تأکید دارد.



۴. ایمان و بیداری به صبر در تحمل مسئولیت‌های اجتماعی و در مجاهدت با نفس، صبر، استقامت، خودشکوفایی و ورود صحیح به حیطه امر به معروف و نهی از منکر، بهبود احوال اجتماعی و رسیدن به سعادت حقیقی منتهی می‌گردد.
۵. حکمرانی اسلامی با توجه به صلاحیتی که دارد، به تربیت حکیمانه افراد صالح علمی و عملی، آمادگی برای مواجهه با دشمن، هدایت مردم به سوی سعادت، تأکید فراوان بر اتحاد و یکپارچگی جامعه اسلامی، اصل وحدت در چارچوب دستورات الهی (اصل تعاون) و گسترش روابط میان مسلمانان با هدف اتحاد که همان روح توحید است، مداومت دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۱)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اسکی، محمد شفی، (۱۳۹۹)، تحلیل حق و عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه های قرآنی، فصلنامه مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام.
۴. انصاری، خواجه عبدالله، (۱۴۱۷ق)، منازل السائرین، تهران: دار العلم.
۵. آذرنوش، آذرتاش، (۱۴۰۱ق)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
۶. بسطامی، عیسی؛ سیف اللهی، سیف الله؛ (۱۳۹۶)، تحلیل و تبیین جامعه شناختی استمرار احساس اجحاف و کم توجهی به مسئولیت های اجتماعی در ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۲
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۷۱)، الحیاة، (ترجمه: احمد آرام)، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۹. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، حکومت اسلامی از نظر قرآن و احادیث، قم: انتشارات علمی-فرهنگی الحیاة.
۱۰. خادمی، عین الله، ماجدی، قدسیه، (۱۳۹۳)، چستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا، مجله علمی فلسفه دین،
۱۱. دامغانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، الوجوه والنظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، قاهره: نشر مهوریه مصر العربیه.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.





۱۳. ذوالفقاری، شهاب‌الدین، جاوری، محمدجواد؛ (۱۳۹۱)، افشای طرح‌های ایجاد فتنه در قرآن، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، فروردین، دانشکده معارف قرآنی اصفهان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: الدار الشامیه.
۱۵. ریاضی، حشمت‌الله، (۱۳۷۲)، ترجمه بیان السعادة، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۶. زمخشری، جارالله، (بی‌تا)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن، (۱۳۹۳)، تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی، نشریه علمی وزارت علوم، سراج منیر، شماره ۱۶.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۴ق)، الدرالمشور فی تفسیر بالمأثور، بیروت: دارالفکر.
۱۹. صفایی حائری، علی، (۱۳۸۲)، مسئولیت و سازندگی، قم: انتشارات لیلة القدر.
۲۰. صفایی حائری، علی، (۱۳۸۶)، شرحی بر دعاهاى روزانه حضرت زهرا(س)، قم: انتشارات لیلة القدر.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۸)، المیزان فی تفسیر القرآن، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۳)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، (ترجمه: هاشم رسولی)، تهران: نشر فراهانی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. عاملی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشى: سید کلاتر)، قم: انتشارات داوری.
۲۵. عمر، احمد مختار، (۱۴۲۹ق)، معجم اللغة العربیة المعاصره، قاهره: عالم الکتب.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه.



۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۳۷۹)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، تهران: اساطیر.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۲۸ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت: المكتبة العصرية.
۲۹. قاسمی آرانی، ابوذر، (۱۳۹۲)، امام خمینی و بیداری اسلامی، جبل المتین، سال دوم، بهار، شماره ۲.
۳۰. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. کاشانی، عبدالرضا، (۱۳۹۳)، تاویلات قرآن حکیم، (ترجمه: هاشمی علیا، سید جواد)، تهران: نشر مولی.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. محق، محمد باقر، (۱۳۸۴)، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران: نشر اندیشه اسلامی.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۱۳ق)، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۴)، احیای تفکر دینی و علل دین گریزی، تهران: بینش مطهر.
۳۸. مطیع، مهدی؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ اسعدی، سوده، (۱۳۹۲)، بررسی مفهوم یقظه از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری با بهره گیری از قرآن کریم، نشریه علمی وزارت علوم مطالعات قرآن و حدیث.
۳۹. معلوف، لوئیس، (۲۰۰۰م)، المنجد اللغة العربیة المعاصره، بیروت: دارالمشر.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۲. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: نشر امیرکبیر.

دسته‌بندی نموداری درون‌مایه سوره‌های قرآن از فاتحه تا توبه

سید خلیل کوهی^۱

چکیده

سوره‌های قرآن فصل‌های جداگانه‌ای است که هر کدام درون‌مایه‌های متفاوت و گاهی مشابه دارد. هر سوره را می‌توان فصل‌های دانست که عنوان‌های متفاوتی در آن، جا گرفته باشد؛ اما جستارهای مطرح‌شده در سوره، به‌گونه‌ای با همدیگر مرتبط است. برای نمونه سوره بقره در نخست به پنج بخش، تقسیمات آدم‌ها از دید پرستش، ارج بندگی، پاسخ و حقیقت بندگی، شمولیت پرستش در بندگی، فروتنی کردن بنیاد بندگی تقسیم‌شده است که هر کدام از عنوان‌ها به زیرمجموعه‌های کوچک‌تر دیگری بخش شده است. ازجمله سوره‌های قرآن نه سوره از نخست تا نهم بنا به چیدمان مصحف در این نوشتار موردبررسی قرار گرفته است. از این سوره‌های نه‌گانه، سه سوره فاتحه، انعام و اعراف مکی و دیگر سوره‌ها مدنی است. در سوره مکی بخش باورها و داستان‌های پیامبران شماری از آیات را به خود اختصاص داده و در سوره‌های مدنی، دستورها جایگاه نخست را دارد. نام سوره‌ها بیشتر برگرفته از درون‌مایه‌ها داخل سوره‌ها است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سوره‌ها، درون‌مایه‌ها، دسته‌بندی، نموداری

۱. استاد دانشکده شرعیات دانشگاه بامیان، بامیان افغانستان.

ایمیل: kohl_khalil23@yahoo.com



مقدمه

قرآن کریم در ظرف بیست و سه سال برای راهنمایی آدمی به پیامبر اسلام (ص) نازل شده است. قرآن سخن خدایی است که لفظاً و معنا از سوی او فرستاده شده است. هیچ بشری نمی‌تواند همانند قرآن کتاب، سوره یا حتی دسته واژه‌ای بیاورد. از دید ادبی روش نوشتاری قرآن پراکنده است؛ یعنی جستارهای گوناگون و متفاوت را به گونه‌ای در یک آیه دسته‌بندی کرده است که گویا همه آن جستارها، یک جستار است و دارد به هسته یکدست واژه برمی‌گردد؛ روش قرآن قابل دنباله‌روی و پیروی نیست که نویسندگان بتوانند از آن پیروی کنند.

درون مایه‌ها قرآن دستورات و فرمایش آیینی الهی است که با بیانی، لمح‌های از گذشته بشریت مخصوصاً پیامبران الهی، سرگذشت مردمان گذشته، درخشش‌های دانشورانه، سیاسی، مردمی، اقتصادی و دیگر بخش‌ها گره‌خورده است. پراکندگی‌های ظاهری قرآن سبب شده که قرآن از کتاب‌های بشری جدا شود و خوانندگان این کتاب بتوانند تمایز میان نوشتار قرآنی و نوشتار بشری را درک کنند. انگیزه این نوشتار این است که درون مایه‌های سوره‌ها دسته‌بندی شده و راه را برای بیرون آوردن آیه یا درون مایه‌ای از قرآن و آمیزه آن با درون مایه یا آیه همانند در سوره مشخص یا سوره‌های همانند هموار نماید؛ برای نمونه اگر کسی دنبال داستان حضرت آدم و حوا باشد، می‌تواند با به‌کارگیری درون مایه‌های سوره‌ها و نشانی آن‌ها درون مایه‌های پیوسته به داستان ذکر شده را در سوره‌های قرآن به آسانی و به صورت دستمایه‌ای جمع‌آوری کرده و به آن دست یابد.

قابل ذکر است که این پیش‌نویس نوآوری نیست که با این خامه به وجود آمده باشد، در سده نوین میلادی نویسندگانی در کشورهای عربی و ایران تلاش کرده‌اند دسته‌بندی‌های متفاوتی از درون مایه‌های قرآن بر پایه نموداری پیشنهاد کنند که بخشی از آن دسته واژه‌های انباشته، نمودارهای فهم آیه، کتاب‌های «خرائط ذهنیه لسور القرآن الکریم» از عبدالرحمن شیبانی و «الخارطة الذهنیه للقرآن الکریم لتیسیر الفهم والحفظ» از مسعود احمد شایع و سایت ویکی شیعه نیز درون مایه‌ها برخی از



سوره‌ها را دسته‌بندی کرده است، راه‌گشای این قلم بوده و دسته‌بندی درون‌مایه‌های سوره‌ها بر همان بنیاد و پس از بررسی‌های همه‌جانبه، صورت گرفته است. شمار بازشناخته‌ای از آیات قرآن که دارای نام ویژه است، سوره نامیده می‌شود. «هر سوره با بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود. قرآن روی هم رفته یک‌صد و چهارده سوره دارد که طبق ترتیب مصحف شریف، اول آن سوره حمد و پایانش سوره ناس است. اگرچه سوره توبه، چون به سرانجام رساندن حجّت و پیام تند به مشرکین است، بسم‌الله ندارد، ولی در سوره نمل در آیه ۳۰ به‌عنوان سرآغاز نامه سلیمان نبی، بسم‌الله الرحمن الرحیم آمده است. برآیند اینکه این دسته‌واژه‌ها در تمام قرآن یک‌صد و چهارده بار تکرار شده است». (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۲۲) بقره با دو صد و هشتادوشش آیه پر آیه‌ترین و کوثر با سه آیه، کم آیه‌ترین سوره قرآن است. (حلبی، بی‌تا: ۱۰۵)

ترتیب فعلی سوره‌ها در قرآن در زمان خلیفه سوم عثمان توسط کمیته‌ای صورت گرفته است. این کمیته که متشکل از دانشمندان مهاجر و انصار بود، بر این اساس قرآن را مرتب کردند که سوره‌های پر آیه در صدر و سوره‌های کوچک در اخیر قرآن جابجا شد» (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۹۸؛ مجموعه من الاساتذه والعلماء المتخصصین، ۱۴۲۳، ۱: ۲۲۴)

هرچند نظری دیگری نیز در این رابطه وجود دارد ازجمله برخی معتقدند که «ترتیب سوره‌ها همگی توقیفی بوده و ترتیب آن مانند ترتیب آیه‌ها منوط و وابسته به تعلیم رسول خدا بوده است، سوره‌ای درجایی مگر به فرمان او قرار نگرفته است. طرفداران این عقیده استدلال کرده‌اند به اینکه صحابه بر مصحف عثمان اجماع کردند و کسی از آنان با آن مخالفت نکرده‌اند، اجماع آن‌ها خود دلیل بر توقیفی بودن مسئله است. چه اگر مسئله اجتهادی بود اختلاف نظر پیش می‌آمد، به این آسانی‌ها از آن تمکین نمی‌کردند و از ترتیب خود چشم نمی‌پوشیدند، آن را تسلیم نمی‌ساختند و بر مصحف عثمان اتفاق نمی‌نمودند». (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۹۹)

در رابطه به ترتیب نزول سوره‌های قرآن روایت‌های مختلف وجود دارد. طبق دیدگاه

معروف، آیات یک تا پنج سوره اقرء، اولین و سوره نصر، آخرین سوره است که به پیامبر نازل شده است. هرچند آیاتی از قرآن پس از سوره نصر نیز نازل شده است؛ مانند آیه اکمال دین از سوره مائده» (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۶۳) و آیه دو صد و هشتاد یک سوره بقره و غیره. (رادمنش، ۱۳۷۴: ۱۰۵-۱۰۶) صد و چهارده سوره قرآن در حقیقت صد و چهارده بخش یا فصل است که با بسم الله از سوره دیگر جدا شده و مجموعه آیات را در خود جای داده است. هر کدام از سوره‌ها، محتویات متفاوتی دارد. از آنجا که فهم سبک قرآن، مستلزم تلاش و مطالعات بیشتر است. در این نوشتار تلاش شده که درون مایه‌های عده‌ای از سوره‌ها را دسته‌بندی و برای استخراج موضوعی به مخاطبان عرضه کند. از آنجا که این مقاله، گنجایش بیان محتویات همه سوره‌ها را نداشت، در ذیل به بیان محتویات سوره‌های فاتحه الی توبه پرداخته شده است.

۱. سوره فاتحه

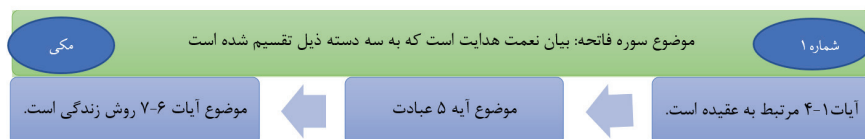
سوره فاتحه در مکه نازل شده، اولین سوره درج شده در قرآن و دارای اهمیت بزرگ و فضایل بسیار است. «فاتحه رکنی از ارکان نماز است که بدون قرائت آن، ادای نماز صحیح نیست. در این سوره توسل به خداوند با حمد، ثنا و تمجید آغاز شده، با توسل به عبودیت و توحید او ادامه یافته و سپس مهم‌ترین مطلب و موفق‌ترین آرزو که درخواست هدایت است، ذکر شده است. در این سوره توحید سه‌گانه ربوبیت، الوهیت و توحید اسماء و صفات تذکر داده شده است». (ابن قیم الجوزیه، ۱۴۱۶، ۳۱:۱)

«ترتیب و تناسب آیات در این سوره به بهترین وجه ممکن صورت گرفته است. ترتیبی که موقف یک بنده بی‌ارزش را در مقابل مولای کریم و باعظمتش نشان می‌دهد که در حال تضرع و طلب ترحم است و از او می‌خواهد که وی را به راه مستقیم، هدایت کند. سوره حمد، از سه بخش تشکیل شده که هر بخش آن مقدمه‌ای برای بخش بعدی است. در این سوره، ادب بنده‌ای که در پیشگاه مولای خود قرار گرفته باشد، به شکل بسیار عالی نشان داده می‌شود. مراحل آن که عبد آن را با تأنی و وقار



طی می‌کند، این‌گونه است که اول او را تمجید می‌نماید، سپس توجه کامل خود را به وی معطوف می‌کند. در مرحله آخر، خواسته‌های خود را مطرح می‌کند. در مرحله تقاضا و عرضه نیاز، از یک اسلوب و قالب بسیار لطیف، کلام را از غیبت به خطاب متوجه می‌کند، گویی که در حجاب بسیار تاریکی بود که یک‌باره آن را از چهره مولای خود برکند، اربابی که با انعام نعمات پی در پی و مستمر خود، وی را مورد تفصّل و لطف خویش قرار داده و سپس در پیشگاه باعظمت وی حضور می‌یابد». (معرفت، ۱۳۷۳: ۳۸)

وقتی عبد، با حضور قلب و نفس بیدار متوجه حضرت احدیت شد و احساس کرد که در پیشگاه او قرار گرفته، با این توجه الحمدلله می‌گوید؛ یعنی نعتی که بر انحصار حمد در ذات حقّ دلالت دارد، می‌بیند که نفس به‌سوی او متمایل شده است. با شروع به حمد و طرح رب العالمین که دلالت مالکیت بر همه عالمیان دارد، دانسته می‌شود که هیچ‌کسی توانایی بیرون رفتن از حکومت او را ندارد. در این حالت انگیزه بشر نسبت به او قدرت می‌گیرد تا منتقل به الرحمن الرحیم می‌گردد که خود بیانگر این است که تمام نعمت‌ها، تنها از جانب ذات ربوبی است. مالک یوم الدین، دلالت دارد به اینکه پادشاهی روز قیامت، فقط از آن او است. لذا توجه بیشتری بدان مبذول داشته و خطاب مستقیم و مخصوص خود را در نهایت خضوع و استعانت، متوجه او ساخته و *إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ* می‌گوید. این دو جمله، کمال انقطاع از غیر و رو آوردن به محبوب حقیقی است. با تکرار کلمه صراط در آیه هفتم صراط الذین انعمت علیهم تأکید خویش پیرامون رسیدن به صراط حق را بازگو می‌کند؛ صراطی که مرتبط به افراد نیکوکار است، صراط کسانی که از نعمت خداوند برخوردار شده و از غضب الهی دور بوده‌اند». (ر.ک. الزمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۱۴-۱۶)





۲. سوره بقره

سوره بقره «از سوره‌های مدنی، بلندترین سوره و اولین سوره نازل شده است که در طی چند سال، تکمیل شده و در خلال و ظرف نزول آن، آیات و سوره‌های دیگری نیز نازل گشته است. این سوره علی‌رغم طولانی بودنش، از اسلوب واحد برخوردار است؛ مقدمه کلی، دعوت همگانی مکلفین عالم و سرانجام، احکامی در زمینه‌های مختلف، تشریع شده است. مقدمه شامل بیست آیه اول، دعوت در حدود صد و بیست و چهار آیه و تشریع که خاتمه سوره است نیز از صد و چهل و دو آیه تشکیل شده است».

(ر.ک. معرفت، ۱۳۷۳: ۴۰) «در این سوره محتویاتی چون انواع انسان‌ها در ارتباط با عبادت، بندگی و اهمیت آن، استجابت، حقیقت و بندگی، وسعت عبادت در مراحل مختلف زندگی، تعظیم اساس بندگی در این سوره به کار گرفته شده است. این سوره به این علت بقره نامیده شده که داستان گاو بنی اسرائیل (بقره) در چهار آیه ۶۷-۷۰ این سوره ذکر شده است». (مجموعه من الاساتذة والعلماء المتخصصین، ۱۴۲۳: ۱، ۲۲۱)

از آنجا که این سوره به تدریج و به طور «متفرق نازل شده، نمی‌توان غرض واحدی که مورد نظر همه آیاتش باشد در آن یافت، تنها می‌توان گفت: که قسمت عمده آن از یک غرض واحد و چشم‌گیر خبر می‌دهد و آن عبارت است از بیان این که عبادت حقیقی خدا به این است که بنده او به تمامی کتاب‌هایی او ایمان داشته باشد، میان کتاب‌های آسمانی و رسولان الهی فرقی نگذارد. در این سوره علاوه بر بیان حقیقت نامبرده، کفار و منافقین، تخطئه و اهل کتاب ملامت شده‌اند که چرا میان ادیان آسمانی و رسولان الهی فرق گذاشتند و در هر فرازی به مناسبت عده‌ای از احکام از قبیل برگشتن قبله از بیت المقدس به سوی کعبه و احکام حج، ارث، روزه و غیر آن را بیان نموده، به فرازی دیگر پرداخته است». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱، ۶۹)

موضوع سوره بقره و چگونگی روش جانشینی:

آیات ۱ تا ۲۰، تقسیمات انسانها بر اساس عبادت. ۲۱ تا ۳۹ اهمیت بندگی. ۴۰ تا ۱۵۲ استجابت و حقیقت بندگی. ۱۲۴ تا ۱۵۳ تا ۲۵۳ شمولیت عبادت در زندگی. ۲۵۴ تا ۲۸۶ تنظیم اساس بندگی.

مدنی		موضوع سوره بقره: چگونگی و روش جانشینی										شماره ۲
۲۵۴-۲۸۶ تعظیم اساس زندگی			۱۵۳-۲۵۳ شمولیت عبادت در زندگی			۱۵۲-۴۰ استجابت و حقیقت زندگی			۳۹-۲۱ اهمیت زندگی			۲۰-۱ تقسیمات انسان‌ها از حیث عبادت
۲۸۶-۲۸۴ تاکید بر وحدانیت خداوند	۲۸۳-۲۶۱ صدقه دلیل بندگی	۲۶۰-۲۵۴ داستان تعظیم توحید	۱۶۷-۱۵۸ علامت بندگی	۱۵۷-۱۵۳ مصایب ابتلا و	۱۵۲-۱۲۴ مثبت مثال	۱۲۳-۴۰ منفی مثال	۳۹-۳۰ داستان آغاز بندگی	۲۹-۲۱ اهمیت زندگی	۲۰-۸ مناقق آن	۷-۶ کافران	۵-۱ مومنان	
۲۴۳-۲۵۳ داستان طاعت و جالوت و اثر آن‌ها در زندگی			۱۵۲-۱۴۲ داستان تغییر قله			۱۴۱-۱۲۴ داستان ابراهیم			۱۰۳-۴۰ عهد بنی اسرائیل			
			۲۱۹-۱۶۸ حیات و عبادات			۱۲۳-۱۰۴ عبودیت بنی اسرائیل						



۳. سوره آل عمران

در این سوره از آیه سی و پنج تا پنجاه و پنج در مورد حضرت مریم و عیسی^(ع) صحبت شده و اسمی از حضرت موسی^(ع) و یهود نیامده است. این سوره به همین دلیل، به نام سوره آل عمران نامیده شده است. «منظور از عمران در این سوره پدر حضرت مریم است. داستان خانواده عمران، مادر مریم و مظاهر قدرت خداوند برای تولد مریم و فرزندش حضرت عیسی^(ع) در آن تذکر آمده و بیان شده که عیسی^(ع) دارای خانواده است، نمی‌تواند اله باشد. این سوره به بیان توحید برای اثبات وحدانیت خداوند متمرکز است، درحالی‌که سوره بقره، سخنانی درباره یهودیت و اظهار مکر و دروغ آنان بر خداوند تمرکز کرده بود و سوره آل عمران سخنانی درباره مسیحیان و بیان دروغ‌های آنان درباره خداوند که دارای زن و فرزند است تمرکز کرده است».

(الشایع، ۲۰۱۴: ۹۵) سوره آل عمران مدنی و تعداد آیات آن ۲۰۰ آیه است.

سوره آل عمران، «مؤمنان را به توحید کلمه دعوت کرده تا خود را برای مقابله با دشمنان آماده سازند، باید در مقابل ناملایماتی صبر کنند؛ زیرا موقعیتی بس خطرناک دارند. دشمنان مشغول جمع‌آوری نیرو هستند و در خاموش کردن نور توحید، متحد شده‌اند. این احتمال می‌رود که سوره آل عمران یک‌باره نازل شده باشد؛ زیرا آیاتش ظهوری روشن در به‌هم‌پیوستگی و انسجام دارد. این احتمال نیز می‌رود که این سوره وقتی نازل شده که دعوت پیامبر^(ص) تا حدودی جاافتاده بود؛ زیرا در آیات این سوره سخنی از جنگ احد، واقعه مباهله با نصاری نجران، یادی از کار یهود و تحریکات مشرکان دیده می‌شود. مسلمانان را به صبر می‌خواند و دستور می‌دهد تا یکدیگر را به صبر سفارش کنند، در کنار همدیگر قرارگرفته متحد شوند. موارد فوق مؤید این معنا است که سوره یادشده در روزگاری نازل شده که مسلمانان، مبتلا به دفاع از حوزه دین بودند».

(ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳: ۴)



۴. سوره نساء

سوره نساء در مدینه نازل شده و دارای ۱۷۶ آیه است. «این سوره به علت احکام مرتبط با بانوان، نساء نامیده شده است». (خامه گر، ۱۳۸۶: ۱۲۷) سوره نساء در ترتیب مصحف، چهارمین سوره و «در ترتیب نزول نود و دومین سوره قرآن است. طوری که از اولین آیه این سوره برمی آید، سوره نساء در مقام بیان احکام ارث و زناشویی است. در خلال آیاتش اموری دیگر نیز ذکر شده، نظیر احکامی از نماز، جهاد، شهادت، تجارت و غیره و مختصری هم درباره اهل کتاب سخن رفته است. مضامین آیات این سوره بیان می دارد که این سوره در مدینه و بعد از هجرت نازل شده و از ظاهر آن‌ها برمی آید که یک باره نازل نشده است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۲۱۳)

سوره نساء در حالی نازل شد که «امنیت داخلی و خارجی نظام اسلامی سخت در معرض تهدید و دشمنانش به گونه ای درصدد لطمه زدن به آن بودند. این قرائن برخی از مفسران را به این نتیجه رسانده است که سوره نساء دو هدف اساسی را دنبال می کند: یکی استقرار امنیت عمومی برای خانواده و جامعه و دوم استقرار امنیت خارجی برای امت اسلامی و نظام دینی. این اغراض در یک محور اصلی یعنی استقرار امنیت در جامعه خلاصه می شوند. در انتها با تأکید بر حقانیت رسالت حضرت محمد، (ص) اهل کتاب را به اعتدال در رأی و قول فرامی خواند و سرانجام سوره با همان آهنگی که آغاز شده بود، به پایان می رسد و چند نکته از حقوق خانواده و ارث را گوشزد می کند». (خامه گر، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

شماره ۴	مدنی						
۱۲-۱ انواع ضغفه، تشویق به نیکی به آنان و میراث	۱۲-۱۳ پادشاه مردم	۱۰۴-۶۰ تضمین حقوق مستضعفان	۱۰۵-۱۲۶ امر به عدالت	۱۱۳-۱۰۵ معامله خائنانشان	۱۲۱-۱۱۴ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۱ اصل انسانی واحد	۶۸-۶۰ دشمنی و جایگاه منافقان	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۶-۲ ایتم، تعدد زوجات و مهریه	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۱۲-۷ میراث و مال یتیم	۸۴-۷۱ موقف منافقان در آن	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۱۴-۱۳ فرمانبرداران و کفر سرکشان	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۱۸-۱۵ کفر زنا و انواع توبه	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۲۸-۲۶ نعمت‌های خداوند	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۲۰-۲۹ حرمت نفس و اموال مسلمانان	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۳۳-۳۱ دوری از گناهان کبیره و نهی از تمی به داشتن داشته‌های دیگران	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۵۹-۵۸ حکم به عدالت	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها
۱۰۴-۱۰۱ نماز خوف	۷۰-۶۹ فرمانبرداران	۸۶-۸۵ شفاعت نیک و بد و جواب تحیت	۱۲۶-۱۲۲ پادشاه عمل صالح	۱۱۳-۱۰۵ امر به عدالت و ایمان	۱۲۶-۱۲۲ لغزش زنان و شیطان	۱۵۰-۱۵۲ جزای کافران	۱۷۴-۱۷۵ ثواب هدایت شده‌ها



۵. سوره مائده

مائده در ترتیب فعلی پنجمین سوره و از سوره‌های مدنی قرآن است. «این سوره به سبب آنکه از مائده آسمانی و نزول آن به درخواست حواریون حضرت عیسی^(ع) سخن گفته، مائده نام گرفته است. در سوره مائده احکام بسیاری بیان شده از جمله، رد تثلیث مسیحیت، قیامت، معاد، وفای به عهد، عدالت اجتماعی، عدالت شاهد، حرمت کشتن انسان‌ها، احکام وضو و تیمم آمده است. از وقایع تاریخی که در این سوره درباره آن‌ها سخن گفته شده، سرگذشت بنی اسرائیل، داستان هابیل و قابیل، رسالت حضرت عیسی و معجزات اوست. در سوره مائده سلسله‌ای از معارف و عقاید اسلامی، احکام و وظایف دینی مطرح شده است. مسائل مربوط به قیامت و رستاخیز، مسئله وفای به عهد، عدالت اجتماعی، حکم قتل، احکام غذاهای حلال، احکام وضو و تیمم و قصاص و دزدی و احکام فرد مُحَرَّم از مباحث مطرح در این سوره است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۲۴۱)

به گفته علامه طباطبایی «هدف کلی این سوره، دعوت به وفای به عهد و پایداری در پیمان‌ها است. از این سوره دانسته می‌شود که عادت الهی بر این است که بر کسانی که تقوای پیشه می‌کنند و به مردم احسان می‌کنند، رحمت کند و آسان گیرد و بر کسانی که در پیمان‌شان با امام خویش گردنکشی می‌کنند، سخت گیرد». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۲۵۶)

مدنی	شماره ۵			
۱۲۰-۱۰۹ برگشت پیمان ها در روز قیامت و داستان سفره آسمانی	۱۰۸-۸۷ آیات احکام	۸۶-۴۱ نهی از دوستی با کفار	۴۰-۱ حفظ دین، آبرو، جان و مال	۶-۱ وفای به عهد و پیمان حلال، حرام و طهارت
۱۰۹ سوال از پیغمبران در روز قیامت که مردم با دعوت آنها چه کردند	۸۸-۸۷ نهی از تحریم حلال خداوند	۴۳-۴۱ دلاری پیغمبر در ارتباط آنچه که بهبود و منافقان انجام میدادند	۳۴-۳۲ کیفر قتل و فساد در زمین	
۱۱۵-۱۱۰ معجزه عیسی و داستان سفره آسمانی	۸۹ حکم قسم	۵۰-۴۴ کتاب های آسمانی و وجوب حکم به آنچه خدا فرستاده است	۳۵ تقرب به خداوند با عمل صالح	
۱۱۶-۱۱۹ گفتگوی خداوند با عیسی و جزای صافقان	۱۰۰-۹۰ تحریم شراب، قمار و صید در حال احرام	۵۸-۵۱ تحریم دوستی مومنان و لزوم دوستی پیغمبر	۳۷-۳۶ کیفر کفار در روز قیامت	
۱۲۰ دلایل قدرت خداوند	۱۰۵-۱۰۱ نقد جاهلان و ارشاد مومنان	۷۶-۵۹ زشتی های اهل کتاب و شرک مسیحی ها	۴۰-۳۸ حد دزدی	
	۱۰۸-۱۰۶ وصیت در زمان مرگ	۸۶-۷۷ نهی اهل کتاب از غلو و بیان اندازه دشمنی آنها با السلام		۳۱-۲۷ داستان هابیل و قابیل



۶. سوره انعام

سوره انعام «مکی است و به دلایل تاریخی قبل از هجرت نازل شده است. می‌توان دریافت که باید موضوع اصلی آن یکی از مباحث اعتقادی باشد هرچند که این سوره مشتمل بر برخی از وظایف شرعی و محرمات دینی نیز هست. هدف اصلی سوره تثبیت و تأیید عقاید بنیادی سه‌گانه توحید، نبوت و معاد است که مفسران نیز به نحوی هدف و غرض این سوره مکی را در چارچوب مسائل اعتقادی ارزیابی کرده‌اند. هنگامی که با استمداد از ویژگی مکی یا مدنی بودن سوره دامنه موضوع آن محدود شده است، طبیعی است در این حالت که کشف و تعیین غرض آن از سهولت بیشتری برخوردار باشد». (خامه گر، ۱۳۸۶: ۱۵۵) غرض کلی این سوره «همان توحید است، البته توحید به معنای اعم و اینکه اجمالاً پروردگار تمام عالمیان است. از او است ابتدای هر چیز و به‌سوی او است بازگشت و انتهای هر چیز، پروردگاری که به‌منظور بشارت بندگان و انداز آنان پیغمبرانی فرستاد و در نتیجه بندگان مربوطش به‌سوی دین او هدایت شدند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵: ۷)

موضوع سوره انعام: اقامه دلیل بر کفار و تقریر عقیده					شماره ۶
۳۰-۳۳ موضوع کافران در برابر آیات خداوند، کتاب‌های آسمانی و پشیمانی آنان در آخرت	۳۳-۳۰ موضع کافران در برابر آیات خداوند، کتاب‌های آسمانی و پشیمانی آنان در آخرت	۳۳-۳۰ موضع کافران در برابر آیات خداوند، کتاب‌های آسمانی و پشیمانی آنان در آخرت	۳۳-۳۰ موضع کافران در برابر آیات خداوند، کتاب‌های آسمانی و پشیمانی آنان در آخرت	۳۳-۳۰ موضع کافران در برابر آیات خداوند، کتاب‌های آسمانی و پشیمانی آنان در آخرت	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	
۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-۳۳ دلاری پیامبر و بیان قدرت خداوند	۳۹-			



۷. سوره اعراف

نام این سوره به دلیل سخن از اعراف و اصحاب آن در روز قیامت گرفته شده است. واژه اعراف دو بار در قرآن کریم در آیات ۴۶ و ۴۸ این سوره ذکر شده است. «سوره اعراف جزو سوره‌های مکی و در ترتیب نزول، سی و نهمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. با توجه به وضع محیطی مکه، این سوره بیشتر ناظر به بحث از مبدأ و معاد، اثبات توحید، دادگاه رستاخیز، مبارزه با شرک و تثبیت مقام و موقعیت انسان در جهان آفرینش است. هدف آن را تقویت عقیده و مبانی ایمان در مسلمانان می‌داند. سوره اعراف به پیمان‌هایی که خدا از انسان‌ها در مسیر هدایت و صلاح گرفته، از جمله در عالم ذر اشاره می‌کند و برای نشان دادن شکست و ناکامی اقوامی که از مسیر توحید منحرف شده‌اند، به سرگذشت اقوام پیشین و برخی انبیای گذشته می‌پردازد. مأمور ساختن پیامبر اسلام به انذار و فرمان به سیره حسنه و رفتار ملایم برای نفوذ سخنش در دل‌ها از دیگر موضوعات مندرج در این سوره است. نزول سوره اعراف را در سخت‌ترین شرایط مسلمانان در مکه و در دوران محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب می‌دانند». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۸: ۴) «محور اساسی سوره اعراف انذار و هشدار است که خطاکاران را بیمناک می‌سازد؛ یعنی کسانی را بیم می‌دهد که با غیر خدا پیمان دوستی می‌بندند، غیر خدا را به سرپرستی خویش برمی‌گزینند، آیات الهی را تکذیب می‌کنند و از طاعت الهی استکبار می‌ورزند. خدا را به دست فراموشی می‌سپارند، نعمت‌های او را سپاس نمی‌دارند. خدا اینان را به سقوط و نابودی در دنیا و عذاب آخرت تهدید می‌کند». (خامنه‌گر، ۱۳۸۶: ۲۶۱)

۸. سوره انفال

سوره انفال مدنی است و گفته شده در سال دوم هجرت پس از غزوه بدر نازل شده است. «انفال به معنای اموالی است که خاص رسول خدا (ص) و پس از آن حضرت، در اختیار امام است که شامل فیء، زمین موات، بیابان‌های لم‌یزرع، کناره دریا، رئوس جبال، نیزار، جنگل، میان دره، غنائم برجسته جنگ، قطاع الملوک، غنائم جنگ‌های بدون اجازه امام، ارث بلا وارث، معادن در زمین غیر ملک و دهکده‌هایی

موضوع سوره اعراف: سنت مبارزه بین ایمان و کفر					شماره ۷
مکی					
۱۷۹-۱۷۲ پیمان گرفتن از بنی اسرائیل و داستان بلعم باعورا	۱۰۳-۱۷۱ داستان موسی	۱۰۳-۱۲۶ گفتگو موسی با فرعون و ایمان ساحران	۵۹-۱۰۲ داستان انبیاء	۱-۹ ضرورت پیروی از قرآن و سنت خداوند در امت ظالم	
۱۸۰-۱۸۸ دعا با اسمای حسنی و حقایق راهمائی الهی	۱۲۶-۱۰۳ تنبیه فرعون به آزار بنی اسرائیل و ترس آنان از فرعون	۱۲۶-۱۳۰ هلاکت فرعون و قومش بعد از نقض پیمان و کفران نعمت	۵۹-۶۴ داستان نوح	۱۰-۲۷ داستان آدم و شیطان و برحذر داشتن بنی آدم از شیطان	
۱۸۹=۱۹۸ طبیعت مشرکان، نقد آنان و بطلان عبادت غیر از خداوند	۱۳۰-۱۴۱ جهالت قوم موسی پس از نجات	۱۳۰-۱۴۵ میقات موسی با پرودگار و نزول تورات	۶۵-۷۲ داستان هود	۲۸-۳۴ حذر از تقلید کوران، امر به نیات و استقامت	
۱۹۹-۲۰۶ توبه اخلاقی نیک و صفات مومنان	۱۴۵-۱۴۶ انحراف بنی اسرائیل، پرستش گوساله و موقف موسی در مقابل آن		۷۳-۷۹ داستان صالح	۳۵-۴۵ ارسال پیامبران، عاقبت تکذیب و پاداش مومنان	
			۸۰-۸۴ داستان لوط	۴۶-۵۳ اصحاب اعراف و گفتگوی بهشتیان و دوزخیان	
			۸۵-۹۳ داستان شعیب	۵۴-۵۸ مظاهر قدرت خداوند	
			۹۴-۱۰۲ سنت خداوند بر دروغ گویان		

که خراب‌شده و اهالی‌اش کوچ کرده‌اند». (حریری، ۱۳۸۴: ۶۸)

انفال از نظر لغت، جمع نفل است و «واژه نفل، در سال‌های نخستین ظهور اسلام شناخته‌شده بود؛ اما در طی قرن‌های بعد، با غلبه کاربرد اصطلاحی آن، معنای لغوی‌اش به فراموشی سپرده شد. برخی معنای آن را غنیمت، بخشش یا زیادی بیان کرده‌اند». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه نفل) برخی نیز معنای اصلی را «زیادی دانسته و معنای دیگر را به آن بازگردانده‌اند». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۴) معنای اصطلاحی انفال در «اصطلاح فقهی غنائم و موهبت‌های منقول و غیرمنقولی از جانب خداوند برای حاکم اسلامی است. این اموال در جهت تقویت اسلام، مصالح مسلمین و امت اسلامی مصرف می‌شود». (مشکینی، ۱۴۱۹: ۹۳)

مبنای شکل‌گیری این اصطلاح در فقه اسلامی، آیه نخست سوره انفال است که در آن چنین آمده است: «از تو درباره انفال می‌پرسند؛ بگو انفال از آن خدا و رسول است». در مورد تفسیر این آیه و بیان حقیقت انفال بین مفسران و علمای اهل سنت، چندین نظر وجود دارد. مشهور میان اهل سنت این است که این آیه درباره تقسیم غنائم جنگ بدر نازل شده است». (النجدی، بی‌تا: ۵) این مطلب را افرادی چون «ابن عباس، عباد بن صامت، ابویوب انصاری و برخی دیگر از صحابه نقل کرده‌اند و در مجامع روایی اهل سنت، از صحاح تا مسانید و تفاسیر و کتاب‌های سیره بازتاب یافته و ابوداود نیز آن را آورده است». (ابوداود، بی‌تا: ۳: ۷۷)

بر اساس این روایات، «انفال اموالی بوده که پیامبر^(ص) به‌عنوان جایزه برای برخی از یاران خود نهاده بود و با نزول آیه شریفه، نه اینکه اموال به مالکیت خدا و رسول درآمده باشد، بلکه حکم و اختیار مصرف این اموال در دست پیامبر^(ص) قرار گرفت؛ ایشان با این اختیار جدید، پس از بدر نیز همواره درباره لغو اعطای انفال اختیار داشت. برخی دیگر معتقدند، مفهوم انفال همان است که در آیه ۷ سوره حشر با تعبیر فیء بیان و آن را مختص خدا و رسول و نیز ذی‌القربى، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان دانسته است. این تفسیر از عطا بن ابی رباح و سُدی از شاگردان ابن عباس نقل شده است». (سیوطی، بی‌تا، ۸: ۱۰۳-۱۰۴)



مدنی	موضوع سوره انفال: غزوه بدر و عوامل نصرت الهی	شماره ۸
۶۱-۵۵ صفات کافران و منافقان و کیفیت معاملات آنان	۴۱ توزیع غنائم	۴-۱ حکم غنائم جنگی و صفات مومنان
۶۴-۶۲ خداوند برپوشش کافی است و تشویق به جنگ با دشمنان دین	۴۲ غزوه بدر و امر به ثبات قدم و عدم پراکندگی	۱۹-۵ داستان غزوه بدر
۷۱-۶۵ قضیه اسری و ایاحه غنائم جنگی	۴۸ مکر شیطان و اتباعش	۲۹-۲۰ امر به اطاعت از پیامبر و برحذر داشتن از خیانت، عدم پیروی از پیامبر سستی از اسباب کفر است
۷۵-۱۷۲ قدرت ارتباط دینی و تحذیر از دوستی با کفار	۵۴-۵۰ عذاب کافران و اینکه گناه باعث عذاب است	۴۰-۳۰ مکر دشمنان اسلام و کفر آنان، قضایات استغفار و اینکه او یکی از موانع عذاب است



۹. براءت یا توبه

«توبه در شرع ندامت از معاصی است و اسلام به توبه از گناهان کبیره و صغیره فرمان داده است». (حریری، ۱۳۸۴: ۱۰۵) سوره توبه «به نام براءت نیز معروف است؛ زیرا در اولین آیه این سوره، کلمه براءت از مشرکان به کار رفته است». (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۰۵)

گاهی «سوره انفال و توبه را یک سوره به شمار آورده‌اند؛ زیرا سوره‌ها با بسم‌الله آغاز می‌یابد، ولی بین این دو سوره بسم‌الله وجود ندارد. البته علت عدم ذکر بسم‌الله در این سوره این است که چون این سوره اتمام حجت و پیام تند به مشرکین است بدین جهت بسم‌الله در آن نیامده است. دلایل دیگری نیز برای عدم ذکر بسم‌الله و یکی شمردن دو سوره انفال و توبه ذکر شده است از جمله رامیار از قول ابن اشته نقل کرده است که عثمان فرمان داد که سوره‌های طولانی را پی در پی قرار دهند و سوره‌های انفال و توبه را جزء هفت سوره طولانی قرار دادند، آن‌ها را با بسم‌الله الرحمن الرحیم از همدیگر جدا نکردند. وی طبق روایت دیگری که از مسند احمد ابن حنبل آورده است از ابن عباس روایت کرده است که از عثمان می‌پرسد چرا میان انفال و توبه بسمله نهاده‌اند، عثمان پاسخ می‌دهد: چون رسول خدا بدرود زندگی گفت، جدایی این دو سوره برای ما روشن نشد». (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۹۹)

«مفسرین در اینکه این آیات سوره مستقل است یا جزء سوره انفال، اختلاف کرده‌اند. روایت وارده از امامان شیعه در این باره نیز مختلف است، چیزی که هست از نظر صناعت آن دسته از روایات که دلالت دارد بر اینکه این آیات به سوره انفال ملحق‌اند، رجحان دارد و به نظر قوی می‌رسد. آیات این سوره دارای غرض واحدی نیست. بخش اول این سوره مربوط به بیزاری از کفار است، آیاتی از آن مسلمانان را به قتال تحریک می‌کند، عده‌ای متعرض حال کسانی است که از جنگ تخلف ورزیدند، آیاتی مربوط به دوستی و ولایت کفار است. آیاتی راجع به زکات است، همچنین مطالبی دیگر، لیکن می‌توان گفت قسمت معظم آن مربوط به قتال با کفار و منافقان است». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹: ۱۹۶)

مدنی	موضوع سوره توبه: رسوایی منافقان و موضوعات مشرکان				شماره ۹
۱۱۷-۱۱۹ توبه کسانی که از غزوه تبوک به علت اهمال بازمانده بودند	۶۱-۷۲ صفات و جزای مومنان و منافقان	۳۶-۳۶ ماهای حرام و بازپچه ساختن آنان توسط مشرکان	۲۳-۲۴ تحریم دوستی با کفار	۱-۶ بیزاری از پیمان با مشرکان و احکام معامله با آنان	
۱۲۰=۱۲۳ برتری اهل مدینه و فضل اهل علم	۷۳-۱۰۲ امر به جهاد و انواع منافقان و عذر آوردندگان	۳۸-۴۱ امر به جهاد و یادآوری نصرت الهی	۲۵-۲۷ برتری بخشیدن خداوند به مومنان به علت نصرت	۷-۱۵ صفات مشرکان و معامله آنها با مومنان	
۱۲۴-۱۲۷ موقف مومنان و منافقان در ارتباط به نزول سوره	۱۰۳-۱۱۲ صدقه، توبه و تجارت پرسود	۴۲-۵۹ رسوایی منافقان	۲۸-۳۳ تحریم داخل شدن مشرکان در مسجد الحرام و مبارزه با آنان	۱۶-۱۹ تشویق به جهاد و ساختن مسجد	
۱۲۸-۱۲۹ صفات رسول اکرم	۱۱۳-۱۱۶ تحریم استغفار مشرکان	۶۰ در مورد زکات	۳۴-۳۵ زراوندی علمای یهود و کیفر آنان	۲۰-۲۲ برتری و پاداش مجاهدان	



نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد که محتویات سوره‌های قرآن بر مبنای نموداری نمایش داده شود. به این منظور با استفاده از تفاسیر و کتبی که به دسته‌بندی موضوعی محتویات سوره‌های قرآن پرداخته است، مراجعه شده که موارد ذیل به دست آمده است:

۱. سوره حمد به سه بخش عقیده، عبادت و روش زندگی و سوره بقره از نظر محتوایی به شش بخش متفاوت تقسیم شده است که هر بخش، زیرمجموعه‌های خود را دارد. این بخش‌ها عبارت است از بخش مقدماتی تحت عنوان تقسیمات انسان‌ها نسبت به عبادت خداوند، اهمیت بندگی، استجاب و حقیقت بندگی، شمولیت عبادت در زندگی و تعظیم اساس بندگی تقسیم شده است.

۲. سوره آل عمران در نخست به دو بخش ثبات فکری در مواجهه با افکار بیرونی و چگونگی ثبات باطنی تقسیم شده است که هر کدام نیز زیرمجموعه‌های خود را دارد. سوره نساء به بخش‌های انواع ضعف، تشویق به نیکی به آنان و میراث، ثواب و عقاب، حقوق، عدالت، مبارزه برای حقوق مستضعفان، وضعیت و پاداش مردم تقسیم شده است.

۳. سوره‌های مائده، انعام و اعراف نیز هر کدام به بخش‌های حفظ دین و آبرو و جان و مال، نهی از دوستی با کفار، آیات احکام و برگشت پیمان‌ها در روز قیامت و داستان سفره آسمانی و قدرت خداوند در هستی، رویاروی و تهدید مشرکان و پاداش آخرت، راهنمایی پیامبران و مؤمنان، ضرورت پیروی از قرآن، داستان انبیاء، پیمان گرفتن از بنی اسرائیل و داستان بلعم باعورا تقسیم شده است.

۴. سوره‌های توبه و انفال که به باور برخی‌ها هر دو یک سوره است، محتوای همچون حکم غنائم جنگی، صفات کافران، مؤمنان و منافقان، بیزاری از پیمان با مشرکان، تحریم دوستی با کفار، ماهای حرام، صفات و جزای مؤمنان و منافقان، توبه کسانی که از غزوه تبوک بازمانده بودند را شامل است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابوداود، سلیمان بن اشعث (بی تا)، سنن ابی داود، (محقق: محمد محی الدین عبدالحمید)، بیروت: مکتبه العصریه.
۲. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، (۱۴۲۳ق)، مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد و ایاک نستعین، (محقق: المعتصم بالله بغدادی)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، (محقق: جلال الدین میردامادی)، بیروت: دارالصادر.
۴. حریری، محمدیوسف، (۱۳۸۴ ش)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم: نشر هجرت.
۵. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲ ش)، آشنایی با علوم قرآن، تهران: امیرکبیر.
۶. حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۴ ش)، آشنایی با علوم قرآن، تهران: اساطیر.
۷. خامه گر، محمد، (۱۳۸۶ ش)، ساختار هندسی سوره های قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. رادمنش، سید محمد، (۱۳۷۴ ش)، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین: جامی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، (محقق: داودی، صفوان عدنان)، بیروت - دمشق: دار القلم - دار الشامیه.
۱۰. رامیار، محمود، (۱۳۶۹ ش)، تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر.
۱۱. الزمخشری، جار الله ابوالقاسم محمود، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقایق و غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۲. السیوطی، عبدالرحمن، (بی تا)، الدر المنثور، بیروت: دارالفکر.
۱۳. الشایع، سعود احمد شایع، (۲۰۱۴م)، الخارطه الذهنیه للقرآن الکریم لتیسیر الفهم و الحفظ، الکویت: آفاق للنشر والتوزیع.



۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، «ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. مجموعه من الاساتذه والعلماء المتخصصین، (۱۴۲۳ق)، الموسوعه القرآنیة المتخصصه، قاهره: المجلس الاعلی بشئون الاسلامیه.
۱۶. معرفت، محمدهادی؛ مولایی نیا، عزت الله، (۱۳۷۳ش)، تناسب آیات، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۱۷. مشکینی، علی، (۱۴۱۹ق)، مصطلحات الفقه، قم: انتشارات الهادی.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. النجدي، محمد بن عبدالوهاب، (بی تا)، مختصر تفسیر سوره انفال، (محقق: ناصر بن سعد الرشید)، ریاض: جامعه امام محمد بن سعود.

